

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تجزیه و تحلیل ساختار بازرگانی استان فارس

شماره ثبت مرکز اسناد مؤسسه: ۱۶۸۳ مورخ ۱۳۸۴/۳/۹



مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

پیشگفتار

با عنایت به اینکه صادرات و تجارت خارجی در استان فارس دارای سابقه طولانی بوده، به طوری که موقعیت مناسب استان در کشور به لحاظ نزدیکی به خلیج فارس و همسایگی با استان‌های مرزی هرمزگان، بوشهر و همچنین نزدیکی به استان‌های خوزستان، سیستان و بلوچستان و اصفهان و برخورداری از منابع طبیعی سرشار و وجود منابع معدنی غنی شرایط مناسبی را برای گسترش تجارت خارجی استان فراهم آورده است.

در این تحقیق نیز سعی شده تا از طریق شناسایی ظرفیت‌های بالقوه مزیت‌های نسبی استان راه کارهایی به منظور ارتقاء صادرات غیرنفتی استان ارایه گردد. در فصل اول این تحقیق کلیات، و در فصل دوم مبانی نظری موجود در زمینه تجارت خارجی و نقش آن در رشد اقتصادی و نیز توزیع درآمد به اختصار مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در فصل سوم تحولات تجارت خارجی در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت و روند تحولات حقوقی در زمینه تجارت خارجی گویای مقررات‌زدایی گسترده از حوزه تجارت خارجی می‌باشد. فصل چهارم طرح وضعیت اقتصادی و اجتماعی استان فارس مورد بررسی قرار گرفته و در فصل پنجم نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارایه شده است.

در اینجا لازم است از زحمات آقای جعفر مهدی‌زاده مجری طرح و همکار ایشان، آقای بیژن صفوی مسئول طرح و همکاران شرکت چاپ و نشر بازرگانی که در انجام این طرح تقبل زحمت کرده‌اند، تشکر و قدردانی شود.

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

CPPC.ir

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱.....	فصل اول: کلیات.....
۳.....	مقدمه.....
۴.....	بیان موضوع تحقیق و ضرورت انجام آن.....
۵.....	اهداف تحقیق.....
۵.....	پرسشهای اصلی و فرعی تحقیق.....
۵.....	فرضیه یا فرضیه‌های تحقیق.....
۵.....	جامعه آماری، حجم نمونه و روش‌های نمونه‌گیری.....
۷.....	فصل دوم: مبانی نظری.....
۹.....	مقدمه.....
۱۰.....	۱- جایگاه تجارت خارجی در توسعه اقتصادی.....
۱۴.....	۲- اثر تجارت خارجی بر توزیع در آمد و رفاه اقتصادی - اجتماعی.....
۱۷.....	۳- مروری بر سیر تکوین اندیشه‌های اقتصادی در باب تجارت خارجی.....
۱۸.....	۳-۱- دیدگاه کلاسیکها.....

آدام اسمیت و نظریه مزیت مطلق.....	۱۹
نظریه مزیت نسبی ریکاردو.....	۱۹
جان استوارت میل و نظریه تقسیم آثار تجارت.....	۱۹
هابرلر و نظریه هزینه فرصت.....	۱۹
هلامینت و دیدگاه بهره وری دینامیک.....	۲۰
۳-۲- کینزی‌ها و تجارت خارجی.....	۲۰
۳-۳- دیدگاه‌های نئو کلاسیک‌ها.....	۲۱
۳-۳-۱- نظریه هکشر - اهلین.....	۲۲
۳-۳-۲- تئوری سیکل تولید در تجارت.....	۲۳
۳-۳-۳- تئوری اختلافات ساختاری.....	۲۴
۳-۳-۴- تئوری نظام مرکز - پیرامون در حوزه تجارت.....	۲۵
۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۲۶
فصل سوم: تحولات بخش بازرگانی خارجی کشور.....	۲۹
الف) تحولات بازرگانی خارجی در چندسال اخیر.....	۳۴
۳-۱) سیاست‌های اجرایی بخش بازرگانی خارجی در سال ۱۳۷۶.....	۳۴
۳-۲) سیاست‌های اجرایی بخش بازرگانی خارجی در سال ۱۳۷۷.....	۳۶
۳-۳) سیاست‌های اجرایی بخش بازرگانی خارجی در سال ۱۳۷۸.....	۳۸
۳-۴) سیاست‌های اجرایی بخش بازرگانی در سال ۱۳۷۹.....	۴۷
۳-۵) سیاست‌های بخش بازرگانی خارجی کشور در سال ۱۳۸۰.....	۴۹
۳-۶) مشکلات و موانع عمده بخش بازرگانی خارجی در برنامه سوم توسعه.....	۵۲
سیاست‌های وزارت بازرگانی در رابطه با توسعه صادرات غیر نفتی.....	۵۴
ب) بررسی وضعیت بازرگانی خارجی کشور در گذشته.....	۵۵
واردات.....	۵۶
صادرات غیر نفتی.....	۶۶
فصل چهارم: ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی استان فارس.....	۷۱
مقدمه.....	۷۳
موقعیت جغرافیایی.....	۷۳
الف) ویژگی‌های جمعیتی و نیروی انسانی.....	۷۴

۱-۲-۲- نرخ شهرنشینی و تغییرات آن نسبت به سال ۶۵، مقایسه با سطح ملی.....	۷۹
۱-۲-۳- نرخ اشتغال در سال ۷۵، تغییر نسبت به سال ۶۵ و مقایسه با سطح ملی (به تفکیک شهری و روستایی).....	۸۰
۱-۲-۳-۱- نرخ خام فعالیت.....	۸۰
۱-۲-۳-۲- نرخ اشتغال و نرخ بیکاری.....	۸۰
۱-۲-۴- ساختار بخشی اشتغال در سال ۷۵، تغییر نسبت به سال ۶۵ و مقایسه با سطح ملی (به تفکیک شهری و روستایی).....	۸۱
۱-۲-۵- نرخ بیکاری و ضریب تکفل شغلی در سال ۷۵، تغییر نسبت به سال ۶۵، مقایسه با سطح ملی.....	۸۲
۱-۲-۶- نرخ مشارکت زنان در اشتغال در سال ۷۵، تغییر نسبت به سال ۶۵، مقایسه با سطح ملی (به تفکیک شهری و روستایی).....	۸۴
۱-۲-۷- نرخ باسوادی در سال ۷۵، تغییر نسبت به سال ۶۵ و مقایسه با سطح ملی (به تفکیک شهری و روستایی).....	۸۷
۸۸- اوضاع اقتصادی استان فارس.....	۸۸
۸۹- کشاورزی.....	۸۹
۸۹- گندم.....	۸۹
۹۲- برنج.....	۹۲
۹۳- حبوبات.....	۹۳
۹۳- دانه‌های روغنی.....	۹۳
۹۴- پنبه.....	۹۴
۹۵- توتون و تنباکو.....	۹۵
۹۵- سیب زمینی.....	۹۵
۹۶- پیاز.....	۹۶
۹۷- محصولات جالیزی.....	۹۷
۹۸- میوه‌های دانه دار.....	۹۸
۹۸- میوه‌های هسته‌دار.....	۹۸
۹۹- میوه‌های گرمسیری.....	۹۹
۱۰۰- میوه‌های خشک.....	۱۰۰
۱۰۱- صنعت.....	۱۰۱

تجارت خارجی	۱۰۳
صادرات استان فارس در سال ۱۳۸۲	۱۰۸
کشورهای هدف	۱۰۸
اقلام عمده صادراتی استان فارس	۱۰۸
بررسی امکانات بالقوه صادراتی استان	۱۱۰
۱- امکانات داخلی	۱۱۰
۲- امکانات خارجی	۱۱۰
فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات	۱۱۳
منابع و مأخذ	۱۱۹
الف: فارسی	۱۱۹
ب: منابع لاتین	۱۲۰

فصل اول کلیات

CPPC.ir

CPPC.ir

مقدمه

برای کاهش آسیب پذیری اقتصاد کشور و مصون ماندن از نوسانات غیرعادی قیمت نفت و جلوگیری از وقفه در اجرای برنامه‌های اقتصادی لازم است که توسعه صادرات غیرنفتی و ایجاد تنوع در ترکیب آن جدی گرفته شود. واقعیت مهم این است که ورود کشورهای جدید به عرصه تولید، افزایش عرضه و کاهش نسبی تقاضای نفت از عوامل عمده‌ای هستند که پیش‌بینی دوام رونق صادرات نفتی را حداقل برای کشور ما مشکل‌تر خواهد ساخت. تجزیه و تحلیل وضع اقتصادی کشورهای کره جنوبی، چین، تایوان، سنگاپور و هنگ کنگ نشان می‌دهد که توسعه صادرات رمز موفقیت این کشورها در اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، کسب درآمد ارزی، تقویت زیربنای صنعتی و افزایش درآمد سرانه و خروج از لیست کشورهای در حال توسعه بوده است.

صادرات و امر تجارت در استان فارس دارای سابقه طولانی می‌باشد، به طوری که موقعیت مناسب استان در کشور از لحاظ نزدیکی به خلیج فارس و همسایگی با استان‌های مرزی هرمزگان، بوشهر و همچنین نزدیکی به استان‌های خوزستان، سیستان و بلوچستان و اصفهان و برخورداری از منابع طبیعی سرشار و وجود منابع معدنی، همواره مورد توجه سایر کشورها و همسایگان بوده است و این امر باعث شده در طول تاریخ از استان فارس محصولات و مصنوعات متعددی به کشورهای خارجی صادر گردد. از موارد دیگری که نقش بین منطقه‌ای استان را در جهت توسعه صادرات مهم می‌سازد قابلیت‌ها و امکانات مناطق هم‌جوار به عنوان بازار مصرف تولیدات استان بخصوص تولیدات کشاورزی صنعتی

و منطقه‌ای برای صدور کالاهای تولیدی به خارج از کشور از طریق بنادر بین‌المللی در دو استان هم‌جوار می‌باشد.

بیان موضوع تحقیق و ضرورت انجام آن

استان فارس از جمله استان‌های غنی و مستعد، در جهت رشد و توسعه اقتصادی کشور است. بعلاوه قابلیت‌ها و امکانات موجود استان می‌تواند شرایط مناسبی را برای رشد و توسعه سریع استان مهیا نماید. در صورتی که قابلیت‌ها و امکانات استان بخوبی شناسایی و به صورت بهینه بکار گرفته شوند در آینده‌ای نه چندان دور، استان فارس می‌تواند نقش مهم‌تری در توسعه اقتصاد ملی داشته باشد. جهت‌گیری طرح‌های توسعه اقتصادی منطقه‌ای و برنامه‌ریزی‌های مربوطه در راستای گسترش صادرات غیر نفتی و هم‌جهت با اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی کلان، مستلزم شناخت صحیح از اوضاع و شرایط اقتصادی مناطق مختلف کشور، تعیین ظرفیت‌ها، مزیت‌ها و تنگناهای موجود می‌باشد. در این مطالعه، ساختار بازرگانی استان فارس که هم در اقتصاد ملی از جایگاه مطلوبی برخوردار است و هم به لحاظ دارا بودن موقعیت ارتباطی بین‌المللی مناسب - خصوصاً با کشورهای حاشیه خلیج فارس - می‌تواند به عنوان یکی از قطب‌های اقتصاد بین‌الملل نقش مهمی ایفا نماید. مطالعه ساختار بازرگانی اقتصادی استان، با هدف بررسی همه‌جانبه استان، شناخت وضع موجود، بررسی امکانات و قابلیت‌ها، مشخص نمودن مشکلات و تنگناها و نهایتاً ارائه چشم‌انداز توسعه استان را در بر می‌گیرد، لذا با توجه به مسائل مطرح شده فوق این مطالعه ضروری به نظر می‌رسد.

در این مطالعه وضعیت بازرگانی استان فارس مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و اجزاء، ترکیب و جایگاه آن در کل کشور بررسی می‌گردد و روند تحولات و سهم آنها و موقعیت منطقه در کل کشور تعیین و مقایسه می‌شوند. در ادامه صادرات استان شامل تغییرات، روند، جایگاه، ساختار و مقایسه آن با کل کشور انجام می‌شود. روند رشد و توسعه استان فارس در طی دوره ۸۰-۱۳۵۳ از نظر اقتصادی دارای ویژگی‌های متفاوتی است. آغاز دوره به دلیل افزایش گسترده درآمدهای نفتی و تزریق آن در اقتصاد کشور با

رونق اقتصادی کشور هم‌زمان بوده‌است. لذا دگرگونی شرایط سیاسی و اقتصادی کشور در این دوره سبب شده است که متغیرهای کلان اقتصادی در استان با نوسانات قابل ملاحظه‌ای روبرو شوند.

اهداف تحقیق

هدف از این مطالعه، بررسی و تجزیه و تحلیل ساختار بازرگانی استان و تحولات آن و تعیین جایگاه و موقعیت آن در اقتصاد کشور می‌باشد، تا با شناخت ابعاد و روند اقتصاد استان و تحولات ساختاری آن، بتوان الگوهای مناسب و توصیه‌های عملی را به برنامه‌ریزان معرفی نماید تا بدین ترتیب بر سرعت توسعه اقتصادی کشور و منطقه افزوده گردد. این توصیه‌های سیاستی قابلیت کاربرد در طراحی برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی استان را نیز دارا خواهد بود.

پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق

- (۱) آیا تجارت خارجی استان با روند تجارت خارجی کشور هم جهت می‌باشد؟
- (۲) ساختار بازرگانی استان از چه روندی برخوردار است و تحولات ساختاری آن در چه جهتی بوده‌است؟
- (۳) مهم‌ترین تنگناها و مشکلات موجود در زمینه صادرات استان چیست؟

فرضیه یا فرضیه‌های تحقیق

- (۱) استان فارس دارای نقش مهمی در اقتصاد ملی می‌باشد.
- (۲) استان فارس دارای قابلیت‌ها و پتانسیل‌های مناسبی در بخش بازرگانی می‌باشد.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش‌های نمونه‌گیری

این مطالعه براساس مطالعات کتابخانه‌ای، گردآوری آمار و اطلاعات و پردازش‌های مورد نیاز صورت می‌پذیرد.

CPPC.ir

فصل دوم
مباني نظري

CPPC.ir

CPPC.ir

مقدمه

تجارت خارجی در عرصه مباحث اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار بوده و شاید یکی از بنیادی ترین مباحث اقتصادی باشد که از زمان سوداگران تا به امروز مورد مناقشه و بحث جدی بوده است. بحث تجارت خارجی از چند جهت اهمیت دارد:

- از بعد تأثیری که تجارت خارجی بر رشد اقتصادی می گذارد.
- از بعد اثری که تجارت خارجی بر توزیع در آمد و کاهش فقر دارد.
- از این دیدگاه که تجارت خارجی می تواند مشکل کمبود مهارت و آموزش های ضمن انجام کار را بهبود بخشد.
- از این دیدگاه که تجارت خارجی ممکن است موجبات پیدایش صرفه های حاصل از مقیاس را در بسیاری از تولیدات کشور را فراهم می آورد.
- تجارت خارجی می تواند منشأ تغییرات تکنولوژیکی شود و شیوه های تولید را تغییر دهد.
- تجارت خارجی می تواند توازن منطقه ای درون کشورها را به هم بریزد.
- تجارت خارجی می تواند تحرک سرمایه را تسریع کند و موجبات انباشت سرمایه در بخش های مختلف اقتصاد را ایجاد کند.

به همه دلایل فوق بحث تجارت خارجی از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار است و همین اهمیت باعث شده که سیر مباحث تئوریک در حوزه تجارت خارجی از پیشرفت قابل قبولی برخوردار باشد. به طوری که این تغییرات در راستای تحولات صورت گرفته در

حوزه تئوری‌های توسعه اقتصادی بوده است. در عین حال پیرامون مثبت و یا منفی بودن اثرات تجارت خارجی بر مؤلفه‌های فوق‌الذکر در ادبیات اقتصادی توافق و اجماع عمومی وجود ندارد و یا حداقل از بعد مشکلات بوجود آمده در عرصه نابرابری جهانی در بسیاری از موارد باعث ظهور اندیشه‌هایی شده که تجارت خارجی را حتی نفی کرده‌اند، اندیشه‌هایی که عموماً به ساختار گرایان و نئو مارکسیسم‌ها مرتبط است.

در ادامه مباحث مربوط به حوزه اثرگذاری تجارت خارجی و همچنین چگونگی سیر تکوین اندیشه‌های مربوط به تجارت خارجی آمده که این مباحث به صورت ذیل طبقه‌بندی گردیده‌اند. نخست از دیدگاه جایگاه تجارت خارجی در توسعه اقتصادی، بحث اثرگذاری تجارت خارجی بر رشد اقتصادی و مقوله مهم توزیع در آمد و به تبع مسئله فقر ارائه شده است. ناگفته پیداست که اثرات دیگر تجارت خارجی مانند تغییر در شیوه‌های تولید، جریان‌ات سرمایه‌ای و آموزش در نهایت در دو مؤلفه مهم مباحث توسعه اقتصادی یعنی رشد اقتصادی و توزیع در آمد نمود پیدا خواهند کرد. به همین دلیل نیز این دو مبحث به طور مسبوط ارائه شده‌اند. علاوه بر این در پایان این فصل در باره سیر تکوینی اندیشه‌های معطوف به تجارت خارجی نیز مطالبی ارائه شده است.

۱- جایگاه تجارت خارجی در توسعه اقتصادی

یکی از قدیمی‌ترین فرضیه‌های اقتصادی این است که تجارت خارجی نا محدود برای کشورهای شرکت‌کننده در آن سود آور است. زیرا اعتقاد بر این است که تجارت خارجی به صورت موتور قدرتمند رشد عمل می‌کند و در همه جا تمامی درآمدها را افزایش می‌دهد. البته فرضیه مذکور از اجماع گذشته‌ای که در مورد آن وجود داشت فاصله گرفته و لذا مسئله تعیین سیاست مناسب تجاری به منظور تحریک رشد اقتصادی به صورت مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین مقوله در مورد اثرات تجارت خارجی بر اقتصاد کشورها درآمده است. برخی از اقتصاددانان عقیده دارند که گسترش تجارت خارجی و باز کردن مرزهای کشور، عملکرد کلان اقتصادی را ارتقا می‌بخشد که مطالعات تجربی فراوانی این دیدگاه را تأیید می‌کند. البته در ادبیات اقتصادی تأکید شده که بین تجارت

بین‌الملل و رشد اقتصادی یک رابطه دو سویه وجود دارد.

برای بررسی نظری آثار رشد اقتصادی بر تجارت بین‌الملل فرض می‌شود که هر کشور دارای قابلیت‌های عوامل تولید و تکنولوژی مشخص و تغییر ناپذیری است (دارای منحنی امکانات تولید معین است) و همچنین سلیقه‌های مردم مشخص و غیر قابل تغییر است (لذا نقشه بی تفاوتی مشخص دارند) حال اگر رشد اقتصادی رخ دهد منحنی امکانات تولید تغییر می‌کند و این تغییرات روی رابطه مبادله و حجم تجارت اثر می‌گذارد که قدرت تأثیر این نوع تغییرات به مقدار و نوع تغییر بستگی دارد؛ به عنوان مثال اگر در یک اقتصاد نفتی نوع تغییر از شرایط خاص بازار نفت تأثیر پذیرفته باشد احتمالاً از قدرت اثر گذاری زیادی بر رابطه مبادله برخوردار نخواهد بود.

از سوی دیگر مباحث اقتصادی و مطالعات تجربی نشان داده‌اند که رشد اقتصادی از تجارت تأثیر می‌پذیرد. آثار تجارت خارجی بر رشد اقتصادی در سه بعد عوامل تولید، اثر بر بازار و تخصیص مجدد نیز منابع خلاصه می‌شود. تجارت خارجی بواسطه اختلاف قیمت عوامل تولید، تحریک عوامل تولید و نیز قابلیت جانشینی عوامل تولید را افزایش می‌دهد. این تغییر در قیمت‌های نسبی عوامل بر توزیع در آمد نیز اثر می‌گذارد و شاید به همین دلیل برخی از مطالعات تجربی (گریفین ۱۹۸۷) تأکید دارند که استراتژی توسعه صادرات منجر به بهبود توزیع در آمد می‌شود.

از دیدگاه تاریخی اولین اندیشه منتج به اثر گذاری تجارت خارجی بر رشد اقتصادی به اندیشه‌های مکتب سوداگری در قرن ۱۶ میلادی باز می‌گردد. از دیدگاه این مکتب تراز بازرگانی مثبت با رشد اقتصادی همراه خواهد بود. اقتصاد دانان کلاسیک نیز همین اثر گذاری را تأکید کرده‌اند، اما آنان به طور مشخص علت تأثیر تجارت بر رشد اقتصادی را ناشی از افزایش در تخصص و تقسیم کار می‌دانستند. اسمیت با ارائه نظریه مزیت مطلق معتقد به تأثیر تجارت بین‌الملل بر توسعه بازار و ابعاد تقسیم کار بود. منتها اسمیت به این سوال پاسخ نمی‌داد که اگر کشوری تمامی کالاها را از کشورهای دیگر ارزان تر تولید کند چه نیازی به تجارت وجود دارد؟ برای رفع این نقیصه نظریه "مزیت نسبی" ریکاردو مطرح گردید که پایه اصلی دیدگاه تجارت آزاد بین‌الملل کنونی است، ریکاردو نظریه

خود را در قالب تئوری ارزش کار مطرح کرد. به عقیده ریکاردو، تجارت خارجی تنها راه جلوگیری از افزایش اجاره و تنزل سود است. پل ارتباطی نظریه ریکاردو و آثار تجارت بر رشد اقتصادی از همین کاهش اجاره بها و افزایش سود آوری ایجاد می شود.

اقتصاد دانان کلاسیک به جنبه های ایستایی تجارت توجه داشتند و از همین دیدگاه نیز تأثیرات تجارت بر رشد و توسعه را مورد بررسی قرار می دادند. آنها هیچ تعارضی بین عملکرد مطابق نظریه مزیت نسبی و تسریع رشد اقتصادی مشاهده نکردند. بعدها "هابرلر" منافع دینامیکی تجارت بین الملل را مد نظر قرار داد. هابرلر بحث انتقال فن آوری از خارج و اثر آن بر نسبت سرمایه به محصول را مورد بررسی قرار داد و از این بعد اثر تجارت بر رشد اقتصادی را تحلیل کرد. در الگوی دینامیکی هابرلر نه تنها بحث قیمت های نسبی توجه شده بلکه موضوع بهبود شتاب در نرخ رشد اقتصادی ناشی از کاهش نسبت سرمایه به محصول نیز مورد توجه واقع گردیده است. دیدگاه دیگری که تلاش می کند تا نقش تجارت بر رشد اقتصادی را تبیین سازد دیدگاه "کوردن" است که به دیدگاه "محرک عرضه" نیز معروف است. کوردن پنج اثر منتج از تجارت را مطرح می کند که این اثرات برخی از دیدگاه ایستایی نظریه های تجارت و برخی از دیدگاه های پویایی یا دینامیکی تجارت ناشی می شوند که اثرات پنج گانه یاد شده به ترتیب اثرات تجارت خارجی بر درآمد جاری، انباشت سرمایه، قیمت های نسبی عوامل، توزیع درآمد و بهره وری نسبی عوامل تولید را مد نظر قرار دارند. مجموعه این اثرات به صورت زنجیروار بهبود رشد اقتصادی همراه با توزیع در آمد عادلانه تر را به همراه خواهد داشت. دیدگاه های دیگر نظریه تجارت و اثر آن بر رشد اقتصادی به مسائلی مانند شیوه های نوین تولید، مسئله دسترسی به بازارهای جدید، برقراری سامان جدیدی از صنعت و... تأکید می کنند. به عنوان مثال "جانسون" در سال ۱۹۹۷ به تأثیرات آموزشی ناشی از رقابت خارجی اشاره دارد. "لی" در سال ۱۹۹۵ به بحث نقش تجارت در فراهم آوردن تحقیق و توسعه و آموزش ضمن کار اشاره می کند. به طور خلاصه دیدگاه موافقین نقش تجارت بر رشد اقتصادی در مسیر تاریخی خود از عوامل صرفاً اقتصادی و دیدگاه ایستایی از قبیل فراوانی عوامل تولید (نظریه مزیت مطلق) یا بحث نظریه ارزش (مزیت نسبی) بر دیدگاه های پویا مثل اثر تجارت بر بهره وری و نسبت سرمایه

به محصول و همچنین آثار تجارت خارجی بر یادگیری‌های آموزشی ضمن کار، بحث دسترسی به روش‌های نوین... روی آورده‌اند. این دیدگاه‌های اخیر در مورد بحث سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه نیز به شدت از ناحیه موافقین مورد توجه بوده است.

البته از بعد تئوریک در مقابل موافقین بحث آثار تجارت خارجی بر رشد اقتصادی نیز مخالفین قابل توجهی وجود دارد. بدتر شدن رابطه مبادله در مورد محصولات اولیه کشورهای در حال توسعه که از چالش‌های اصلی کشورهای جنوب نیز شناخته می‌شود، مسئله دوگانگی اقتصادی، اضمحلال نظام کشاورزی کشورهای در حال توسعه از علل اصلی مخالفین بوده است. البته تحولات جهانی در سال‌های اخیر به سمت نظام تجارت آزاد بوده و لاجرم مخالفین می‌بایست دلایل تئوریکی برای این استقبال قابل توجه از آزادسازی تجاری علی‌رغم علل فوق پیدا کنند.

اگر چه دیدگاه تئوریک فوق پیرامون آثار تجارت بر رشد اقتصادی بیان شد اما بدون توجه به مطالعات تجربی که عموماً به دنبال آزمون عملی تئوری‌های مذکور بوده‌اند، بحث ناتمام خواهد ماند. بررسی اجمالی مطالعات تجربی که در ادامه آمده است نشان می‌دهد که همیشه تجارت اثر قابل قبولی بر رشد اقتصادی نداشته و چه بسا در مواردی نیز به صورت یک عامل خنثی و حتی منفی عمل کرده باشد. چند و چون این اثرگذاری به نوع اقتصاد کشورها بستگی دارد.

به طور خلاصه مطالعات تجربی رابطه سیاست تجاری و رشد اقتصاد عموماً از دهه ۱۹۹۰ شروع شد. لویز (۱۹۹۱) برای ۳۵ کشور در حال توسعه نشان داد که سیاست‌های تشویق صادرات در کشورهای مثل سنگاپور، مالزی، کره و تایلند رشد را بیشتر از سیاست‌های محدود کننده واردات افزایش داده است. سامرز وهستون (۱۹۹۱) رابطه مثبت سیاست تجاری باز و رشد اقتصادی را طی سال‌های ۸۹-۱۹۷۰ برای ۱۱۷ کشور نشان داده‌اند. محسن خان و رینهارت (۱۹۹۰)، نشان داده‌اند که علاوه بر صادرات، واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای نیز تأثیر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی ۲۴ کشور در حال توسعه داشته است. یانگ لی (۱۹۹۵) هم در یک مطالعه مقطعی در مورد ۸۹ کشور نشان داد که

هرچقدر نسبت کالاهای وارداتی سرمایه‌ای به کالاهای سرمایه‌ای داخلی افزایش یابد، شاهد اثرات مثبت و معنی‌داری بر نرخ رشد در آمد سرانه کشورهای در حال توسعه خواهیم بود و کاهش در واردات کالاهای سرمایه‌ای کشورهای توسعه یافته به کاهش رشد اقتصادی آنها خواهد شد (سلیمانی ۱۳۸۲ و فرهادی ۱۳۸۳).

البته همان‌گونه که گفته شد همه مطالعات تجربی این رابطه را تأکید نکرده‌اند. رودریگولز و رودریک (۲۰۰۱) رابطه مثبت سیاست تجاری و رشد اقتصادی را به چالش کشیدند. همچنین گرین اوی و همکاران (۲۰۰۲) در چارچوب مدل پویای تابلویی برای ۷۳ کشور نشان دادند که آزاد سازی تجاری با وقفه زمانی به رشد اقتصادی تأثیر دارد و واکنش رشد به سیاست تجاری در زمان‌های مختلف متفاوت است. آزاد سازی تجاری در ابتدا تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد ولی با گذشت زمان رشد اقتصادی را سریع‌تر می‌کند. وام و اکادیسر (۲۰۰۲) نشان داد هم سوی آزاد سازی تجاری و رشد اقتصادی صرفاً برای دوره پس از سال ۱۹۷۰ مشاهده می‌شود و برای دوره پیش از آن مشاهده نمی‌شود.

در ایران نیز مطالعات اکبری و کریمی (۱۳۷۹) نشان داده که رشد صادرات غیرنفتی هیچ‌گونه تأثیری بر رشد اقتصاد ایران نداشته است. همچنین عظیمی (۱۳۷۹) نشان داده که صادرات غیر نفتی بر رشد اقتصادی تأثیری ندارد و رشد اقتصادی بدون نفت به صورت معناداری تحت تأثیر محدودیت‌های وارداتی قرار ندارد. البته مطالعات جلالی نائینی (۱۳۷۵) و رهبر (۱۳۷۷) تا حدودی این ارتباط را در اقتصاد ایران تأیید می‌کنند.

۲- اثر تجارت خارجی بر توزیع در آمد و رفاه اقتصادی - اجتماعی

بحث اثرگذاری تجارت آزاد بر رفاه اجتماعی گروه‌های مختلف نیز در سال‌های اخیر با توجه به افزایش آزاد سازی اقتصادی در عرصه تجارت خارجی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. مهم‌ترین مسأله مورد توجه یا مرکز ثقل مباحث حول و حوش نتایج جهانی شدن بر اشتغال و دستمزدهای کارگران کمتر ماهر بوده که از رهگذر این مباحث در واقع اثرگذاری تجارت آزاد بر چگونگی توزیع در آمد نیز مطرح می‌شود. البته این منازعات

در مورد کشورهای صنعتی در مقایسه با کشورهای در حال توسعه یا کشورهایی با دستمزدهای پایین تر بیشتر مطرح بوده است. در شرایط نوین در اروپا و امریکا و نگرانی پیرامون دستمزدها، مشاغل و سطح استاندارد زندگی به خصوص برای کارگرانی که در معرض مستقیم رقابت با کشورهای با دستمزد پایین هستند افزایش یافته است. اثر تجارت بر این نوع مشاغل باعث شده که اقتصاد دانان بر این موضوع تأکید ورزند که چگونه تجارت خارجی و به تبع تغییرات تکنولوژی می تواند بر توزیع در آمد به ویژه در کشورهای مذکور اثر بگذارد. البته پاسخ روشن و قطعی در مورد اثر تجارت بر متغیرهای مذکور وجود ندارد اگر چه در بعضی از دیدگاهها ممکن است تجارت خارجی باعث بدتر شدن وضعیت بخشی از کارگران شود به ویژه کارگران غیر ماهر که در معرض رقابت با کارگران کشورهای دستمزد پایین قرار دارند. زیرا به نظر می رسد قدرت تحرک این نوع نیروی کار پایین و قابلیت جانشینی آن به علت نداشتن هزینه های غیر دستمزدی قابل توجه زیاد است. اما دلایل تئوریکی دیگری نیز وجود دارد که ادعا می کنند تجارت بین الملل در کشورهای در حال توسعه (بر عکس کشورهای صنعتی) به رفاه بیشتر یا حداقل توزیع در آمد عادلانه تر می انجامد. به طور مجمل اینان تحلیل می کنند که تجارت بین الملل توزیع در آمد را به نفع عوامل تولید به کار گرفته در بخش هایی با مزیت بالا جابه جا می کند و اگر میل های نهایی به پس انداز که از درآمدهای عوامل به دست می آیند متفاوت باشند و نسبت عوامل نیز در بین بخش های متفاوت باشند این امر حتی (یعنی بهبود توزیع در آمد) بر روی سرمایه گذاری نیز تأثیر خواهد گذاشت. پشتوانه نظری این دیدگاه آن است که معمولاً باز بودن تجارت و به تبع اتخاذ دیدگاه صادراتی، آن عامل تولیدی را که نسبتاً فراوان هستند به شدت مصرف می کند به عبارت دیگر در کشورهای جهان سوم که نیروی کار به حد وفور موجود است، در بستر استراتژی تجارت آزاد، دستمزدها سهم بیشتری از در آمد ملی را به خود اختصاص می دهند و موجب توزیع عادلانه تری از در آمد می شوند. یکی از بزرگترین مزایای تجارت آزاد در اقتصاد کشورهای دارای نیروی کار فراوان در این است که چنین سیاستی کشور را قادر می سازد تا رشد را در فعالیتهای کاربر متمرکز نماید. این امر تأثیر عمده ای بر افزایش دستمزدهای واقعی و در نتیجه توزیع در آمد دارد.

بعضی از این کشورها خصوصاً در آمریکای لاتین و آفریقا، تولیدات زمین بر یا منابع طبیعی بر صادر می کنند. چنانچه مالکیت زمین متمرکز باشد - مانند مناطقی از آمریکای لاتین که در آنها سیستم زمین داری بزرگ مالکی تسلط دارد - استراتژی تجارت آزاد و حرکت به سمت رویکرد مزیت نسبی موجب افزایش اجاره سالانه زمین و افزایش عدم تعادل در توزیع در آمد خواهد شد. همچنین در کشورهایی که مواد کانی صادر می کنند اگر بخش استخراج معادن در اختیار شرکت های فراملی باشد وضع مشابهی پیش خواهد آمد. بیشتر عایدات معادن به صورت منافع به شرکت های خارجی تعلق می یابد و از کشور خارج می شود و احتمالاً نفع نسبتاً ناچیزی از توسعه بخشی صادرات عاید کشورها می گردد. در این صورت تولید ناخالص داخلی ممکن است به سرعت افزایش یابد در حالی که تولید ناخالص ملی به کندی رشد می کند. این آثار سو در بسیاری از موارد منجر به عکس العمل دولت ها برای مهار توزیع در آمد می شود. به عنوان مثال در بعضی کشورها مانند شیلی و آرژانتین دولت های مردمی از طریق جریمه کردن بخش صادرات و حمایت از صنایع ملی در مقابل نتایج توزیعی در آمد که از در پیش گرفتن استراتژی توسعه با جهت گیری صادراتی حاصل شده بود واکنش نشان داده اند. در چنین مواردی سیاست تبعیض گرای دولت علیه صادرات نه تنها منعکس کننده بدبینی دولتمردان نسبت به شرایط بازارهای جهانی نبوده و نیست بلکه منعکس کننده نگاه تبعیض آمیز آنها بر علیه طبقه زمین داران بزرگ و شرکت های خارجی سرمایه گذار در معادن می باشد. در واقع این نوع عکس العمل ها در نتیجه پیامدهای منفی تجارت بر نظام توزیع در آمد در کشورهای مشابه که عموماً متکی به منابع طبیعی هستند نیز رخ می دهد.

مجموعه مطالب فوق نشان می دهد که نقش و تأثیر تجارت بر متغیرهایی مثل توزیع در آمد، سطح دستمزدها و .. که به عنوان عوامل مهم اثر گذار بر رفاه اجتماعی قلمداد می شوند به شدت بر چگونگی ماهیت فعالیت اقتصادی کشورها بستگی دارند. در کشورهای ضعیف ممکن است تجارت باعث بدتر شدن وضعیت کارگران با مهارت کم و به تبع تغییر توزیع در آمد به نفع مشاغل تخصصی و تکنولوژیکی شود. در کشورهای در حال توسعه مبتنی بر نیروی کار شواهدی تئوریک بیان می کنند که تجارت باعث بهبود

وضعیت توزیع در آمد و به تبع سرمایه گذاری (با فرض متفاوت بودن میل نهایی افراد) و رفاه اجتماعی بیشتر می شود. در کشورهای در حال توسعه مبتنی بر منابع طبیعی، تجارت آزاد ممکن است به تمرکز بیشتر ثروت در میان صاحبان عوامل تولید اعم از زمین، معادن و... منجر شود.

همچنین علاوه بر شرایط خاص فعالیت های اقتصادی کشور که بر قدرت تأثیر گذاری تجارت خارجی موثرند نباید از تفاوت های منطقه ای درون کشورها چشم پوشی کرد. اثر گذاری تجارت خارجی بر متغیرهای مذکور در نواحی مختلف از جمله نواحی شهری و روستایی نیز متفاوت خواهد بود. بالاخره اینکه نمی توان در مورد جهت تأثیرات تجارت خارجی بر رفاه اجتماعی اظهار نظر کرد. این مقوله برای گروه های مختلف متفاوت خواهد بود. در سال های اخیر بیشتر منازعات پیرامون اثرات تجارت بر رفاه گروه های ذینفع بوده است. مطالعات تجربی انجام شده در این زمینه هر کدام بخشی از ادعاهای مذکور را تأیید می کنند و لاجرم بر اساس تجارب موجود نمی توان قضاوت قطعی و بدون خطا پیرامون نقش تجارت بر رفاه اجتماعی و توزیع درآمد داشت. مطالعات کمپ (۱۹۶۸) بیان کننده این تناقض است که احتمال دارد بهبود در تجارت خارجی یک کشور باعث کاهش رفاه شود. جانسون (۱۹۶۵) نیز نشان داده بود که به علت انعطاف پذیری قیمت عوامل تولید ممکن است تجارت خارجی در اقتصادهای باز کوچک باعث کاهش رفاه شود. البته باترا و همکارش (۱۹۷۰) نشان دادند که حتی با وجود انعطاف پذیری قیمت عوامل تولید و عدم تحرک عوامل تولید هنوز ممکن است تجارت بین الملل از بعد منافع رفاهی مورد توجه باشد زیرا اگر چه منافع ناشی از تولید صفر است ولی منافع مصرف مثبت است.

۳- مروری بر سیر تکوین اندیشه های اقتصادی در باب تجارت خارجی

به طور کلی پیرامون تجارت خارجی دو اندیشه رقیب، شامل سیاست های برون نگر و سیاست های درون نگر وجود دارد. سوال بنیادین آن است که آیا باید به سوی آزاد سازی اقتصادی - تجاری و ادغام بیشتر در اقتصاد جهانی گام برداشت؟ یا پیش از حذف کلیه موانع تجاری با اجرای برنامه ها و سیاست های حمایتی به بالفعل نمودن مزایای بالقوه اهتمام

ورزید؟ انبوهی از مطالعات اقتصادی پیرامون این مقوله بحث کرده‌اند و دیدگاه متفاوتی از دوران کلاسیک‌ها تا به امروز پیرامون اهمیت تجارت خارجی و روش‌های حرکت به سمت بهبود رابطه تجاری با دنیای خارج وجود داشته است. در ادامه به طور خلاصه به سیر تکوین اندیشه‌های مختلف در باب تجارت خارجی اشاره شده است.

۱-۳- دیدگاه کلاسیک‌ها

در زمینه تجارت بین‌المللی اقتصاد دانان کلاسیک معتقد به "تجارت به مثابه موتور رشد" هستند. این اقتصاد دانان پشتیبان تئوری برتری نسبی در هزینه تولید هستند و علت اصلی آن را تقسیم کار بین‌المللی بر اساس کارآیی اقتصادی می‌دانند. در کلیه دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک مقوله کارآیی از اهمیت خاصی برخوردار است و به طور ویژه در تجارت خارجی نیز اقتصاد دانان کلاسیک از نگاه کارآیی به این مقوله می‌نگرند. لذا مهم‌ترین مسأله در تعیین کارآیی بین‌الملل که از طریق تخصصی کردن نظام تولید جهانی به دست خواهد آمد بحث اصل برتری نسبی در هزینه‌های تولید است. اصل برتری نسبی در هزینه‌های تولید، امروزه به همان اندازه اعتبار دارد که در زمان ریکاردو داشت. آدام اسمیت بنیانگذار مکتب اقتصاد کلاسیک تأکید دارد که تنها راه توسعه همه جانبه اقتصادی بحث تکیه بر اصل اقتصاد آزاد و تجارت آزاد می‌باشد. البته نباید فراموش کرد که دیدگاه‌های اقتصادی آدام اسمیت و کلاسیک‌ها به طور عام در زمانی مطرح می‌شد که مکانیسم بازارهای جهانی تحت شرایط رقابت کامل تعیین می‌شد و انحصارها هنوز به شکل امروزی ایجاد نشده بود. اقتصاد کشورهای پیشرفته در آن زمان از قانون معروف "سی" هرچه تولید شود، مصرف می‌شود پیروی می‌کردند که بر اساس این قانون هیچ اقتصادی نباید با مشکل مازاد تولید و بیکاری رو به رو شود.

البته دیدگاه کلاسیک از مقوله تجارت خارجی دیدگاهی ایستا بود و بیشتر منتقدین اقتصادی از دیگر مکاتب بر این نکته اصرار داشتند که تجزیه و تحلیل کلاسیک‌ها از مقوله رشد و توسعه اقتصادی و رابطه مستقیم آن با مبحث تجارت خارجی یک تعامل کامل ایستا بر اساس پیش فرض‌های غیر واقعی است. چیزی که بیش از همه به این نوع انتقادات دامن

زد بحث رشد ناهمگون و عقب افتادگی کشورهای پیرامون در قرن بیستم بود. زیرا در قرن بیستم تقاضا برای مواد اولیه، هیچ گاه با تقاضا برای محصولات صنعتی کشورهای پیشرفته همگام و هماهنگ نبود. به طور جمع بندی می توان گفت که دیدگاه تئوریک اقتصاددانان کلاسیک از حمایت تجارت خارجی کشورهای بیشتر از اثر گذاری این نوع تجارت بر رشد اقتصادی نشأت می گرفت. دستاوردهای اندیشه کلاسیکی در مقوله تجارت خارجی آزاد که در قالب اهم نظریات زیر قابل تقسیم بندی است:

آدام اسمیت و نظریه مزیت مطلق

مطابق این نظریه هر کشور باید به تولید کالایی بپردازد که در تولید آن مزیت دارد.

نظریه مزیت نسبی ریکاردو

نظریه مزیت نسبی ریکاردو برای رفع نقیصه نظریه مزیت مطلق اسمیت بیان شد و توانست به این سوال پاسخ دهد که اگر کشوری در تولید همه کالاها برتری مطلق داشته باشد چرا باید تجارت خارجی انجام دهد.

جان استوارت میل و نظریه تقسیم آثار تجارت

چکیده مطلب میل آن است که کشش تقاضای کالاها در کشورهای مختلف عامل اصلی تقسیم آثار تجارت هستند. و با توجه به تفاوت در این کشش ها قطعاً منافع تجارت نیز یکسان توزیع نخواهد شد. در واقع میل یک قدم جلوتر از نظریه مزیت مطلق و مزیت نسبی اسمیت گذاشت و آثار غیرمستقیم تجارت خارجی از جمله آثار آموزشی و انتقال فن آوری مهارت ها و تخصص های مدیریت را نیز مطرح کرد و این دیدگاه که می توان شروع آن را به استوارت میل نسبت داد بعدها توسط هابزر و هلامینت توسعه یافت.

هابزر و نظریه هزینه فرصت

هابزر تأثیر تجارت بین الملل یا به تعبیر دیگر اهمیت این مقوله را از طریق منافع غیرمستقیم دینامیک توضیح می دهد، ولی اعتقاد دارد که تجارت خارجی منحنی امکانات تولیدی را به سمت بیرون منتقل می کند و تجارت بین الملل را ابزار حرکت بین المللی

سرمایه و سیستم بنایی برای تضمین رقابت آزاد در بازار می‌داند. دیدگاه‌ها برلر در مورد نقش تجارت خارجی در حفظ فضای رقابت آزاد بعد از شکست استراتژی جایگزین واردات شاید تا حدود زیادی قابل قبول باشد.

هلامینت و دیدگاه بهره‌وری دینامیک:

هلامینت نیز مانند استوارت میل و هابرلر به منافع غیر مستقیم تجارت به ویژه نقش تجارت در بهره‌وری نیروی کار تأکید دارد.

۲-۳- کینزین‌ها و تجارت خارجی

اگر چه کینز شاید بیشتر مباحث خود را به پدیده‌های کوتاه مدت و به ویژه به مقوله مهم تحریک طرف تقاضای اقتصاد از طریق سیاست‌های مالی متمرکز کرد اما در لابلای مباحث او می‌توان در یافت که کینز نیز تا حدود زیادی با مفهوم و مقوله نظریه برتری نسبی در عرصه تجارت هماهنگ بود. کینز نیز مانند اکثر اقتصاد دانان کلاسیک معتقد بود که به جای انحراف منابع از بخش کشاورزی به بخش صنعت، بخش صادرات (در کشورهای در حال توسعه) چارچوب تولید و صادرات مواد اولیه می‌باید تشویق شود. به عبارت دیگر به جای تخصیص منابع موجود در کشاورزی به منظور صنعتی کردن کشورها، تنها برای تأمین ارز و کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی مورد نیاز داخل باید بخش صادرات مواد اولیه را تشویق کرد. این دیدگاه کینز نشأت گرفته از اعتقاد او به مقوله مزیت نسبی بود. زیرا وی نیز معتقد بود که کشورهای توسعه نیافته تنها در تولید مواد اولیه دارای برتری نسبی هستند. البته کینز از بحث در مورد نرخ مبادله بین کالاهای صنعتی ساخته شده در کشورهای پیشرفته صنعتی و مواد اولیه تولیدی در کشورهای در حال توسعه، به شدت پرهیز می‌کند. زیرا این مناقشه در واقع با ایده ایستایی در مزیت نسبی به شدت در تباین است و به همین دلیل در قرن بیستم بسیاری از اندیشه‌های اقتصادی در مورد تجارت خارجی به شدت به استراتژی حمایت‌گرایانه روی آوردند. زیرا فرض ضمنی کینز در مورد کالاهای کشاورزی کشورهای در حال توسعه در مورد کالاهای کشاورزی منجر به نادیده گرفتن نقش ثانویه بخش کشاورزی از جمله تأمین مواد اولیه صنعتی، نیروی کار،

تأمین مواد غذایی و تمرکز و ایجاد سرمایه و در آمد، است. در واقع مقوله چگونگی نرخ مبادله و پرداختن به این مساله مهم در سیر تکوین اندیشه اقتصادی پیرامون تجارت خارجی کاری بود که نئو کلاسیک‌ها بعدها بر اساس اصول تحلیل‌های اقتصاد خرد انجام داده‌اند. در ادامه چارچوب این دیدگاه آمده است.

۳-۳- دیدگاه‌های نئو کلاسیک‌ها

با تحول ساختار نظام مالی، پولی و تجاری در سطح جهان در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، اقتصاد دانان به انتقاد از نظریه مزیت نسبی می پرداختند. زیرا اغلب فرضیات ریکاردو در این نظریه، از روابط ساده اقتصادی اوایل قرن نوزدهم و لحاظ نمودن منافع قطب‌های اقتصادی جهان نشأت می گرفت. طرح ریکاردویی تجارت مشتمل بر تفاوت نرخ سود در دو کشور و نیز عدم تعادل واردات و صادرات می باشد. جریان طلا از کشور دارای مازاد واردات به کشور دارای مازاد صادرات از طریق افزایش قیمت‌ها و در نتیجه کاهش صادرات تعادل مجدد ارزش کالاهای مبادلاتی را برقرار می کند. از دیگر سو ایجاد مؤسسات مالی و بانکی، ارتباط بین مازاد واردات و صادرات و جریان منابع پولی را برهم می زند و در مقابل حساب سرمایه و نوسانات آن اهمیت و اثر گذاری بیشتری می یابد. این تحولات و انتقادات باعث شد که اقتصاد دانان نئو کلاسیک از حوزه مسائل تجارت خارجی به طرح دید گاه‌هایی پردازند که عموم این دید گاه‌ها به مسئله تبیین مبادله و علت آن و همچنین مقوله تبیین علت تفاوت نسبت‌های هزینه میان کشورها و به تبع تفاوت در الگوهای تجارت می پردازند. پیش از این اقتصاددانان کلاسیک از این مقوله مهم غفلت کرده بودند و هیچ وقت وارد مباحثه و مناظره پیرامون نرخ مبادله نشده بودند. تحلیل کتب نئو کلاسیک، اصولاً با استفاده از مفاهیم و ابزارهای اقتصاد خرد است و مبادله نیز در راستای کسب حداکثر مطلوبیت توجیه پذیر می شود. ابزارهایی چون "ارزش ذهنی" ارزش مبادله" و اصل تخصیص عقلایی در آمد پولی همگی در سطح خرد مورد استفاده قرار می گیرند. منسجم ترین نظریه در اقتصاد دانان نئو کلاسیک نظریه هکشر-اهلین است که در سال ۱۹۱۹ بیان شد و بعدها توسط اقتصاد دانان دیگر نظیر جانسون، جونز، منکستر و

ساموئلسون تکمیل گردید. لذا در ادامه به منطق نظریه هکشر- اوهلین در تجارت خارجی اشاره می‌شود.

۱-۳-۳- نظریه هکشر - اهلین:

در نظریات مزیت نسبی و مطلق علت تفاوت هزینه‌ها بین کشورهای مختلف بی جواب ماند. چرا منحنی‌های امکانات تولید متفاوت اند؟ به عبارت دیگر در صورتی که تجارت خارجی مبتنی بر تفاوت هزینه‌های نسبی تولیدات باشد، چگونه چنین تفاوتی حاصل می‌شود؟ در واقع سؤال "چگونگی" در عرصه تجارت خارجی سؤالی است که اقتصاددانان نئو کلاسیک آن را مطرح کردند و دقیقاً تئوری هکشر- اهلین نیز از همین سؤال شروع می‌کند. این تئوری را می‌توان چنین تعریف کرد: کشورهایی که نسبت به نیروی کار، سرمایه فراوان دارند، اقدام به صادرات کالاهای سرمایه‌بر و کشورهایی که نیروی کار فراوان (نسبت به سرمایه) دارند اقدام به صادرات کالاهای کاربر می‌کنند. این حکم قطعی با توجه به فروض زیر بیان می‌شود:

- منابع موجود قابل دسترسی در کشور متفاوت است.
 - شدت کاربرد عوامل تولید دو کالا متفاوت است.
 - توابع تولید دو کالا متفاوت بوده ولی برای هر کالا در دو کشور یکی است به عبارت دیگر در دو کشور شدت کاربرد عوامل تولید هر کالا یکسان است. بدین معنی اگر تولید گندم در کشور (الف) کاربر است در کشور (ب) نیز همین طور است.
 - تمام توابع تولید همگن از درجه یک اند.
 - هیچ گونه هزینه حمل و نقل و یا سایر موانع در تجارت وجود ندارد.
- به طور خلاصه مدل تجارت هکشر- اهلین شدت کاربرد متفاوت عوامل تولید و موجودی عوامل تولید مختلف بین کشورها را در نظر می‌گیرد. بر اساس این تئوری آنچه که باعث تجارت می‌گردد اختلاف در منابع موجود در هر کشور است. البته این که فراوانی عوامل تولید بر چه اساس سنجیده می‌شود نیز بحث در خور تأملی است. یکی از معیارهای فراوانی عوامل تولید بحث قیمت نسبی عوامل تولید می‌باشد. در این بحث اگر در کشوری نسبت سرمایه به نیروی کار ارزان تر باشد، کشور مذکور بر اساس تئوری

هکشر - اهلین به صادرات کالاهای سرمایه‌بر اقدام می‌نماید.

۲-۳-۳- تئوری سیکل تولید در تجارت

در این مدل برای هر محصولی سه مرحله متوالی در نظر گرفته می‌شود. محصول جدید (نوپا یا نوزاد)، محصول در حال رشد و بالاخره محصول در مرحله بلوغ (محصول اشباع شده). سیکل تولید از زمانی که محصول جدید به بازار عرضه می‌گردد، آغاز می‌شود. به طوری که این محصول از محصولات قبلی کاملاً متمایز است. در این مرحله محصول تحت شرایط انحصار کامل تولید می‌شود. به مرور با تقلید بیشتر و با افزایش تولیدکنندگان، محصول وارد مرحله سوم خود (محصول در مرحله بلوغ) می‌شود. اهمیت سیکل تولید در آن است که نسبت کاربرد عوامل تولید برای تولید محصول، وقتی که محصول طول عمر خودش را طی می‌کند، تغییر پیدا می‌کند. در حالی که محصول جدید و نوپاست توابع تولید ناپایدار و کوتاه هستند و تکنیک‌های تولید زود به زود تغییر می‌کند که عمدتاً بستگی به نیروی کار ماهر و مهندسان و مخترعان و دانشمندان دارد. بنابراین تولید بیشتر از آنکه سرمایه‌بر باشد کاربرد است. در دوره رشد، روش‌های تولید انبوه برای بهره‌گیری از بازارها ایجاد می‌گردد و نسبت کاربرد عوامل تولید از نیروی کار ماهر به نیروی کار نیمه ماهر و به طور کلی کاربری به سرمایه‌بری تبدیل می‌شود و تغییر سهم عوامل تولید ادامه پیدامی‌کند تا دوره بلوغ محصول که با توابع تولید و تکنیک‌های پایدار همراه است و نیروی کار (مخصوصاً نیروی کار ماهر) اهمیت خود را از دست می‌دهد. به عبارت دیگر محصول بیشتر سرمایه‌بر خواهد شد. مسلماً تغییرات در نسبت عوامل تولید (در طرف عرضه) به احتیاجات بازار در طرف تقاضا ارتباط پیدا می‌کند.

در مرحله محصول نوپا به علت آنکه کالای جدید جانشین نزدیکی ندارد و اکثر مصرف‌کنندگان نسبت به محصول جدید بی‌اطلاع هستند، حساسیت تقاضا نسبت به قیمت پایین است. به علاوه تعداد واحدهای تولیدی کم است. به هر حال، در مرحله رشد محصول، هر واحد تولیدی ضمن حرکت به طرف تولید انبوه، با افزایش حساسیت تقاضا نسبت به قیمت روبه روست، ضمناً واحدهای تولیدی رو به افزایش است. بالاخره در مرحله

بلوغ، گرچه ممکن است واحدهای تولیدی از طریق تبلیغات بین کالای تولید شده اختلاف و ناهماهنگی ایجاد کنند اما کالا کاملاً استاندارد شده و رقابت قیمتی شدید بین تولیدکنندگان کالا شروع می‌شود و لاجرم بحث حفظ رقابت از طریق ابزارهای تجارت آزاد ضروری به نظر می‌رسد.

تئوری‌های مذکور در عرصه تجارت خارجی اگر چه از بعد دلایل حمایت از تجارت آزاد یا از بعد روش شناسی تفاوت‌هایی با هم دارند اما از یک منظر تقریباً تمام تئوری‌های مذکور اتفاق نظر دارند و آن این است تجارت آزاد خارجی یا اتخاذ سیاست‌های برون‌گرایانه در عرصه تجارت بین‌المللی برای کشورها مفید خواهد بود و اثرات قابل ملاحظه‌ای بر کارایی اقتصادی آن کشورها دارند. در عین حال تکوین تئوری‌های مربوط به حوزه تجارت خارجی فقط مشحون از اندیشه‌های مدافع آزادی تجاری نیست بلکه بسیاری از دیدگاه‌های تئوریک موجود (البته بیشتر در گذشته) معتقدند که تجارت خارجی آزاد به زیان کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه خواهد بود و به همین دلیل اینان در مباحث تئوریک تجارت خارجی از اندیشه‌های حمایت‌گرایانه در حوزه تجارت خارجی حمایت می‌کنند.

۳-۳-۳- تئوری اختلافات ساختاری

تئوری اختلافات ساختاری رابطه‌نا متوازن تجاری میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه که به صورت کاهش قیمت مواد اولیه در مقایسه با قیمت کالاها و محصولات ساخته شده نمود پیدا می‌کند را در اختلاف ساختارها و بازارهای متناسب می‌داند. هانس سینگر یکی از مدافعین اصلی این تئوری‌ها است. نتایج مطالعات سینگر نشان داده که در دوره ۱۹۷۳-۱۹۴۹ قیمت مواد اولیه روندی نزولی و به زیان کشورهای صادرکننده این مواد داشته و اگر نفت را از مجموعه مورد مطالعه وی خارج کنیم تا سال ۱۹۸۲ این رابطه به شدت به زیان کشورهای صادرکننده این مواد بوده است.

سینگر این روند رو به کاهش را در کاهش سهم مواد اولیه در تولید کالاهای مصنوع کشورهای پیشرفته و در نتیجه افزایش کثش پذیری مواد اولیه نسبت به تغییرات قیمت جستجو می‌کند. بنابراین سینگر نتیجه می‌گیرد که در چارچوب نهادهای موجود ممکن

است تأثیرات بلندمدت تجاری برای یکی از طرفین غیر قابل قبول باشد. لاجرم در این شرایط تجارت آزاد توصیه نمی‌شود و چه بسا قطع ارتباط تجاری تا زمانی که ساختارها به گون‌های تغییر کند که توزیع برابر منافع تجارت ممکن شود، مفید خواهد بود. لذا در این فضا حمایت از صنایع نوپا و استراتژی حمایت‌گرایانه در مقابل واردات مطرح می‌شود. دیدگاه مذکور همان‌گونه که از محتوای آن بر می‌آید درست مخالف با این ایده است که تجارت خارجی موتور رشد اقتصادی است.

۴-۳-۳- تئوری نظام مرکز - پیرامون در حوزه تجارت

مدافع و بنیان‌گذار اصلی دیدگاه مذکور در حوزه تجارت "رائول پربیش" است. پربیش مشکلات به وجود آمده کشورهای در حال توسعه را در زمینه رابطه مبادله ناشی از تجارت خارجی می‌داند و درست بر عکس بسیاری از طرفداران اندیشه تجارت به مثابه موتور رشد، کاهش رشد و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه را ناشی از تجارت می‌داند. پربیش معتقد است که رابطه بین کشورها در فضای آزاد تجاری به نفع کشورهای توسعه نیافته نیست و در این میان فقط کشورهای توسعه یافته سود برده‌اند.

دلایل پربیش برای مدعای فوق از این نکته ناشی می‌شود که به نظر وی گسترش تکنولوژی از مراکز به کشورهای اقماری یا به تعبیر دیگر از کشورهای توسعه یافته به کشورهای کمتر توسعه یافته، محدود به فعالیت‌های صادراتی مواد خام است که به عنوان نیاز کشورهای صنعتی مد نظر بوده است. لاجرم در چنین فضایی فعالیت‌های صادراتی با محدودیت جدی مواجه می‌شود زیرا به دلیل تغییرات تکنولوژی در کشورهای پیشرفته تقاضا برای محصولات کشورهای پیرامون که عموماً مواد اولیه هستند کمتر افزایش می‌یابد و این خود نیز از پایین بودن نسبی کشش تقاضا برای محصولات اولیه ناشی می‌گردد.

در چنین فضایی پربیش معتقد است که کشورهای توسعه یافته از روند تجارت جهانی به دو دلیل منتفع می‌شوند: نخست به علت کاهش مداوم قیمت مواد اولیه و فرآورده‌های کشاورزی و دوم افزایش قیمت کالاهای صنعتی که عمدتاً در انحصار کشورهای مرکز قرار دارد و در مقابل کشورهای اقماری باید مداوم با خرید کالاهای صنعتی گران‌تر و

فروش مواد اولیه ارزان تر با کسری تراز تجاری مواجه باشند پربیش در چنین فضایی از حمایت صنایع یا به تعبیر دیگر اتخاذ استراتژی درون گرایانه در تجارت خارجی طرفداری می نماید و تجارت آزاد را به نفع کشورهای پیرامونی نمی داند.

۴- جمع بندی و نتیجه گیری

مباحث پیرامون تجارت خارجی چه از بعد تئوریک و چه از منظر مطالعات تجربی به طور مجمل بیان گردید. در یک طبقه بندی کلی می توان گفت که مباحث تجارت خارجی از دو بعد قابل مناقشه بوده اند. نخست از بعد تأثیر گذاری تجارت خارجی بر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، توزیع در آمد و دوم از بعد علل اصلی شکل گیری تجارت خارجی و بحث ماهیت نرخ مبادله.

از دیدگاه نخست بسیاری از اقتصاد دانان کلاسیک تجارت خارجی را موتور رشد اقتصادی معرفی می کنند. از این رو طرفدار تجارت خارجی و معتقد به اثر گذاری مثبت تجارت آزاد بر نرخ رشد درآمدهای سرانه بوده اند. منطق اصلی کلاسیک ها در تحلیل این اثر گذاری به بحث کاهش هزینه های تولید یا مقوله مزیت نسبی که خود نشأت گرفته از بحث همگنی قیمت ها در بازارهای جهانی است، مربوط می شود. نئو کلاسیک ها نیز مانند کلاسیک ها به این امر معتقدند با این تفاوت که آنان در تئوری های تأثیر گذاری تجارت خارجی بر رشد اقتصاد نگاه دینامیکی داشته اند و بالاخره اینکه از منظر تئوریک در زمینه رابطه تجارت خارجی و رشد اقتصادی مخالفت های قابل توجهی نیز وجود دارد. دلایل تئوریک مخالفین بیشتر به بدتر شدن رابطه مبادله به ضرر محصولات اولیه کشورهای در حال توسعه، اضمحلال نظام کشاورزی کشورهای در حال توسعه و... مربوط بوده است. مستندات تجربی ارائه شده در متن نشان داد که پیرامون اثر گذاری تجارت خارجی بر رشد اقتصادی و توزیع در آمد نمی توان با قطعیت قضاوت کرد این مقوله بیشتر به وضعیت اقتصادی کشورها و ماهیت تجارت مرتبط است.

در بحث سیر تکوین اندیشه اقتصادی در باب تجارت خارجی نیز دیدگاه های کلاسیک ها، کینزین ها و دیدگاه های نئو کلاسیک ها و سایر تئوری های مطروحه در این

زمینه ارائه گردید. تقسیم‌بندی تئوری‌های مذکور نشان می‌دهد که کلاسیک‌ها، کینزین‌ها و نئوکلاسیک در اینکه تجارت خارجی موجب تحول مثبت اقتصادی می‌شود یا هم توافق دارند لیکن روش شناسی هر کدام متفاوت است. ضمن اینکه نئوکلاسیک‌ها بر عکس اختلاف خود به مسأله مهم نرخ مبادله و ماهیت آن پرداخته‌اند.

بالاخره اینکه در سیر تکوین تاریخی اندیشه‌های اقتصادی به تئوری‌هایی مانند اختلافات ساختاری، تئوری نظام مرکز - پیرامون اشاره شد که این تئوری‌ها بر عکس تئوری‌های گذشته معتقد به عدم بسط تجارت خارجی بوده‌اند. ظهور تئوری‌هایی نشان می‌دهند که پیرامون تجارت خارجی اعم از اثرگذاری آن بر اقتصاد ملی یا علل شکل‌گیری و دلایل متفاوت بودن نرخ مبادله و ... اجماع نظری وجود ندارد.

CPPC.ir

فصل سوم
تحولات بخش بازرگانی خارجی کشور

CPPC.ir

CPPC.ir

مقدمه

در پی رهایی اقتصاد کشور از وابستگی به درآمدهای نفتی با توجه به محوریت جهش صادراتی در برنامه سوم توسعه، اهمیت توجه به صادرات غیر نفتی و بهبود روش‌های آن بیش از پیش احساس می‌گردد. امروزه کشور ما شاهد تلاش همه جانبه جهت دستیابی به نگرش‌ها، روش‌ها و ساختارهای نو در توسعه صادرات غیر نفتی می‌باشد. جهت نیل به این هدف، شناخت توانمندی‌های تجاری در قالب مباحث ساختار فضایی این بخش، برای برنامه‌ریزان جهت توسعه بخش بازرگانی کشور، حائز اهمیت است. در پی چنین هدفی، شناسایی توان تولیدی بخش‌های مختلف اقتصادی، بررسی ظرفیت‌ها و امکانات زیر ساختی بخش بازرگانی، بررسی ترکیب بازرگانی خارجی، بررسی قوانین و مقررات ناظر بر بخش بازرگانی خارجی، روند و ترکیب صادرات غیر نفتی استان فارس و بالاخره توصیه‌های سیاسی در راستای جهش صادراتی مورد توجه بوده‌اند.

از آنجا که استان فارس به عنوان قطب اصلی و مرکز عمده فعالیت‌های تجاری جنوب کشور شناخته شده است و دارای توانمندی‌های بالقوه فراوان در این رابطه می‌باشد، در این مطالعه وضعیت اقتصادی بازرگانی این استان مورد بررسی قرار گرفته است. این طرح در راستای بررسی مزیت‌های صادراتی استان فارس بر اساس شناخت مشکلات عمده بازرگانی استان (شامل مشکلات ساختاری و اجرایی) می‌باشد تا ضمن دریافت اطلاعات دقیق از پتانسیل‌ها و توانمندی‌های صادراتی استان و بررسی چگونگی ساختار فضایی بخش بازرگانی، راه کارهای مناسب در راستای رفع مشکلات موجود و بهبود و توسعه صادرات

استان ارائه می‌کند.

در راستای تبیین و تشویق صادرات غیر نفتی و نیل به جهش صادراتی مطابق ماده ۱۱۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، دولت موظف است جهت تحقق این هدف به حذف تمامی عوارض از کالاهای صادراتی و واحدهای تولیدی صادرات گرا و استرداد حقوق گمرکی و سود بازرگانی مواد اولیه و واسطه‌های وارداتی در تولید کالاهای صادراتی، حمایت از تولیدات داخلی صادرات گرا، معافیت کالاهای صادراتی از هر گونه مجوز باستانهای استانداردهای اجباری و گواهی‌های مرسوم در تجارت بین‌الملل، تأمین منابع ارزی از طریق صندوق ذخیره ارزی جهت توسعه فعالیت‌های تولیدی صادرات گرا، اصلاح ساختار صنایع تولیدی جهت ایجاد زمینه لازم برای رقابت محصولات صادراتی در بازارهای جهانی پردازد. همچنین در پی حرکت به سوی تمرکززدایی در استان‌ها مطابق ماده ۷۰ و ۷۱ قانون برنامه سوم به منظور تصمیم‌گیری، تصویب، هدایت، هماهنگی و نظارت در امور برنامه ریزی و توسعه و عمران استان‌ها در چارچوب برنامه‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلان کشور، شورای برنامه ریزی و توسعه هر استان به ریاست استاندار تشکیل می‌شود، که از جمله وظایف آنها بررسی و تصمیم‌گیری در خصوص توسعه صادرات غیر نفتی استان، شناخت قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی استان و ایجاد زمینه‌های لازم برای تشویق و توسعه سرمایه‌گذاری‌های مردمی در امور اقتصادی و اجتماعی است.

از آنجا که ارتقای سطح قدرت تصمیم‌گیری نیازمند ابزارهایی از جمله اطلاعات دقیق و به موقع می‌باشد، شناخت سیمای بازرگانی استان برای برنامه ریزان امری ضروری است. لازمه این امر شناسایی مزیت‌های صادراتی استان و نیازهای وارداتی آن می‌باشد. بدین جهت طرح حاضر به بررسی نقش بازرگانی استان و تبیین توانمندی‌های صادراتی و مزیت‌های صادراتی آن پرداخته و سپس به بررسی قوانین و مقررات ناظر بر بخش بازرگانی خارجی خواهد پرداخت.

مطابق ماده ۱۱۴ قانون برنامه سوم که تنظیم بازار داخلی موجب ممنوعیت صدور کالاها و خدمات نمی‌گردد، به بررسی توان تولیدی بخش‌های مختلف اقتصادی اعم از

(کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات) و وضع موجود صادرات غیر نفتی استان به تفکیک گروه‌های کالایی بررسی می‌شود. در پی ارایه سیمایی از وضعیت بازرگانی استان و شناخت توانمندی‌های صادراتی بخش‌های اقتصادی آن ارائه می‌شود.

بخش بازرگانی کشور به عنوان بخش واسطه و پیوند دهنده بخش‌های اقتصادی کشور از اهمیت کلیدی و راهبردی در اقتصاد کلان جامعه برخوردار است، بخش بازرگانی در ابعاد وسیع خود و در مفهوم جامع به کلیه اقدامات و سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که باهدف ایجاد تعادل در عرضه و تقاضای کل، تعدیل قیمت‌ها و تأمین نیازهای آحاد جامعه و امور مربوط به تعادل در تجارت خارجی منتهی می‌شود. در تبیین بخش بازرگانی کشور از زاوی‌های دیگر می‌توان عنوان نمود که توانایی‌های اقتصادی هر جامعه‌ای در قالب سنخیت و کمیت کالاها و خدمات خلق شده از طریق فعالیت‌های بخش بازرگانی در عرصه داخلی و خارجی منعکس می‌شود و تنها این بخش است که قادر است مطلوب‌ترین شیوه ارتباط میان عرضه و تقاضا را در سطح جامعه برقرار نماید.

یکی از مهم‌ترین مواردی که در مأموریت‌های جدید وزارت بازرگانی و سازمان‌های تابعه مورد توجه واقع شده است برقراری ارتباط متقابل و هماهنگی میان بخش بازرگانی و نظام تولیدی کشور و استفاده از امکانات بازرگانی کشور در جهت رشد اقتصادی، اشتغال مولد و حمایت منطقی از تولیدات داخلی می‌باشد. به عبارت دیگر سه مقوله تولید، واردات و صادرات باید به صورت یک مجموعه مرتبط و در قالب رفتاری هماهنگ و هم‌جهت سازماندهی شوند. چنین پیوندی ضمن اینکه کاستی‌ها و نیز توانایی‌های نظام تولیدی را مشخص سازد، سبب می‌گردد تا پتانسیل‌های بخش تولید از طریق توسعه صادرات افزایش یابد. همچنین به کمک واردات نیز می‌توان حمایت‌های منطقی و جهت‌دار را از فعالیت‌های تولیدی کشور به عمل آورد. در ادامه بحث پس از بررسی اهم تحولات صورت پذیرفته در زمینه تجارت خارجی به بررسی روند تغییرات صادرات و واردات در سال‌های گذشته می‌پردازیم.

الف) تحولات بازرگانی خارجی در چندسال اخیر:

۱-۳) سیاست‌های اجرایی بخش بازرگانی خارجی در سال ۱۳۷۶:

در سال ۱۳۷۶ نیز سیاست‌های تجاری و ارزی سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ با در نظر گرفتن تسهیلات بیشتر جهت پیمان سپاری ارز حاصل از صادرات اتخاذ گردید. یکی از عمده‌ترین تسهیلات جهت تشویق صادرات کالاهای غیر نفتی و اختصاص صد درصد ارز حاصل از صادرات به کلیه صادر کنندگان (از تاریخ ۷۶/۱۱/۸) و افزایش مهلت واریز پیمان‌های ارزی صادر کنندگان و پیمان‌های سررسید نشده قبلی به ۸ ماه (از تاریخ ۷۶/۱۲/۲۸) بوده است.

- اعطای تخفیفی معادل یک درصد در هر ماه به صادر کنندگانی که پیمان‌های ارزی خود را زودتر از موعد مقرر واریز کنند.
- معاف کردن کالاهای نمایشگاهی از سپردن پیمان ارزی، به میزان متعارف و به تشخیص مرکز توسعه صادرات.
- عدم اخذ پیمان ارزی از صادر کنندگان و یا تولید کنندگانی که از طریق گشایش اعتبار اسنادی معتبر غیر قابل برگشت کالای خود را به فروش می‌رسانند.
- موافقت با استفاده از یک درصد از ارز واریز نامه‌های صادراتی برای تأمین هزینه‌های بازار یابی بنا به تشخیص مرکز توسعه صادرات ایران.
- اعطای اختیار به وزارت بازرگانی برای ابطال کارت بازرگانی صادر کنندگانی که کالاهای معیوب و یا غیر استاندارد صادر می‌کنند.
- اعطای اختیار به وزارت بازرگانی جهت اعمال محدودیت در کالاهای همراه مسافر در مواردی که به صادرات رسمی کشور لطمه وارد می‌کند.
- اخذ ۱۵ درصد سپرده ریالی از واحدهای تولیدی - صادراتی که به صورت گشایش اعتبار اسنادی به ورود کالا اقدام می‌کنند و موافقت با پرداخت ۸۵ درصد ارزش ریالی کالای خریداری شده هنگام مبادله اسناد خرید در بانک.
- موظف شدن سیستم بانکی کشور به اعطای وام و اعتبار به صادر کنندگان کالا و خدمات

- بر مبنای اعتبارات اسنادی که به نفع آنها گشایش می یابد و تلقی این اعتبارات به عنوان اسناد بهادار.
- مکلف شدن شورای پول و اعتبار به اختصاص ۸ درصد از افزایش مانده کل تسهیلات اعتباری بانک‌ها (برای بخش غیردولتی) جهت پرداخت تسهیلات اعتباری به صادرکنندگان در سال ۱۳۷۷.
 - موافقت دولت با پرداخت ۲ درصد از سود تسهیلات اعتباری بانک‌ها به صادرکنندگان از محل ردیف خاصی که سازمان برنامه و بودجه به استناد ماده ۱۹ قانون صادرات و واردات اختصاص خواهد داد (۲ درصد از ۲۰ درصد نرخ سود اعتبارات تخصیصی به این بخش).
 - ممنوع شدن دریافت هرگونه عوارض غیر قانونی از صادرات کالا و خدمات.
 - موظف شدن بانک مرکزی به اعطای اعتبار صادرات (Buyers Credit) به کشورهای خریدار کالای ایرانی (کشورهای در حال توسعه منتخب) در هر سال.
 - موظف شدن سازمان بنادر و کشتیرانی به رقابتی کردن تعرفه‌های هزینه‌های بندری
 - مکلف شدن وزارت راه و ترابری و وزارت بازرگانی به بررسی چگونگی ایجاد تسهیلات و معافیت‌های لازم برای حمل و نقل اقلام صادراتی به ویژه اقلام فاسد شدنی.
 - موظف شدن وزارت بازرگانی به انعقاد قراردادهای کاهش متقابل تعرفه با کشورهای دیگر، به ویژه کشورهای آسیای میانه، کشورهای عربی و آفریقایی، با هدف ایجاد مزیت نسبی در بازارهای بالقوه و موظف شدن وزارت امور خارجه و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران به صدور رویداد ورود به ایران (حداکثر ظرف یک هفته) برای تجار ایرانی.
- همچنین در خصوص کاهش تمرکز فعالیت‌های صادراتی از استان فارس و استفاده از توانمندی‌های استان‌های دیگر برای سال ۱۳۷۷ یکسری اهداف کمی به شرح زیر تعیین شده است:

- ۱- استان آذربایجان شرقی با ۶۶۴ میلیون دلار صادرات (معادل ۱۱/۶ درصد کل کشور)
- ۲- استان اصفهان با ۶۳۱ میلیون دلار صادرات (معادل ۱۱ درصد صادرات کل کشور)

۳- استان خراسان با ۵۳۰ میلیون دلار صادرات (معادل ۹/۳ درصد صادرات کل کشور)

۴- استان خوزستان با ۵۲۱ میلیون دلار صادرات (معادل ۹ درصد صادرات کل کشور)

۵- استان کرمان با ۴۵۲ میلیون دلار صادرات (معادل ۸ درصد صادرات کل کشور)

در ضمن پنج پروژه صادراتی توسط مرکز توسعه صادرات ایران در زمینه:

صنایع چرم، صنایع پوشاک، شیلات و آبیان، تقویت و توسعه تشکل‌های صادراتی و صادراتی کردن مناطق آزاد تجاری و صنعتی جهت اجرا در نظر گرفته شده است.

با توجه به ضرورت گسترش نوین سازی تجاری و با توجه به فراگیری جهانی مجموعه قواعد و معیارهای موسوم به پیام‌های استاندارد ادیفاکت (EDIFACT)، تشکیل کمیته ملی ادیفاکت ایران و عضویت آن در " هیأت ادیفاکت آسیا" (ASED) از اهم اقدامات مربوطه بوده است.

در زمینه سیاست‌های اعمال شده در بخش واردات، همچنان سیاست تخصیص ارز به واردات کالاهای اساسی و استراتژیک (شامل کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای) اعمال شد. با توجه به اهمیت این کالاهای، اثرات کاهش درآمدهای ارزی بیشتر متوجه واردات کالاهای مصرفی و لوکس غیر اساسی بوده است. گرچه واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز بخش تولیدی کشور را نیز متأثر ساخته و منجر به عدم رشد و حتی کاهش تولید و در نهایت کاهش صادرات و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات کالاهای غیر نفتی شده است.

لازم به ذکر است، تسهیلاتی که جهت تشویق صادرات در سال ۱۳۷۶ اتخاذ شده، عمدتاً مربوط به دو ماه آخر سال ۱۳۷۶ بوده و قاعدتاً اثر بخشی آنها در آن سال مشهود نبوده و باید در سال ۱۳۷۷ منتظر اثرات آن بود. ضمن اینکه این تسهیلات عمدتاً مربوط به مرحله صدور کالا می‌شود و حلقه قبل از تولید تا صادرات را پوشش نمی‌دهد، عملاً تحریک عمیقی در بخش به مفهوم اعمال سیاست توسعه صادرات نداشته ست.

۲-۳) سیاست‌های اجرایی بخش بازرگانی خارجی در سال ۱۳۷۷

به منظور تجربیات موجود در عرصه صادرات غیر نفتی کشور، تأثیر اتخاذ و اعلام

- سیاست‌های تشویقی دولت در امر صادرات، به‌طور عملی با تأخیر چندین ماهه بر عملکرد صادرات منعکس می‌شود. بر این اساس به نظر می‌رسد تصمیمات اتخاذ شده هیأت محترم وزیران در تیر ماه سال ۱۳۷۷ که به اعلام سیاست‌های اجرایی برای تسهیل صادرات غیرنفتی در مرداد ماه همان سال انجامید، باعث شد تا روند نزولی صادرات غیرنفتی در نیمه اول سال ۱۳۷۷ متوقف و در سه ماهه چهارم این سال روند رونق صادرات به وضوح مشاهده شود. بر اساس این مصوبات از میان ۳۴ راه‌کار اجرایی، ۱۸ مورد آن به عنوان سیاست‌های اجرایی کوتاه مدت دولت در بخش اقتصادی، به عهده مراکز دولتی دست‌اندرکار امور تجارت خارجی گذارده شد که شامل بندهای زیر می‌باشد:
- واگذاری حق استفاده صد درصد از ارز حاصل از صادرات به صادرکنندگان.
 - افزایش مدت واریز پیمان‌های ارزی صادرکنندگان و پیمان‌های سررسید نشده گذشته به مدت ۸ ماه.
 - معاف نمودن کالاهای نمایشگاهی از پیمان ارزی به میزان متعارف.
 - عدم اخذ پیمان ارزی از صادرکنندگان که از طریق گشایش اعتبار اسنادی معتبر غیرقابل برگشت کالای خود را به فروش می‌رسانند.
 - موافقت دولت برای استفاده یک درصد از ارز واریز نامه‌های صادراتی جهت تأمین هزینه‌های بازاریابی - فراهم شدن امکان فروش گواهینامه‌های واریز ارز صادرکنندگان به واردکنندگان در بازار بورس اوراق بهادار فارس، به بیانی دیگر شناور نمودن غیرمستقیم نرخ ارز صادراتی صادرکنندگان.
 - اعطای تخفیفی معادل یک درصد در ماه به صادرکنندگانی که پیمان‌های ارزی خود را زودتر از موعد واریز کنند.
 - اعمال محدودیت در کالاهای همراه مسافران خروجی.
 - اخذ ۱۵ درصد سپرده ریالی از واحدهای تولیدی - صادراتی که به صورت گشایش اعتبار اسنادی به ورود کالا اقدام می‌کنند و موافقت با پرداخت ۸۵ درصد ارزش ریالی کالاهای خریداری شده به هنگام مبادله اسناد خرید در بانک.
 - موظف شدن سیستم بانکی کشور به اعطای وام و اعتبار به صادرکنندگان کالا و خدمات

- بر مبنای اعتبارات اسنادی که به نفع آنها گشایش می یابند و تلقی این اعتبارات به عنوان اسناد بهادار.
- مکلف شدن شورای پول و اعتبار به اختصاص ۸ درصد افزایش مانده کل تسهیلات اعتباری بانکها جهت پرداخت تسهیلات اعتباری به صادرکنندگان در سال ۱۳۷۷.
 - موافقت دولت با پرداخت ۲ درصد سود تسهیلات اعتباری بانکها به صادرکنندگان.
 - ممنوعیت دریافت هر گونه عوارض غیرقانونی از صادرکنندگان توسط مقامات محلی.
 - موظف شدن بانک مرکزی برای اعطای اعتبار صادراتی به کشورهای خریدار کالای ایرانی.
 - موظف شدن سازمان بنادر و کشتیرانی به رقابتی کردن تعرفه‌های هزینه‌های بندری برای صادرات غیرنفتی.
 - موظف شدن وزارت بازرگانی به انعقاد قراردادهای کاهش متقابل تعرفه به کشورهای دیگر به منظور برخوردار کردن کالاهای صادراتی ایران از مزیت‌های نسبی بازارهای هدف.
 - موظف شدن وزارت امور خارجه و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران به صدور روادید ورود به ایران برای تجار و خریداران کالاهای ایرانی.
 - معافیت صادرکنندگان محصولات صنایع دستی از پیمان سپاری ارزی.

۳-۳) سیاست‌های اجرایی بخش بازرگانی خارجی در سال ۱۳۷۸

طی سال‌های ۷۷-۱۳۷۶ سیاست‌های تجاری و ارزی سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ با در نظر گرفتن تسهیلات بیشتر جهت پیمان سپاری ارز حاصل از صادرات اتخاذ گردید. همچنین از میان ۳۴ راه کار اجرایی پیشنهاد شده از سوی وزارت بازرگانی، ۱۸ مورد به عنوان سیاست‌های اجرایی کوتاه مدت دولت در بخش اقتصادی در نظر گرفته شد که شامل بندهای زیر است:

۱- واگذاری حق استفاده صد در صد از ارز حاصل از صادرات به صادرکنندگان

(از تاریخ ۷۶/۱۱/۸)

- ۲- افزایش مهلت واریز پیمان‌های ارزی صادرکنندگان و پیمان‌های سررسید نشده قبلی به ۸ ماه (از تاریخ ۷۶/۱۲/۲۸)
- ۳- اعطای تخفیفی معادل یک درصد در هر ماه به صادرکنندگانی که پیمان ارزی خود را زودتر از موعد واریز کنند.
- ۴- معاف کردن کالاهای نمایشگاهی از سپردن پیمان ارزی، به میزان متعارف و به تشخیص مرکز توسعه صادرات.
- ۵- عدم اخذ پیمان ارزی از صادرکنندگان یا تولیدکنندگان که از طریق گشایش اعتبار اسنادی معتبر غیر قابل برگشت کالای خود را به فروش می‌رسانند.
- ۶- موافقت با استفاده از یک درصد از ارز واریز نامه‌های صادراتی برای تأمین هزینه‌های بازاریابی بنا به تشخیص مرکز توسعه صادرات ایران.
- ۷- اعطای اختیار به وزارت بازرگانی برای ابطال کارت بازرگانی صادرکنندگانی که کالاهای معیوب یا غیر استاندارد صادر می‌کنند.
- ۸- اعطای اختیار به وزارت بازرگانی جهت اعمال محدودیت در کالاهای همراه مسافر در مواردی که به صادرات رسمی کشور لطمه وارد می‌کند.
- ۹- اخذ ۱۵ درصد سپرده ریالی از واحدهای تولیدی - صادراتی که به صورت گشایش اعتبار اسنادی به ورود کالا اقدام می‌کنند و موافقت با پرداخت ۸۵ درصد ارزش ریالی کالای خریداری شده هنگام مبادله اسناد خرید در بانک.
- ۱۰- موظف شدن سیستم بانکی کشور به اعطای وام و اعتبار به صادرکنندگان کالا و خدمات بر مبنای اعتبارات اسنادی که به نفع آنها گشایش می‌یابد و تلقی این اعتبارات به‌عنوان اسناد بهادار.
- ۱۱- مکلف شدن شورای پول و اعتبار به اختصاص ۸ درصد از افزایش مانده کل تسهیلات اعتباری بانک‌ها (برای بخش غیر دولتی) جهت پرداخت تسهیلات اعتباری به صادرکنندگان در سال ۱۳۷۷.
- ۱۲- موافقت دولت با پرداخت ۲ درصد از سود تسهیلات اعتباری بانک‌ها به صادرکنندگان از محل ردیف خاصی که سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به استناد

ماده ۱۹ قانون صادرات و واردات اختصاص خواهد داد (۲ درصد نرخ سود اعتبارات تخصیصی به این بخش).

- ۱۳- ممنوع شدن دریافت هر گونه عوارض غیر قانونی از صادرات کالا و خدمات.
- ۱۴- معافیت صادرکنندگان محصولات صنایع دستی از پیمان سپاری ارزی.
- ۱۵- موظف شدن بانک مرکزی به اعطای اعتبار صادرات (Buyers Credit) به کشورهای خریدار کالاهای ایرانی (کشورهای در حال توسعه منتخب) در هر سال.
- ۱۶- موظف شدن سازمان بنادر و کشتیرانی به رقابتی کردن تعرفه‌های هزینه‌های بندری.
- ۱۷- مکلف شدن وزارت راه و ترابری و وزارت بازرگانی به بررسی چگونگی ایجاد تسهیلات و معافیت‌های لازم برای حمل و نقل اقلام صادراتی به ویژه اقلام فاسد شدنی.
- ۱۸- موظف شدن وزارت بازرگانی به انعقاد قراردادهای کاهش متقابل تعرفه با کشورهای دیگر، به ویژه کشورهای آسیای میانه، کشورهای عربی و آفریقایی، باهدف ایجاد مزیت نسبی در بازارهای بالقوه و موظف شدن وزارت امور خارجه و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران به صدور روادید ورود به ایران (حداکثر ظرف یک هفته) برای تجار ایرانی.

همچنین در خصوص کاهش تمرکز فعالیت‌های صادراتی از استان فارس و استفاده از توانمندی‌های استان‌های دیگر برای سال ۱۳۷۷، یکسری اهداف کمی به شرح زیر تعیین شده است:

- ۱- استان آذربایجان شرقی با ۶۶۴ میلیون دلار صادرات (معادل ۱۱/۶ درصد کل کشور)
- ۲- استان اصفهان با ۶۳۱ میلیون دلار صادرات (معادل ۱۱ درصد صادرات کل کشور)
- ۳- استان خراسان با ۵۳۰ میلیون دلار صادرات (معادل ۹/۳ درصد صادرات کل کشور)
- ۴- استان خوزستان با ۵۲۱ میلیون دلار صادرات (معادل ۹ درصد صادرات کل کشور)
- ۵- استان کرمان با ۴۵۲ میلیون دلار صادرات (معادل ۸ درصد صادرات کل کشور)

درضمن پنج پروژه صادراتی توسط مرکز توسعه صادرات ایران در زمینه: صنایع چرم، صنایع پوشاک، شیلات و آبزیان، تقویت و توسعه تشکلهای صادراتی و صادراتی کردن مناطق آزاد تجاری و صنعتی جهت اجرا در نظر گرفته شده است.

با توجه به ضرورت گسترش نوین‌سازی تجاری و با توجه به فراگیری جهانی مجموعه قواعد و معیارهای موسوم به پیام‌های استاندارد ادیفاکت (EDIFACT)، تشکیل کمیته ملی ادیفاکت ایران و عضویت آن در هیأت ادیفاکت آسیا (ASED) از اهم اقدامات مربوط بوده است.

در زمینه سیاست‌های اعمال شده در بخش واردات، همچنان سیاست تخصیص ارز به واردات کالاهای اساسی و استراتژیک (شامل کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای) اعمال شد. با توجه به اهمیت این کالاهای، اثرات کاهش درآمدهای ارزی بیشتر متوجه واردات کالاهای مصرفی و لوکس غیر اساسی بوده است. لیکن واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز بخش تولیدی کشور را نیز متأثر ساخته و منجر به عدم رشد و حتی کاهش تولید و در نهایت کاهش صادرات و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات کالاهای غیرنفتی شده است.

اجرای سیاست‌های مذکور اثر نسبی مطلوبی بر صادرات بر جای گذارد ولی به لحاظ برخی مسائل از جمله:

- رشد بسیار کند اقتصادی در کشورهای صنعتی جهان.
- تداوم، تشدید و گسترش شرایط رکود جهانی در کشورهای آسیای جنوب شرقی و شرق آسیا.
- کاهش قیمت جهانی نفت تا سال ۱۳۷۸ و به دنبال آن کاهش قیمت‌های فرآورده‌های نفتی کشور که سهم قابل توجهی را در ترکیب کالاهای صادراتی ایران دارند. باعث گردید که متوسط ارزش یک کیلوگرم کالاهای صادراتی تا سال ۱۳۷۸ روندی نزولی داشته باشد و به همین جهت اثرات مثبت مربوط به افزایش صادرات تا حدی خنثی گردد و آن‌طور که پیش‌بینی می‌شد این تأثیر در ارزش صادراتی بروز ننمود.
- طی سال ۱۳۷۸ نیز سیاست‌های زیر در راستای توسعه صادرات غیرنفتی به تصویب رسید:

۱- معافیت صنایع دستی از پیمان ارزی که نتیجه آن رشد بسیار بالای صدور این محصولات (بیش از صد درصد) بود است.

۲- خارج نمودن صادرات کشور از شمول تعزیرات حکومتی و بررسی دلایل عدم ایفای تعهدات ارزی توسط کمیسیون متشکل از بانک مرکزی، گمرک، اتاق بازرگانی، وزارت بازرگانی، مرکز توسعه صادرات و نماینده وزارتخانه ذریبط، که این امر تا حدود زیادی باعث رفع نگرانی صادرکنندگان گردید.

۳- معافیت صادرات غیر نفتی از بازپرداخت هر گونه عوارض ملی و محلی.

۴- در راستای بستر سازی برای رشد صادرات و تشویق صادرکنندگان به ادامه فعالیت و تأمین نقدینگی لازم برای ادامه فعالیت‌های آنان، پیشنهادهای متعددی به ستاد اقتصادی دولت و بانک مرکزی ارائه گردید که تصمیمات مهم اتخاذ شده در این زمینه به شرح زیر است:

الف) به منظور کمک به تأمین نقدینگی صادرکنندگان و کاهش هزینه و قیمت تمام شده صادرات، صادرکنندگان مجاز هستند واریزنامه خود را مستقیماً به بانک‌ها بفروشند و ریال آن را به نرخ اختتامیه ارز واریزنامه در بورس روز قبل از فروش، که با نظام عرضه و تقاضا در بورس تعیین می‌شود، به فوریت و مستقیماً از شعبه بانک دریافت نمایند.

- بانک‌ها مجاز خواهند بود واریزنامه‌های عرضه شده صادرکننده را اصالتاً و از منابع خود خریداری نمایند و در صورتی که به هر دلیل مایل به خرید آن نباشند، مکلفند آن واریزنامه را وکالتاً برای بانک مرکزی خریداری نمایند، و ریال پرداختی را به بدهکار حساب بانک مرکزی منظور نمایند.

- بانک‌ها مختار هستند و حق دارند واریزنامه خریداری را در مهلت قانونی و مصوب در بورس عرضه و به فروش برسانند و یا خود از محل ارز خریداری شده، نسبت به افتتاح اعتبار اسنادی برای واردات کالاهای مجاز برای مشتریان اقدام نمایند.

- واریزنامه و ارزهایی که وکالتاً برای بانک مرکزی خریداری شده است طبق نظر و دستور بانک مرکزی توسط بانک خریدار، به مصرف می‌رسد.

ب) معرفی و فروش «مرحله‌ای» ارز حاصل از صادرات توسط صادرکننده و صدور واریزنامه به دفعات و بخش به بخش برای یک پیمان ارزی، مجاز است و با معرفی هر مقدار توسط صادرکننده به بانک، تعهد نامه ارزی وی کاهش می‌یابد و در صورتی که

این کار در مهلت قانونی انجام شود، معادل آن، واریزنامه برای وی صادر می‌شود و از تشویق‌ها و جوایز مربوط برخوردار می‌شود و صادرکننده حق دارد از مزایای واریزنامه خود، برای ورود کالاهای مجاز استفاده نماید یا نسبت به فروش آن در بورس یا بانک اقدام نماید.

بدیهی است در فاصله زمانی بین واریز ارز به بانک تا فروش آن به بانک برای دریافت واریزنامه، ارز واریز شده، متعلق به صادرکننده است و وی حق دارد از مزایای حساب ارزی و سود آن بهره مند شود.

ج) اعتبارات اسنادی بانک‌های ایرانی بر اساس واریزنامه‌های ارز صادراتی به اتکای ارز فروخته شده توسط صادرکنندگان و به سیستم بانکی، گشایش می‌یابد، لذا پرداخت وجوه این اعتبارات اسنادی به ذینفع، مشمول بخشنامه‌های تعیین الویت در پرداخت تعهدات بانک‌ها نیست و بانک‌های گشایش‌کننده این اعتبارات اسنادی موظفند، با تفکیک آنها بوسیله کد شناسایی و حفظ ذخیره لازم، ترتیبی اتخاذ کنند تا به هیچ وجه آن اسناد دچار تأخیر در پرداخت نگردد.

د) صادرکنندگانی که نسبت به فروش کالا یا خدمات خود از طریق «اعتبارات اسنادی» یک یا چند بانک معتبر بین‌المللی اقدام می‌نمایند، در صورت نکول بانک یا بانک‌های گشایش‌کننده و یا تأییدکننده اعتبار، از تعهدات ارزی بری خواهند بود و مشمول مقررات تعزیرات و قاچاق ارز نخواهند بود.

بدیهی است چنانچه این قبیل صادرکنندگان، صادرات خود را طبق مقررات، در «صندوق ضمانت صادرات» بیمه کرده باشند و حق بیمه مربوط، به صندوق پرداخت شده باشد محق به دریافت معادل ریالی منابع بیمه شده خود از صندوق خواهند بود و اعتبارات اسنادی معوق بانک در اختیار صندوق ضمانت صادرات قرار خواهند گرفت تا برای وصول آن از بانک یا بانک‌های بدهکار اقدامات قانونی لازم را انجام دهد. همچنین به منظور ایجاد تسهیلات برای صادرکنندگان و برطرف کردن مشکلات موجود بر سر راه صادرات آیین‌نامه‌های زیر طی دو سال گذشته تدوین گردیده و پس از تصویب به مرحله اجرا گذاشته شد.

- ۱- آیین‌نامه اجرایی معافیت کالاهای نمایشگاهی از پیمان ارزی.
- ۲- آیین‌نامه اجرایی معافیت از پیمان سپاری صادراتی کالا به روش اعتبار اسنادی غیرقابل برگشت.
- ۳- آیین‌نامه اجرایی اختصاص درصدی از ارز و واریزنامه‌های صادراتی جهت فعالیت‌های بازاریابی صادرکنندگان در خارج از کشور.
- ۴- تهیه فهرست کالاهای غیرمجاز صادراتی و هماهنگی در این رابطه با کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی ذیربط و اعلام و ابلاغ فهرست مذکور.
- ۵- حذف دریافت مجوز موردی برای کلیه کالاها از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها.
- ۶- تهیه دستورالعمل کالاهای همراه مسافر.
- ۷- آیین‌نامه اجرایی ابطال کارت بازرگانی صادرکنندگان کالاهای نامرغوب و غیر استاندارد.
- ۸- دستورالعمل چگونگی تهیه طرح توجیهی متقاضیان برگزاری نمایشگاه‌ها در خارج از کشور.
- ۹- تهیه آیین‌نامه اجرایی جلوگیری از تولید و صدور فروش‌های نامرغوب و غیر استاندارد.
- ۱۰- آیین‌نامه اجرایی تشویق صادرکنندگان نمونه.
- ۱۱- آیین‌نامه اجرایی استرداد حقوق گمرکی و سود بازرگانی قطعات یدکی و تجهیزات و لوازم بسته بندی کالاهای صادراتی.
- ۱۲- دستورالعمل صدور قطعات و تجهیزات صنعتی مربوط به خدمات بعد از فروش.
- ۱۳- طرح توزیع استانی صادرات غیرنفتی.
- ۱۴- در اجرای مصوبات شورای عالی توسعه صادرات و بند ۲۷ مصوبه شماره ۷۷/۶/۳ طرح ساماندهی اقتصادی فرآیند پیمان سپاری کالاهای صادراتی به نحو قابل ملاحظه‌ای ساده سازی گردید و اصلاحات لازم با هماهنگی مرکز توسعه صادرات ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در این رابطه به عمل آمده و منجر به ایجاد وحدت رویه در شبکه بانکی گردیده است.

مهم‌ترین اصلاحات و ساده‌سازی‌های به عمل آمده در مراحل پیمان سپاری به شرح زیر می‌باشد:

الف) آیین‌نامه اجرایی « کمیسیون رسیدگی به تعهدات ارزی صادرکنندگان » به شبکه بانکی کشور ابلاغ گردیده و کمیسیون مذکور با توجه به انعطاف و تسهیلات خاصی که در آیین‌نامه مربوط پیش‌بینی شده به طور کامل جایگزین سیستم تعزیرات حکومتی گردیده و موجب اطمینان خاطر صادرکنندگان شده است.

ب) صادرکنندگانی که بیش از ۵ سال سابقه صادراتی ممتد داشته‌اند و طی این مدت تعهد ارزی موعده گذشته غیر موجه نداشته‌اند، همچنین صادرکنندگانی که از محل اعتبار اسنادی غیرقابل برگشت و یا با فروش ارز قبل از صادرات اقدام به صدور کالا می‌نمایند مشمول تودیع وثیقه اخذ تعهد نمی‌گردند.

ج) واحدهای تولیدی و یا شرکت‌های وابسته به آنها که محصولات تولیدی خود را صادر می‌نمایند از سپردن وثیقه معاف گردیده‌اند.

د) صادرکنندگان با سابقه سه تا پنج سال می‌توانند با پرداخت دلاری ۲۰۰ ریال ودیعه نقدی یا وثیقه معتبر تا سه برابر صادرات سال قبل یا میانگین فعالیت صادراتی سه ساله خود اقدام به اخذ تعهد نامه ارزی نمایند.

ه) صادرکنندگان با سابقه صادراتی یک تا سه سال می‌توانند با پرداخت دلاری ۵۰۰ ریال ودیعه نقدی یا وثیقه معتبر تا دو برابر صادرات سال قبل یا میانگین فعالیت صادراتی دو ساله خود تعهد نامه ارزی اخذ نمایند.

و) صادرکنندگان بدون سابقه صادراتی (مبتدی) می‌توانند تا سقف ۳۰۰۰۰۰ دلار با پرداخت دلاری ۱۵۰۰ ریال ودیعه نقدی یا وثیقه تعهد نامه ارزی اخذ نمایند، ضمناً چنانچه صادرکننده مبتدی مازاد بر سقف تعیین شده نیاز به تعهد ارزی داشته باشد بانک مرکزی با بررسی درخواست صادرکننده، مطابق با شرایط موجود تسهیلات بیشتری در اختیار وی خواهد گذاشت.

ز) جریمه تأخیر در واریز تعهدات ارزی که قبلاً به ازای هر دلار ۳ ریال بود به یک ریال کاهش یافته است.

- ح) مهلت استفاده از ارز حاصل از صادرات برای واردات که قبلاً ۲ ماه بود در شرایط فعلی مجموعاً به ۸ ماه افزایش یافته است.
- ت) به ارزهای واریز شده از سوی صادر کنندگان بابت تعهدات ارزی آنها مادامی که برای واردات مورد استفاده قرار نگرفته و یا «گواهی سپرده ارزی» آن (CD) در بورس به فروش نرسیده است از سوی شبکه بانکی به صورت رقابتی سود پرداخت می‌شود.
- ث) به منظور تشویق صادرات به روش اعتبار اسناری برابر هماهنگی‌های اخیر انجام شده با بانک مرکزی به ازای هرماه تعجیل در واریز ارز (LC) ۱/۵ درصد تخفیف در پیمان منظور خواهد شد.
- ج) اسناد اعتباری صادراتی از سوی بانک‌ها به عنوان وثیقه مورد قبول قرار می‌گیرد و با این اسناد با نرخ سود ۱۸ درصد به صادر کنندگان وام داده می‌شود.
- د) برابر هماهنگی اخیر انجام شده با بانک مرکزی به ازای مدتی که LC های صادراتی زودتر از ۸ ماه (مدت پیمان) به شبکه بانکی واریز می‌شوند از سوی شعب بانک‌ها به آنها سود تعلق خواهد گرفت.
- م) امکان واریز تعهد نامه‌های ارزی به دفعات و استفاده از واریز آن میسر گردیده است. همچنین، مرکز خدمات صادراتی بر اساس طرح ساماندهی اقتصادی کشور و در جهت نیل به اهداف ذیل در دوازدهم خرداد ماه سال ۱۳۷۸ ایجاد گردید:
- ۱- به حداقل رساندن دیوان‌سالاری و حذف تشریفات زائد مربوط به صادرات.
 - ۲- انجام امور اجرایی و خدماتی صادر کنندگان در زیر یک سقف و در حداقل زمان ممکن.
 - ۳- صدور مجوزهای مربوط به صادرات کالا و خدمات در موارد ضروری.
 - ۴- پرهیز از مراجعات عدیده صادر کنندگان برای انجام امور اجرایی و یا در یافت خدمات و تسهیلات مختلف به وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات متعدد و پراکنده در نقاط مختلف شهر و کشور به خصوص در جهت کاهش هزینه‌های سربار صادرات و کاهش سفرهای شهری.
 - ۵- ایجاد هماهنگی و ارتباط تنگاتنگ بین دستگاه‌های مختلف مرتبط با امر صادرات.

۶- شفاف شدن فرآیند صادرات و مشخص کردن نقاط ضعف و عدم کارایی برخی از دستگاه‌ها در ارتباط با تحقق اهداف صادراتی و کوشش در جهت رفع تنگناها و موانع صادرات غیر نفتی کشور.

۷- اصلاح روش‌های مدیریت صادرات غیرنفتی کشور.

۸- تحقق عملی شعار (عزم ملی برای صادرات) و گسترش مشارکت صادرکنندگان و دستگاه‌های مختلف دولتی در تحقق اهداف صادراتی کشور.

۹- همگامی و همسویی سازمان‌های دولتی خدماتی کشور در راستای تحقق اهداف صادراتی.

۱۰- کاهش منطقی ایستگاه‌های سر راه صادرات غیرنفتی.

مرکز توسعه صادرات ایران با همکاری دستگاه‌های اجرایی، در کوتاه‌ترین زمان ممکن شرح وظایف مرکز خدمات صادراتی را با مشارکت نمایندگان وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسساتی که صادرکنندگان از خدمات آنها استفاده می‌کنند و یا وظایفی در چارچوب قوانین و مقررات در بخش صادرات بر عهده آنان محول شده است تهیه و نسبت به ابلاغ شرح وظایف مزبور به هر یک از دستگاه‌های مستقر در مرکز یاد شده اقدام کرد. در حال حاضر جمعاً ۳۱ وزارتخانه، مؤسسه، سازمان یا شرکت دفاتر خود را در این مرکز دایر کرده‌اند و تحت پوشش حوزه معاونت خدمات صادراتی و بازاریابی مرکز توسعه صادرات ایران به ارائه خدمات مشغولند.

۴-۳) سیاست‌های اجرایی بخش بازرگانی در سال ۱۳۷۹

- تصویب قانون «معافیت صادرات کالا و خدمات از پرداخت عوارض» در مجلس شورای اسلامی.

- اعمال معافیت مالیاتی در مورد صادرات کالا و خدمات.

- حذف شرط اخذ مجوز واردات کالا از وزارتخانه‌های صنعتی و کشاورزی در قانون مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۰ و افزایش سود بازرگانی در مورد برخی از کالاهای وارداتی، سیاست مذکور با هدف کاهش تشریفات اداری موجود بر سر راه

- واردات صورت پذیرفته است.
- افزایش سرمایه بانک توسعه صادرات با حذف حمایت مالی لازم از صادرکنندگان و تشکیل شورای عالی توسعه صادرات غیر نفتی و کمیته توسعه صادرات استانها و تفویض بخشی از اختیارات شورای عالی به کمیته‌های استانی. این شورا با تشکیل تعداد جلسات بیشتر نسبت به سالهای قبل عملکرد بهتری داشته است.
 - تهیه پیش نویس لایحه تجارت الکترونیکی.
 - تهیه اصول و سیاست‌های کلی تجارت الکترونیکی.
 - ارائه برخی تسهیلات در خصوص سیاست‌های مربوط به جلب مشارکت بخش غیردولتی نظیر رفع انحصار از دخانیات، واردات کالاهای اساسی توسط بخش غیردولتی و واگذاری بخشی از سهام کشتیرانی ج.ا.ا.
 - حذف پیمان سپاری برای برخی از اقلام صادراتی، تغییر نحوه پیمان سپاری در مورد کلیه کالاهای صادراتی. لازم به ذکر است که سهم اقلامی که همچنان ملزم به پیمان سپاری هستند در کل ارزش صادرات بیش از ۷۰ درصد است.
 - تهیه و تقدیم لایحه حمایت از حقوق مصرف کنندگان به مجلس شورای اسلامی
 - تداوم روند پرداخت یارانه کالاهای اساسی به منظور حمایت اقشار محروم و دارای حقوق ثابت. کالاهای مشمول یارانه عبارتند از قند، شکر، روغن نباتی، برنج، گوشت، گندم، شیر، پنیر، چای، سموم، بذر، واکسن دامی، نهال و کود شیمیائی.
 - تداوم سیاست ما به التفاوت به منظور تنظیم قیمت مصرفی برخی کالاها در راستای حمایت از مصرف کنندگان در برابر نوسانات بهای کالاهای مصرفی و نیز حمایت از تولید کنندگان داخلی در برابر واردات بی رویه کالاهای ساخت خارج.
 - نظارت و کنترل قیمت کالاها و خدمات به منظور حمایت از حقوق مصرف کنندگان و جلوگیری از افزایش بی رویه قیمت کالا و خدمات توسط: ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار، سازمان بازرسی و نظارت سازمان تعزیرات حکومتی و تعزیرات ویژه آرد و نان.
 - تداوم روند ظرفیت سازی جهت ذخیره گندم به لحاظ اهمیت استراتژیکی گندم، سیاست ساخت و توسعه سیلوها و انبارهای ذخیره گندم همچنان ادامه داشته است.

ظرفیت به بهره‌برداری رسیده (که به سازمان غله تحویل داده شده است) طی سال ۱۳۷۹ حدود ۴۳۰ هزار تن بوده است.

- طی سال، ۱۳۷۹ به لحاظ برخی اختلالات در بازار برنج به دلیل واردات بی رویه توسط بخش خصوصی و دولتی، وزارت بازرگانی مکلف شد که محصول داخلی را به قیمت توافقی خریداری نماید. این امر بار مالی قابل ملاحظه‌ای (معادل ۲۰۰ میلیارد ریال) را برای دولت در بر داشته است.

در مجموع و با توجه به بررسی انجام شده باید اذعان داشت که بخش اعظم گام‌های مربوط به برنامه سوم با هدف شفاف‌سازی در امر صادرات برداشته شده است و بیش از ۹۸ درصد اهداف کمی مربوط به صادرات کالاهای غیر نفتی در سال اول برنامه سوم تحقق یافته است.

۵-۳) سیاست‌های بخش بازرگانی خارجی کشور در سال ۱۳۸۰:

۱- اصلاح قانون گمرکی با هدف دستیابی به توسعه و رسیدن به روند سیاست‌های کلان نظام (طرح عملیات بدون کاغذ در سال ۱۳۸۰ در گمرکات کشور به اجرا در می‌آید).

۲- لغو محدودیت ورود کالای همراه مسافر که بر اساس آن ورود کالای غیر تجاری به هر میزان به همراه مسافر با پرداخت حقوق گمرکی و دو برابر سود بازرگانی آزاد است.

۳- تسهیل ورود نمونه کالاها برای واحدهای تولیدی (ترخیص نمونه‌های کالاهای وارداتی بدون اخذ مجوز از وزارتخانه‌های مختلف فقط با تشخیص گمرک به میزان قابل قبول آزاد اعلام شده است).

۴- حل مشکل واردات کالا از بازارچه‌های مرزی در قبال کالاهای صادراتی به‌طوری که صادرکنندگان کالا از بازارهای مرزی که قبل از این موظف به واردات کالا از بازارچه کشور طرف مقابل بودند می‌توانند در قبال صادرات، کالای مورد نظر خود را از مناطق آزاد یا هر مبدأ گمرکی دیگر وارد کنند.

۵- کاهش هزینه‌های تولید کالاهای صادراتی واحدهای تولیدی یا بازرگانان (بدین

- صورت که واحدهای تولید یا بازرگانی که قبلاً برای واردات کالا موظف به ارایه ضمانتنامه بانکی بودند، اکنون می‌توانند با تودیع سفته اقدام به واردات موقت کالا کنند.
- ۶- آزادی ورود CD، دیسکت، نوار و میکرو فیلم به صورت بدون انتقال ارز و افزایش سقف واردات کالا به صورت هدیه و سوغات (از ۳۰ دلار به ۵۰ دلار).
- ۷- جلوگیری از رواج قاچاق کالا در کشور و سوء استفاده از قوانین در استفاده از خودروهای ورود موقت به کشور (جرایم مربوط به تخلیه غیر قانونی بار وارداتی در مبادی غیر گمرکی بیش از ۱۰۰۰ برابر افزایش یافت و از اول سال جاری به اجرا گذاشته شد).
- ۸- اجرای طرح تعیین مسیر برای ارزیابی کالاهای وارداتی و صادراتی در ۲۰ گمرک کشور.
- ۹- اجازه مجدد هیأت دولت به گمرک ایران در سال ۸۰ برای پرداخت حقوق و سود بازرگانی مواد اولیه و واسطه‌ای وارداتی که در تولید کالاهای صادراتی به کار می‌رود.
- ۱۰- تصویب پرداخت ۱۵۰ میلیارد ریال از سوی صندوق ضمانت صادرات برای تأمین خسارت ناشی از افزایش ارزش پول ملی در سال ۷۹ به صادرکنندگان.
- ۱۱- تصویب آیین‌نامه حمایت از صادرات خدمات فنی و مهندسی.
- ۱۲- حذف کامل پیمان ارزی برنج.
- ۱۳- فراهم آوردن شرایط لازم برای فعالیت بازار سلف ارزی در نظام بانکی کشور (با اختصاص ۵۷۵ میلیارد ریال به صندوق ضمانت صادرات برای پرداخت خسارت ناشی از تقویت و حفظ ارزش پول ملی شرایطی فراهم شده تا بازار سلف ارزی در نظام بانکی کشور آماده فعالیت شود و صادرکنندگان هنگام صدور کالا و حمل بار به بازار هدف بتوانند ارز خود را با قراردادی که با بانک تنظیم می‌کنند به صورت سلف بفروشند).
- ۱۴- پیمان سپاری کالاهایی نظیر پتروشیمی، فلزات، .. که سهمی بیش از ۵۰ درصد در درآمدهای ارزی کشور دارند تنها در یک مرحله و در گمرکات صورت می‌پذیرد.
- ۱۵- تقویت بنیه مالی صادرکنندگان کالا و خدمات فنی و مهندسی (مقرر شد به تمامی کارفرمایان ایرانی و خارجی پروژه‌های ارزی تا سقف ۷۰ درصد تجهیز کارگاه آنها اعتبار لازم تخصیص داده شود).

- ۱۶- صادرات کلیه کالاهای کشاورزی، معدنی و صنعتی بجز ۶۸ گروه کالایی از پیمان سپاری معاف شد.
- ۱۷- پرداخت خسارت به صادرکنندگان غیرنفتی (مقرر شد تا به صادرکنندگان اقلامی مثل نخ، پارچه، لباس آماده، آب میوه، و کنسانتره، رب گوجه فرنگی، وسایل چوبی و مبلمان، قطعات یدکی و وسایل نقلیه، کیف و کفش چرمی، معادل دو برابر مابه‌التفاوت قیمت ارز در روز فروش آن به شبکه بانکی کشور تا مبلغ ۸۱۶۵ ریال حداکثر به میزان تحقق یافته صادرکنندگان خسارت پرداخت شود).
- ۱۸- معافیت کامل صادرات کالا و خدمات از مالیات و عوارض از ابتدای سال ۸۰ تأسیس صندوق‌های غیردولتی توسعه صادرات، تشویق صادرکنندگان نمونه، اعطای تسهیلات بانکی به صادرکنندگان و نیز اجرای مصوبه‌های شورای عالی صادرات در ابتدای سال (همانند معافیت بخش وسیعی از کالاها از پیمان سپاری)، یک مرحله‌ای شدن فرآیند صادرات و جبران عدم النفع صادرکنندگان ناشی از تقویت ارزش پول ملی.
- ۱۹- حمایت از تولید داخل (طرح افزایش سود بازرگانی ۱۵۴۵ قلم کالای وارداتی از ۸۰/۶/۱ به اجرا در آمد که این طرح در راه اندازی سیستم بازرگانی و شفاف شدن مقررات بازرگانی کشور تأثیر بسزایی دارد).
- ۲۰- تخصصی شدن نمایشگاه‌ها و تبادل بهتر و آسانتر اطلاعات، فن آوری و انتقال تکنولوژی
- ۲۱- بخشودگی تعهدات معوق ارزی صادرکنندگان، تولیدکنندگان و تجار که در نمایشگاه‌های خارج از کشور کالا عرضه کرده‌اند:
- الف) بهره‌مند کردن تعهدات معوق ارزی صادرکنندگان کالا و خدمات در سال‌های ۷۸-۱۳۷۳ از تسهیلات.
- ب) مجاز نبودن بانک‌ها و دستگاه‌های اجرایی برای ممنوع‌الصدور یا ممنوع‌الخروج کردن صادرکنندگان به علت ادا نکردن تعهدات ارزی ناشی از پیمان سپاری.
- ۲۲- طرح بسته حمایتی صادرات و کاهش سود بازرگانی کلیه کالاهای وارداتی (به‌منظور جلوگیری از گرانی کالاهای وارداتی بخصوص مواد اولیه وارداتی).

۲۳- کاهش تصدی گری دولت و اصلاح ساختار (برداشتن انحصار قند و شکر و قانون الزام رفع انحصار از بخش دخانیات).

۲۴- افزایش مدت اعتبار کارت‌های بازرگانی به ۵ سال.

۲۵- اختصاص یک هزار میلیارد ریال جهت توسعه صادرات کالاهای غیر نفتی در کشور برای اولین بار.

۲۶- پیش‌بینی مبلغ ۳۱ هزار میلیارد ریال (برای ما به التفاوت نرخ ارز ۱۷۵ تومانی با شناور) به منظور جلوگیری از تبعات یکسان سازی نرخ ارز در سال آینده (۱۳۸۱).

۳-۶) مشکلات و موانع عمده بخش بازرگانی خارجی در برنامه سوم توسعه:

با توجه به عملکرد و تحلیلی که در زمینه اجرای برنامه صورت پذیرفت می‌توان مهم‌ترین موانع بر سر راه اجرای سیاست‌ها و اقدامات اتخاذ شده را به شرح زیر بیان داشت:

- عدم اجرای برخی از مهم‌ترین سیاست‌ها از جمله: تهیه و تدوین لوایح ترانزیت کالا و صدور خدمات به لحاظ مشخص نبودن متولی انجام کار
- اوج گرفتن پدیده قاچاق به دلیل عدم کنترل قوی از سوی دستگاه‌های ذیربط در مرزهای کشور، وجود موانع غیرتعرفه‌ای و یا اعمال تعرفه‌های نامناسب.
- همچنین بخش بازرگانی کشور به عنوان یک حوزه فرابخشی در حد بسیار زیادی متأثر از عوامل بیرونی است. بویژه با توجه به سیاست جهش صادراتی که مستلزم رشد مطلوب تولیدات صادراتی با ارزش افزوده بالا است باید گفت که عوامل بسیار اساسی نظیر: قوانین کار، قانون مالیات‌ها، قانون جلب سرمایه گذاری خارجی بویژه در بخش‌های تولیدی صادراتی و... بر بخش بازرگانی خارجی تأثیر گذار است.
- در شرایط کنونی تنها بخش پتروشیمی به عنوان موتور محرکه صادرات مطرح است. ضمن اینکه روند رشد این بخش به لحاظ سیاست‌های اتخاذ شده در سال‌های قبل است و ارتباطی با سیاست‌های برنامه سوم ندارد. سایر بخش‌ها بویژه صنعت و فرش همچنان دارای رکود هستند و بخش تولیدی - صادراتی طی سال اول برنامه سوم حرکت جدی نداشته است. لازم به ذکر است که عدم اجرای سیاست‌هایی نظیر

- "ارائه طرح اصلاح و نوسازی ظرفیت‌های تولیدی موجود برای اهداف صادراتی" منجر به این وضعیت شده است.
- عدم تخصیص اعتبارات مورد نیاز در بودجه سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ جهت ایجاد شبکه جامع اطلاع رسانی کشور، تجارت الکترونیکی و حمایت از صندوق ضمانت صادرات.
 - اتخاذ برخی سیاست‌ها نظیر تثبیت نرخ ارز که برخلاف سیاست‌های پیش‌بینی شده در برنامه سوم است در حالی که قرار بود نرخ مؤثر حقیقی ارز صادراتی به نحوی تنظیم گردد که به سبب تورم داخلی کاهش نیابد.
 - عدم هماهنگی بین سیاست‌های پولی، ارزی و تجاری با سیاست‌های جهش صادراتی که این مورد نیز در سیاست‌های برنامه سوم پیش‌بینی شده بود.
 - عدم بازنگری کامل در مراحل اجرایی صادرات از جمله: اصلاح سازمانی، مقررات و رویه‌های اداری از سوی کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط با امر صادرات که قرار بود تا پایان سال اول برنامه اجرا شود.
 - اولویت ندادن در برنامه‌های ملی به تحقیق و توسعه در گروه کالاهای و خدمات صادراتی دور ماندن از ترتیبات سازمان جهانی تجارت.
 - عدم بهره‌گیری از فرصت‌های استثنایی که ناشی از کند بودن مدیریت اقتصادی کشور در بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در بازار بین‌المللی بویژه آسیای میانه است.

راهکارهای اصلاحی پیشنهادی:

- تسریع در ابلاغ آیین‌نامه‌ها و تهیه لوایح مذکور در برنامه
- جلوگیری از تثبیت نرخ ارز
- تسریع در بازنگری قانون مالیات‌ها
- عقلایی کردن و تجمیع سود بازرگانی و عوارض اخذ شده از کالاهای وارداتی با هدف مبارزه با قاچاق کالا
- انجام اقدامات لازم و هماهنگی کلیه دستگاه‌های ذیربط برای مبارزه با قاچاق

سیاست‌های وزارت بازرگانی در رابطه با توسعه صادرات غیر نفتی:

وزارت بازرگانی طی سال‌های گذشته تمهیدات فراوانی را برای نیل به هدف افزایش صادرات غیر نفتی به منظور کاستن از اتکا به درآمدهای نفتی و بهبود وضعیت ارزی فراهم آورده است که تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر میزان صادرات داشته است و انتظار می‌رود با رفع موانع موجود و ایجاد تسهیلات بیشتر بتوان به اهداف مورد نظر نزدیکتر شد.

فهرست تسهیلات و اقدامات دولت برای بهبود صادرات غیر نفتی کشور:

- ۱- اصلاح مقررات بانکی مربوط به صادرات
- ۲- حذف مجوزها و کاهش ایستگاه‌ها و بوروکراسی سر راه صادرات
- ۳- معافیت صادرات کالا و خدمات از پرداخت مالیات
- ۴- حذف پیمان سپاری ارزی از ۲۷۲۶ ردیف کالایی
- ۵- پرداخت تسهیلات اعتباری با نرخ‌های ترجیحی ۴ درصد کمتر از نرخ حداقل بخش بازرگانی

- ۶- ایجاد بازار بورس و اریز نامه‌های صادراتی و اجازه خرید و فروش آن
- ۷- تخصیص ۵۰۰ میلیون دلار از مازاد درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام به منظور گارانتی اعتبارات صادراتی خرید و فروش به صندوق ضمانت صادرات
- ۸- گسترش خدمات اطلاع رسانی
- ۹- اصلاح مقررات بانکی مربوط به صادرات
- ۱۰- اتخاذ سیاست‌های تشویقی برای صادرات کالا و خدمات
- ۱۱- واگذاری حق استفاده از ۱۰۰ درصد ارز حاصل از صادرات به صادرکنندگان
- ۱۲- خارج شدن صادرات کالا و خسارت از شمول مقررات تعزیرات حکومتی
- ۱۳- ایجاد تسهیلات صدور روادید ۷۲ ساعته و چند باره برای تجار و خریداران کالاهای ایرانی

- ۱۴- معافیت صدور کالا برای عرضه در نمایشگاه‌های خارج از کشور در حد متعارف

از پیمان ارزی

- ۱۵- ممنوعیت دریافت هر گونه عوارض از صادرات کالا و خدمات

- ۱۶- اعمال تخفیفات ویژه در تعرفه‌ها و هزینه‌های بندری
- ۱۷- اجرای طرح تجارت چمدانی به کشورهای CIS و اهتمام به حل مشکلات و تنگناهای ساختاری صادرات بویژه کاهش هزینه‌های سر راه صادرات
- ۱۸- ایجاد تسهیلات بازاریابی، ایجاد برابری و توازن بین نرخ ارز صادراتی و قیمت ارز در بازار آزاد
- ۱۹- پذیرش اعتبارات اسنادی صادراتی از سوی شبکه بانکی به عنوان اسناد بها دار و قابل توثیق
- ۲۰- یک مرحله‌ای کردن امر صادرات با انتقال تشریفات پیمان سپاری از بانک‌ها به گمرکات اجرایی
- ۲۱- پرداخت خسارت به صادر کنندگان کالا در سال ۱۳۷۹ که در اثر کاهش نرخ ارز متحمل شده‌اند
- ۲۲- افزایش سرمایه صندوق ضمانت صادرات برای ضمانت کالاهای صادراتی به میزان ۲۴ برابر گذشته
- ۲۳- اختصاص بخش مانده از تسهیلات بانکی به عنوان افزایش سرمایه بانک توسعه صادرات ایران
- ۲۴- معافیت مواد اولیه بسته بندی و قطعات و لوازم یدکی از پرداخت حقوق گمرکی
- ۲۵- اجازه واردات مستقیم در مقابل صادرات به واحدهای تولیدی صادراتی
- ۲۶- تدوین نظام جدید آماری صادرات و ابلاغ آن به گمرکات و دستگاه‌های اجرایی ذیربط در راستای توسعه صادرات غیر نفتی
- ۲۷- ایجاد میزهای کالا در مرکز توسعه صادرات ایران به منظور گسترش مشارکت صادر کنندگان در فرآیند کار شناسی و تصمیم سازی امور مربوط به صادرات

ب) بررسی وضعیت بازرگانی خارجی کشور در گذشته

سهم غالب صادرات نفت در سبد صادرات کشور موجب شده که تراز تجاری کشور بدون احتساب صادرات نفت از کسری مداوم و ریشه داری برخوردار باشد. همان‌طور که

در جدول (۱) نشان داده شده در تمامی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۷۳ تراز تجاری کشور (بدون احتساب صادرات نفت) دچار کسری می‌باشد. کل واردات گمرکی کشور از ۱۱۷۹۵ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۲۲۲۷۵ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته، به طوری که در طول این سال‌ها از رشد متوسط سالانه ۸ درصد برخوردار بوده است. لازم به ذکر است که در همین سال‌ها واردات گمرکی تعدیل شده (که از کسر هزینه ثبت سفارش از کل واردات بدست می‌آید) از ۱۱۵۷۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۲۱۷۶۱ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. متوسط نرخ رشد سالانه واردات گمرکی تعدیل شده در طول این سال‌ها معادل ۷/۹ درصد بوده است. در مقابل صادرات غیر نفتی گمرکی از ۴۸۲۵ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۴۶۰۸ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته است. همان‌طور ملاحظه می‌شود روند صادرات غیر نفتی کشور در طول سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۳ کاهشی بوده که پس از آن تا سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. اما با این وجود پس از هشت سال از مقدار ابتدایی دوره مورد بررسی کمتر بوده است. کسری تراز تجاری کشور (بدون احتساب صادرات نفتی) از روند منطقی در طول سال‌های مورد بررسی برخوردار نبوده است. بالاترین کسری تراز تجاری (تفاوت صادرات غیر نفتی و واردات تعدیل شده) در سال ۱۳۸۱ معادل ۱۷۱۵۳ میلیون دلار و کمترین آن در سال ۱۳۷۳ معادل ۶۷۴۶ میلیون دلار بوده است. در ادامه بررسی واردات و صادرات غیر نفتی کشور می‌پردازیم.

واردات

واردات کشور از ۱۱۷۹۵ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۲۲۲۷۵ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. نرخ رشد متوسط سالانه واردات کشور در طول سال‌های مورد بررسی معادل ۸ درصد بوده است. واردات گمرکی تعدیل شده که از کسر هزینه حق ثبت سفارش از واردات بدست می‌آید نیز از ۱۱۵۷۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۲۱۷۶۱ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته به طوری که در طول این سال‌ها از نرخ رشد متوسط سالانه ۷/۹ درصد برخوردار بوده است. روند واردات کشور در طول سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۳ افزایشی بوده اما پس از آنکه در سال ۱۳۷۸ به کمترین میزان خود در طول

دوره مورد بررسی (۱۲۶۸۳ میلیون دلار) رسید، مجدداً تا پایان دوره مورد بررسی یعنی سال ۱۳۸۱ در حال افزایش بوده است. (جدول ۱)

جدول ۱- ارزش واردات گمرکی کشور بر اساس طبقه‌بندی بین‌المللی (میلیون دلار)

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	
۱۴۱۹.۴	۱۵۲۱.۷	۲۱۰۵.۸	۱۹۷۷.۱	۱۹۵۳.۰	۱۵۸۳.۰	۲۵۰۸.۰	۲۵۸۱.۰	۲۴۰۴.۰	۱۳۶۹.۰	۲۴۴۶.۰	مواد غذایی و حیوانات زنده
۸۵.۵	۶۶.۱	۳۲.۴	۶۱.۵	۳۷.۰	۷۷.۰	۳۵.۰	۶۰.۰	۹۶.۰	۶۰.۰	۱۷۸.۰	لبنیات و تخم مرغ
۷۸۴.۹	۸۹۸.۸	۱۴۷۱.۵	۱۳۹۰.۰	۱۳۱۹.۰	۸۷۸.۰	۱۷۰۵.۰	۱۸۸۱.۰	۱۴۴۴.۰	۶۹۳.۰	۱۳۷۶.۰	غلات و فرآورده‌های آن
۶۴.۸	۱۶۰.۵	۲۱۸.۶	۲۱۲.۶	۲۸۱.۰	۲۳۰.۰	۴۰۵.۰	۳۳۵.۰	۳۷۵.۰	۲۵۱.۰	۱۶۷.۰	شکر و فرآورده‌های آن و عسل
۲۵.۹	۲۱.۳	۴۹.۸	۷۳.۷	۶۲.۰	۳۷.۰	۳۸.۰	۲۸.۰	۴۰.۰	۵۲.۰	۱۴۷.۰	قهوه، چای، کاکائو، ادویه‌جات و سایر محصولات مشابه
۱۰۴.۳	۶۷.۶	۴۶.۸	۱۳.۸	۶.۰	۳.۰	۴.۰	۴.۰	۷.۰	۳۴.۰	۱۱۹.۰	میوه‌ها و سبزی‌ها
۳۵۴.۰	۳۰۷.۴	۲۸۶.۷	۲۲۵.۶	۲۴۸.۰	۳۵۸.۰	۳۲۱.۰	۲۷۳.۰	۴۴۲.۰	۲۷۹.۰	۴۵۹.۰	سایر
۲۸۷.۳	۱۳۸.۲	۱۸.۳	۱۶.۶	۶.۰	۹.۰	۸.۰	۱۱.۰	۲.۰	۳۶.۰	۸۰.۰	نوشابه‌ها و دخانیات
۱۰۸۱.۰	۷۴۲.۰	۶۷۵.۲	۷۰۷.۴	۶۴۸.۰	۵۹۶.۰	۶۴۷.۰	۷۷۰.۰	۶۶۰.۰	۶۴۹.۰	۵۵۱.۰	مواد خام غیر خوراکی به استثنای مواد نفتی، سوختی
۱۱۶.۰	۸۹.۵	۷۶.۲	۶۳.۴	۵۸.۰	۵۲.۰	۷۲.۰	۱۱۳.۰	۱۱۹.۰	۷۳.۰	۵۸.۰	کائوچوی خام
۲۷۳.۷	۲۱۳.۸	۲۰۹.۰	۱۹۴.۷	۲۱۹.۰	۲۰۱.۰	۲۰۰.۰	۲۲۶.۰	۲۰۴.۰	۲۰۷.۰	۲۰۰.۰	الیاف نساجی ذکر نشده
۸۱.۴	۶۰.۲	۶۵.۳	۵۸.۷	۶۸.۰	۶۴.۰	۹۷.۰	۷۳.۰	۵۶.۰	۵۵.۰	۶۴.۰	انواع کودهای خام و مواد معدنی
۶۱۰.۰	۳۷۸.۵	۳۲۴.۷	۳۹۰.۷	۳۰۳.۰	۲۷۹.۰	۲۷۸.۰	۳۵۸.۰	۲۸۱.۰	۳۱۴.۰	۲۲۹.۰	سایر
۱۳۱۸.۹	۱۰۶۷.۱	۵۷۸.۳	۳۳۰.۲	۲۱۵.۰	۱۸۶.۰	۲۶۵.۰	۳۷۷.۰	۲۲۸.۰	۳۲۴.۰	۸۳.۰	مواد معدنی، سوخت، مواد روغنی و مواد مربوط به آن
۶۷۵.۰	۴۸۸.۶	۳۸۸.۴	۴۱۶.۸	۵۱۶.۰	۶۵۴.۰	۴۳۴.۰	۶۰۲.۰	۴۹۰.۰	۳۹۲.۰	۴۳۱.۰	روغن‌های گیاهی و حیوانی
۶۶۷.۹	۴۷۷.۲	۳۸۲.۲	۴۰۸.۳	۴۹۹.۰	۶۳۳.۰	۴۲۰.۰	۵۸۰.۰	۴۵۵.۰	۳۷۶.۰	۴۱۴.۰	روغن‌های گیاهی
۷.۱	۱۱.۴	۶.۲	۸.۶	۱۷.۰	۲۱.۰	۱۴.۰	۲۲.۰	۳۵.۰	۱۶.۰	۱۷.۰	سایر
۳۳۹.۰۸	۲۵۷۹.۷	۲۲۸۳.۷	۲۰۲۷.۳	۱۸۹۴.۰	۱۷۷۴.۰	۱۸۹۰.۰	۱۹۳۱.۰	۱۷۳۳.۰	۱۳۷۶.۰	۲۰۲۳.۰	مواد شیمیایی
۸۳۴.۹	۶۴۲.۳	۵۶۱.۷	۴۶۰.۳	۴۷۰.۰	۴۵۸.۰	۴۹۴.۰	۵۷۱.۰	۴۳۰.۰	۳۰۶.۰	۴۰۵.۰	مواد و ترکیبات شیمیایی
۲۰۵.۳	۱۷۱.۳	۱۵۳.۹	۱۲۵.۱	۱۲۹.۰	۱۳۵.۰	۱۶۹.۰	۱۱۶.۰	۱۰۱.۰	۸۶.۰	۱۲۳.۰	موادی که در رنگرزی و دباغی به کار می‌رود
۶۷۳.۶	۵۴۲.۵	۵۰۱.۵	۳۹۵.۳	۳۹۳.۰	۳۲۹.۰	۳۹۳.۰	۴۴۸.۰	۴۳۱.۰	۲۷۵.۰	۲۷۶.۰	محصولات پزشکی و دارویی
۹۹۲.۰	۵۹۶.۹	۵۷۹.۲	۴۲۷.۸	۳۹۱.۰	۴۱۳.۰	۴۰۳.۰	۳۸۵.۰	۲۵۹.۰	۲۳۷.۰	۵۱۶.۰	مواد پلاستیکی، سلولز احیا شده و صمغ‌های مصنوعی

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	مواد و محصولات شیمیایی ذکر نشده
۴۵۹.۱	۴۵۱.۶	۴۱۴.۳	۴۰۷.۷	۳۶۱.۰	۳۱۶.۰	۲۶۷.۰	۲۴۲.۰	۲۹۳.۰	۳۱۳.۰	۵۰۹.۰	
۲۲۵.۹	۱۷۵.۰	۱۷۳.۱	۲۱۱.۱	۱۵۰.۰	۱۲۳.۰	۱۶۴.۰	۱۶۹.۰	۲۱۹.۰	۱۵۹.۰	۱۹۴.۰	سایر
۵۴۴۴.۶	۳۲۱۹.۹	۳۳۱۹.۰	۳۱۸۵.۴	۲۲۱۳.۰	۲۵۲۰.۰	۲۷۲۰.۰	۳۷۰۴.۰	۲۵۲۳.۰	۱۶۵۴.۰	۳۳۴۴.۰	کالاهایی که طبقه بندی آنها بر حسب ماده بکار رفته در آنها صورت گرفته است
۴۶۹.۸	۳۹۴.۵	۳۵۸.۳	۴۲۲.۰	۲۹۲.۰	۲۶۶.۰	۳۹۲.۰	۵۶۹.۰	۵۲۷.۰	۲۵۶.۰	۲۴۹.۰	کاغذ، مقوا و محصولات وابسته به آن
۳۵۴.۵	۲۵۴.۹	۲۸۹.۰	۳۰۳.۲	۲۶۶.۰	۳۱۰.۰	۳۲۴.۰	۳۰۴.۰	۲۰۶.۰	۲۲۴.۰	۳۴۳.۰	انواع نخ‌های نساجی و محصولات وابسته آن
۲۷۰.۸	۱۹۹.۸	۱۸۳.۱	۱۲۴.۳	۱۳۹.۰	۱۶۶.۰	۱۶۳.۰	۱۳۷.۰	۱۳۶.۰	۱۲۹.۰	۲۵۰.۰	کالاهای ساخته شده از مواد کانی غیر فلزی
۳۳۱۵.۳	۱۷۳۷.۸	۱۸۹۴.۸	۱۸۱۹.۵	۱۱۷۳.۰	۱۲۸۷.۰	۱۲۹۰.۰	۲۰۴۹.۰	۸۲۰.۰	۶۸۶.۰	۱۶۶۷.۰	آهن و فولاد
۱۰۳۴.۲	۶۳۲.۹	۵۹۳.۸	۵۱۶.۵	۳۴۳.۰	۴۹۱.۰	۵۵۱.۰	۶۴۵.۰	۸۴۴.۰	۳۵۹.۰	۸۳۵.۰	سایر
۱۲۰۰۴.۹	۱۰۲۲۰.۷	۷۵۶۴.۶	۵۱۷۲.۵	۴۷۸۵.۰	۶۳۴۸.۰	۵۰۴۵.۰	۴۲۰۵.۰	۳۶۵۶.۰	۵۵۲۵.۰	۱۰۰۳۶.۰	ماشین آلات و لوازم حمل و نقل
۶۳۴۶.۱	۴۹۲۸.۴	۴۰۵۰.۵	۲۹۷۶.۵	۳۰۲۱.۰	۳۵۰۱.۰	۲۶۷۲.۰	۲۳۲۵.۰	۲۲۸۵.۰	۴۰۵۴.۰	۶۹۵۷.۰	ماشین آلات غیر الکتریکی
۲۳۷۳.۵	۱۸۰۸.۴	۱۸۱۸.۵	۱۰۸۵.۰	۹۶۱.۰	۱۵۲۱.۰	۱۴۴۴.۰	۱۱۸۴.۰	۸۹۲.۰	۸۳۴.۰	۱۷۸۰.۰	ماشین آلات و دستگاه‌ها و ابزارهای الکتریکی
۳۲۸۵.۲	۳۴۸۳.۹	۱۶۹۵.۶	۱۱۱۱.۰	۸۰۳.۰	۱۳۲۶.۰	۹۲۹.۰	۶۹۶.۰	۴۷۹.۰	۶۳۷.۰	۱۲۹۹.۰	وسایل حمل و نقل
۸۹۹.۹	۷۱۶.۴	۵۳۵.۳	۴۴۶.۷	۳۰۵.۰	۵۳۸.۰	۳۸۴.۰	۳۵۳.۰	۳۰۶.۰	۴۰۳.۰	۷۶۰.۰	کالاهای ساخته شده متفرقه
۵۷۸.۶	۴۶۱.۱	۳۷۳.۷	۲۸۷.۶	۲۳۷.۰	۳۸۰.۰	۳۷۱.۰	۲۱۷.۰	۲۲۲.۰	۳۱۶.۰	۵۶۴.۰	لوازم علمی و حرفه‌ای
۲۹۰.۲	۲۳۹.۸	۱۵۵.۹	۱۵۴.۲	۶۷.۰	۱۵۵.۰	۱۰۸.۰	۱۳۰.۰	۷۵.۰	۷۹.۰	۱۶۸.۰	اشیای مصنوعی متفرقه و ذکر نشده
۳۱	۱۵	۶	۵	۱	۳	۵	۶	۹	۸	۲۸	سایر
۷۵	۱۵۸۱	۵۷	۶۷	۲۹۵	۱۱۵	۲۹۵	۵۸۳	۳۰۱	۶۷	۲۸۳	کالاهایی که بر اساس نوع طبقه بندی نشده‌اند
۲۶۵۹۷.۲	۲۲۲۷۵.۲	۱۷۶۲۶	۱۴۳۴۶.۷۵	۱۴۱۹۶	۱۴۳۲۳	۱۴۱۹۶	۱۵۱۱۷	۱۲۳۱۳	۱۱۷۹۵	۲۰۰۳۷	جمع کل
۲۶۵۹۷.۲	۲۱۷۶۱	۱۶۲۲۸	۱۳۱۸۶.۷۵	۱۳۶۳۳	۱۳۷۰۸	۱۳۶۳۳	۱۴۴۶۷	۱۲۰۸۲	۱۱۵۷۰	۱۹۳۸۱	واردات گمرکی تعدیل شده

ماخذ: آمار بازرگانی خارجی کشور

ترکیب واردات گمرکی بر اساس نوع مصرف نشان می‌دهد که در تمامی سال‌های مورد بررسی واردات مواد اولیه و کاهالای واسطه‌ای سهم غالب را به خود اختصاص

داده‌اند. سهم این گونه کالاها از کل واردات گمرکی تعدیل شده در سال ۱۳۷۳ معادل ۶۴/۷ درصد بوده که در سال ۱۳۸۱ به ۴۴/۹ درصد کاهش یافته است. (جدول ۲)

جدول ۲- ترکیب واردات گمرکی بر اساس نوع مصرف (درصد)

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	
۴۵/۸	۴۴/۹	۵۰/۷	۵۶/۱	۵۲/۰	۴۶/۰	۵۵/۲	۶۳/۰	۷۰/۶	۶۴/۷	مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای
۴۰/۸	۳۸/۶	۴۳/۸	۴۸/۷	۴۵/۶	۳۹/۲	۴۸/۰	۵۳/۸			صنعت و معدن
۱/۴	۱/۴	۲/۰	۲/۱	۲/۵	۲/۰	۲/۱	۱/۹			نساجی
۱۴/۸	۱۰/۳	۱۱/۴	۱۱/۵	۱۱/۷	۱۰/۸	۱۱/۱	۱۱/۱			شیمیایی
۰/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰			پوست و چرم
۳/۴	۲/۳	۱/۷	۱/۶	۱/۱	۱/۰	۱/۵	۲/۴			ذوب فلزات
۴/۴	۵/۱	۱۰/۴	۱۱/۴	۱۳/۰	۹/۹	۱۴/۰	۱۳/۸			غذایی
۱۶/۷	۱۹/۵	۱۸/۳	۲۲/۱	۱۷/۴	۱۵/۵	۱۹/۲	۲۴/۵			سایر
۲/۸	۲/۵	۳/۱	۳/۳	۳/۴	۴/۲	۳/۴	۴/۶			ساختمان
۰/۹	۰/۸	۱/۲	۱/۶	۱/۵	۱/۰	۱/۴	۱/۲			کشاورزی
۱/۳	۳/۰	۲/۶	۲/۵	۱/۵	۱/۷	۲/۴	۳/۴			خدمات
۴۲/۲	۴۴/۴	۴۳/۹	۳۶/۷	۳۷/۷	۴۳/۸	۳۴/۲	۲۶/۳	۱۵/۴	۲۳/۹	کالاهای سرمایه‌ای
۱۲/۰	۱۳/۱	۱۴/۰	۱۶/۰	۱۶/۳	۱۴/۷	۱۴/۷	۱۵/۲	۱۵/۴	۱۲/۸	کالاهای مصرفی
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۵	۰/۵	کالاهایی که طبقه بندی نشده‌اند
۱۰۰	۱۰۲	۱۰۹	۱۰۹	۱۰۶	۱۰۴	۱۰۴/۱	۱۰۴/۵	۱۰۱/۹	۱۰۱/۹	جمع کل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰	۱۰۰	واردات گمرکی تعدیل شده

ماخذ: آمار بازرگانی خارجی کشور

در این میان سهم واردات کالاهای زیر گروه صنعت و معدن در مقایسه با سایر زیر گروه‌های مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای بیشتر بوده است. اما کاهش سهم واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای در طول دوره مورد بررسی با افزایش سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای همراه بوده است به طوری که سهم واردات این گونه کالاها از ۲۳/۹ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۴۴/۴ درصد در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. در عین حال سهم کالاهای مصرفی از واردات تعدیل شده گمرکی در طول دوره مورد بررسی تغییر چندانی نداشته است به طوری که از ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۷۳ با اندکی افزایش به ۱۳/۱ درصد در سال

۱۳۸۱ افزایش یافته است. متوسط نرخ رشد سالانه واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای در طول سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۸۱ معادل ۳/۳ درصد بوده در حالی که متوسط نرخ رشد واردات کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی در طول این سال‌ها به ترتیب معادل ۱۵/۶ درصد و ۸/۲ درصد بوده است (جدول ۳).

جدول ۳- رشد واردات گمرکی براساس نوع مصرف (درصد)

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	
۲۴/۸	۱۸/۷	۱۱/۲	۱۸/۹	-۱/۳	-۱۶/۱	-۱۷/۵	۶/۹	۱۳/۹	مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای
۲۹/۴	۱۸/۱	۱۰/۷	۱۷/۵	۱/۷	-۱۷/۹	-۱۵/۹	-	-	صنعت و معدن
۲۹/۱	-۷/۴	۱۳/۰	-۵/۴	۸/۴	-۵/۵	۵/۸	-	-	نساجی
۷۴/۷	۲۱/۸	۲۲/۲	۸/۳	-۵/۶	-۲/۳	-۵/۷	-	-	شیمیایی
۴۵۵/۶	-۱۴/۵	۲۲/۷	-۳۳/۳	۲۰/۰	۰/۰	۰/۰	-	-	پوست و چرم
۸۵/۵	۷۷/۸	۳۵/۹	۵۷/۳	-۶/۵	-۳۲/۲	-۴۱/۸	-	-	ذوب فلزات
۷/۱	-۳۵/۱	۱۲/۸	-۳/۵	۱۴/۹	-۲۹/۲	-۴/۵	-	-	غذایی
۴/۲	۴۳/۴	۱/۶	۴۰/۴	-۲/۰	-۱۸/۹	-۲۶/۱	-	-	سایر
۴۰/۸	۶/۵	۱۴/۸	۸/۹	-۲۹/۶	۲۳/۱	-۳۰/۴	-	-	ساختمان
۲۷/۷	-۴/۶	-۹/۶	۲۱/۴	۲۷/۵	-۲۵/۸	۳/۹	-	-	کشاورزی
-۴۸/۴	۵۲/۷	۲۹/۲	۷۹/۹	-۲۰/۱	-۳۱/۰	-۳۲/۲	-	-	خدمات
۱۶/۱	۳۵/۶	۴۷/۴	۷/۲	-۲۴/۹	۸/۲/۸	۲۲/۴	۱۰۴/۷	-۳۲/۹	کالاهای سرمایه‌ای
۱۲/۱	۲۵/۲	۷/۵	۸/۴	-۳/۱	۰/۲	-۸/۵	۱۷/۷	۲۶/۳	کالاهای مصرفی
-	-	-	-	-	-	-	-	-	کالاهایی که طبقه بندی نشده‌اند
۱۹/۴	۲۶/۴	۲۲/۹	۱۳/۱	-۱۱/۵	۰/۹	-۶/۱	۲۲/۸	۴/۴	جمع کل
۲۲/۲	۳۴/۱	۲۳/۱	۱۰/۱	-۱۲/۷	۰/۶	-۵/۸	۱۹/۷	۴/۴	واردات گمرکی تعدیل شده

ماخذ: آمار بازرگانی خارجی کشور

همان‌طور که ملاحظه می‌شود متوسط نرخ رشد سالانه واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای از متوسط نرخ رشد سالانه واردات تعدیل شده (۷/۹ درصد) کمتر بوده، در حالی که متوسط نرخ رشد سالانه واردات کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی از متوسط نرخ رشد سالانه تعدیل شده بیشتر بوده‌اند. بررسی روند واردات کالا بر اساس طبقه‌بندی بین‌المللی کالا نشان می‌دهد که واردات مواد غذایی و حیوانات زنده از ۱۳۶۹ میلیون دلار

در سال ۱۳۷۳ با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۱/۳ درصد به ۱۵۲۲ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. (جدول ۴).

جدول ۴- توزیع واردات گمرکی کشور بر اساس طبقه‌بندی بین‌المللی (میلیون دلار)

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	
۵/۳	۷/۰	۱۳/۰	۱۵/۰	۱۶/۳	۱۱/۵	۱۸/۴	۱۷/۸	۱۹/۹	۱۱/۸	۱۲/۶	مواد غذایی و حیوانات زنده
۰/۳	۰/۳	۰/۲	۰/۵	۰/۳	۰/۶	۰/۳	۰/۴	۰/۸	۰/۵	۰/۹	لبنیات و تخم مرغ
۳/۰	۴/۱	۹/۱	۱۰/۵	۱۱/۰	۶/۴	۱۲/۵	۱۳/۰	۱۲/۰	۶/۰	۷/۱	غلات و فرآورده‌های آن
۰/۲	۰/۷	۱/۳	۱/۶	۲/۳	۱/۷	۳/۰	۲/۳	۳/۱	۲/۲	۰/۹	شکر و فرآورده‌های آن و عسل
۰/۱	۰/۱	۰/۳	۰/۶	۰/۵	۰/۳	۰/۳	۰/۲	۰/۳	۰/۴	۰/۸	قهوه، چای، کاکائو، ادویه جات و سایر محصولات مشابه
۰/۴	۰/۳	۰/۳	۰/۱	۰/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۱	۰/۳	۰/۶	میوه‌ها و سبزیها
۱/۳	۱/۴	۱/۸	۱/۷	۲/۱	۲/۶	۲/۴	۱/۹	۳/۷	۲/۴	۲/۴	سایر
۱/۱	۰/۶	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۰	۰/۳	۰/۴	نوشابه‌ها و دخانیات
۴/۱	۳/۴	۴/۲	۵/۴	۵/۴	۴/۳	۴/۷	۵/۳	۵/۵	۵/۶	۲/۸	مواد خام غیر خوراکی به استثنای مواد نفتی، سوختی
۰/۴	۰/۴	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۴	۰/۵	۰/۸	۱/۰	۰/۶	۰/۳	کائوچوی خام
۱/۰	۱/۰	۱/۳	۱/۵	۱/۸	۱/۵	۱/۵	۱/۶	۱/۷	۱/۸	۱/۰	الیاف نساجی ذکر نشده
۰/۳	۰/۳	۰/۴	۰/۴	۰/۶	۰/۵	۰/۷	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۳	انواع کودهای خام و مواد معدنی
۲/۳	۱/۷	۲/۰	۳/۰	۲/۵	۲/۰	۲/۰	۲/۵	۲/۳	۲/۷	۱/۲	سایر
۵/۰	۴/۹	۳/۶	۲/۵	۱/۸	۱/۴	۱/۹	۲/۶	۱/۹	۲/۸	۰/۴	مواد معدنی، سوخت، مواد روغنی و مواد مربوط به آن
۲/۵	۲/۲	۲/۴	۳/۲	۴/۳	۴/۸	۳/۲	۴/۲	۴/۱	۳/۴	۲/۲	روغن‌های گیاهی و حیوانی
۲/۵	۲/۲	۲/۴	۳/۱	۴/۲	۴/۶	۳/۱	۴/۰	۳/۸	۳/۲	۲/۱	روغن‌های گیاهی
۰/۰	۰/۱	۰/۰	۰/۱	۰/۱	۰/۲	۰/۱	۰/۲	۰/۳	۰/۱	۰/۱	سایر
۱۲/۷	۱۱/۹	۱۴/۷	۱۵/۴	۱۵/۸	۱۲/۹	۱۳/۹	۱۳/۳	۱۴/۳	۱۱/۹	۱۰/۴	مواد شیمیایی
۳/۱	۳/۰	۳/۵	۳/۵	۳/۹	۳/۳	۳/۶	۳/۹	۳/۶	۲/۶	۲/۱	مواد و ترکیبات شیمیایی
۰/۸	۰/۸	۰/۹	۰/۹	۱/۱	۱/۰	۱/۲	۰/۸	۰/۸	۰/۷	۰/۶	موادی که در رنگرزی و دباغی به کار می‌رود
۲/۵	۲/۵	۳/۱	۳/۰	۳/۳	۲/۴	۲/۹	۳/۱	۳/۶	۲/۴	۱/۴	محصولات پزشکی و دارویی

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	
۳/۷	۲/۷	۳/۶	۳/۲	۳/۳	۳/۰	۳/۰	۲/۷	۲/۱	۲/۰	۲/۷	مواد پلاستیکی، سلولز احیا شده وصمغ های مصنوعی
۱/۷	۱/۲	۲/۶	۳/۱	۳/۰	۲/۳	۲/۰	۱/۷	۲/۴	۲/۷	۲/۶	مواد و محصولات شیمیایی ذکر نشده
۰/۸	۰/۸	۱/۱	۱/۶	۱/۳	۰/۹	۱/۲	۱/۲	۱/۸	۱/۴	۱/۰	سایر
۲۰/۵	۱۴/۸	۲۰/۵	۲۴/۲	۱۸/۵	۱۸/۴	۲۰/۰	۲۵/۶	۲۱/۰	۱۴/۳	۱۷/۳	کالاهایی که طبقه بندی آنها بر حسب ماده بکار رفته در آنها صورت گرفته است
۱/۸	۱/۸	۲/۲	۳/۲	۲/۴	۱/۹	۲/۹	۳/۹	۴/۴	۲/۲	۱/۳	کاغذ، مقوا و محصولات وابسته به آن
۱/۳	۱/۲	۱/۸	۲/۳	۲/۲	۲/۳	۲/۴	۲/۱	۱/۷	۱/۹	۱/۸	انواع نخ های نساجی و محصولات وابسته آن
۱/۰	۰/۹	۱/۱	۰/۹	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۰/۹	۱/۱	۱/۱	۱/۳	کالاهای ساخته شده از مواد کانی غیر فلزی
۱۲/۵	۸/۰	۱۱/۷	۱۳/۸	۹/۸	۹/۴	۹/۵	۱۴/۲	۶/۸	۵/۹	۸/۶	آهن و فولاد
۳/۹	۲/۹	۳/۷	۳/۹	۲/۹	۳/۶	۴/۰	۴/۵	۷/۰	۳/۱	۳/۴	سایر
۴۵/۱	۴۷/۰	۴۶/۶	۳۹/۲	۴۰/۰	۴۶/۳	۳۷/۰	۲۹/۱	۳۰/۳	۴۷/۸	۵۱/۸	ماشین آلات و لوازم حمل و نقل
۲۳/۹	۲۲/۶	۲۵/۰	۲۲/۶	۲۵/۲	۲۵/۵	۱۹/۶	۱۶/۱	۱۸/۹	۳۵/۰	۳۵/۹	ماشین آلات غیر الکتریکی
۸/۹	۸/۳	۱۱/۲	۸/۲	۸/۰	۱۱/۱	۱۰/۶	۸/۲	۷/۴	۷/۲	۹/۲	ماشین آلات و دستگاه ها و ابزارهای الکتریکی
۱۲/۴	۱۶/۰	۱۰/۴	۸/۴	۶/۷	۹/۷	۶/۸	۴/۸	۴/۰	۵/۵	۶/۷	وسایل حمل و نقل
۳/۴	۳/۳	۳/۳	۳/۴	۲/۵	۳/۹	۲/۸	۲/۴	۲/۵	۳/۵	۳/۹	کالاهای ساخته شده متفرقه
۲/۲	۲/۱	۲/۳	۲/۲	۲/۰	۲/۸	۲/۰	۱/۵	۱/۸	۲/۷	۲/۹	لوازم علمی و حرفه ای
۱/۱	۱/۱	۱/۰	۱/۲	۰/۶	۱/۱	۰/۸	۰/۹	۰/۶	۰/۷	۰/۹	اشیای مصنوعی متفرقه و ذکر نشده
۰/۱	۰/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۱	۰/۱	۰/۱	سایر
۰	۷	۰	۱	۱	۱	۲	۴	۲/۴۹	۰/۵۸	۱/۴۶	کالاهایی که بر اساس نوع طبقه بندی نشده اند
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	واردات گمرکی تعدیل شده

ماخذ: آمار بازرگانی خارجی کشور

واردات نوشابه ها و دخانیات نیز از ۳۶ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۱۳۸ میلیون دلار در ۱۳۸۱ افزایش یافته اما با این وجود در سال های میانی دوره مورد بررسی به شدت کاهش

یافته (۲ میلیون دلار در سال ۱۳۷۴) در عین حال افزایش ناگهانی واردات این گونه کالاها در سال ۱۳۸۱ موجب گشت که متوسط نرخ رشد سالانه واردات نوشابه‌ها و دخانیات طول دوره مورد بررسی به ۱۶/۸ درصد بالغ گردد. واردات مواد خام غیر خوراکی (به استثنای مواد نفتی و سوختی) با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۱۴/۹ درصد از ۳۲۴ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۱۰۶۷ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. به طوری که در طول این سال‌ها از متوسط نرخ رشد سالانه‌ای معادل ۷/۸ درصد برخوردار بوده است. واردات کالاهایی که طبقه‌بندی آنها بر حسب ماده به کار رفته در آنها صورت گرفته از ۱۶۵۴ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۳۲۲۰ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. متوسط نرخ رشد سالانه واردات این گونه کالاها در طول دوره مورد بررسی معادل ۸/۳ درصد بوده است. واردات ماشین آلات و لوازم حمل و نقل از ۵۵۲۵ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۱۰۲۲۱ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است، متوسط نرخ رشد سالانه واردات مواد غذایی و حیوانات زنده، (۱/۳ درصد) مواد خام غیر خوراکی (۱/۷ درصد)، مواد شیمیایی (۷/۸ درصد)، ماشین آلات و لوازم حمل و نقل (۷/۷ درصد) و کالاهای ساخته شده متفرقه (۷/۲ درصد) از متوسط نرخ رشد واردات تعدیل شده (۷/۹ درصد) کمتر و در مقابل متوسط نرخ رشد سالانه نوشابه‌ها و دخانیات (۱۶/۸ درصد)، مواد معدنی، مواد روغنی و مواد مربوط به آن (۱۴/۹ درصد)، کالاهایی که طبقه‌بندی آنها بر اساس مواد به کار رفته در آنها صورت گرفته (۸/۳ درصد) از متوسط نرخ رشد سالانه واردات تعدیل یافته بیشتر بوده است. (جدول ۵).

جدول ۵- رشد واردات گمرکی کشور بر اساس طبقه‌بندی (درصد)

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	
-۶/۷	-۲۷/۷	۶/۵	۱/۲	۲۳/۴	-۳۶/۹	-۲/۸	۷/۴	۷۵/۶	-۴۴/۰	مواد غذایی و حیوانات زنده
۲۹/۲	۱۰۴/۱	-۴۷/۳	۶۶/۲	-۵۱/۹	۱۲۰/۰	-۴۱/۷	-۳۷/۵	۶۰/۰	-۶۶/۳	لبنیات و تخم مرغ
-۱۲/۷	-۳۸/۹	۵/۹	۵/۴	۵۰/۲	-۴۸/۵	-۹/۴	۳۰/۳	۱۰۸/۴	-۴۹/۶	غلات و فرآورده‌های آن
-۵۹/۷	-۲۶/۶	۲/۸	-۲۴/۳	۲۲/۲	-۴۳/۲	۲۰/۹	-۱۰/۷	۴۹/۴	۵۰/۳	شکر و فرآورده‌های آن و عسل
۲۱/۷	-۵۷/۲	-۳۲/۴	۱۸/۹	۶۷/۶	-۲/۶	۳۵/۷	-۳۰/۰	-۲۳/۱	-۶۴/۶	قهوه، چای، کاکائو، ادویه جات و سایر محصولات مشابه
۵۴/۳	۴۴/۴	۲۳۹/۶	۱۲۹/۷	۱۰۰/۰	-۲۵/۰	۰/۰	-۴۲/۹	-۷۹/۴	-۷۱/۴	میوه‌ها و سبزی‌ها
۱۵/۲	۷/۲	۲۷/۱	-۹/۰	-۳۰/۷	۱۱/۵	۱۷/۶	-۳۸/۲	۵۸/۴	-۳۹/۲	سایر
۱۰۷/۸	۶۵۵/۴	۱۰/۲	۱۷۶/۷	-۳۳/۳	۱۲/۵	-۲۷/۳	۴۵۰/۰	-۹۴/۴	-۵۵/۰	نوشابه‌ها و دخانیات

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	مواد خام غیر خوراکی به استثنای مواد نفتی، سوختی
۴۵/۷	۹/۹	-۴/۶	۹/۲	۸/۷	-۷/۹	-۱۶/۰	۱۶/۷	۱/۷	۱۷/۸	
۲۹/۷	۱۷/۴	۲۰/۲	۹/۳	۱۱/۵	-۲۷/۸	-۳۶/۳	-۵/۰	۶۳/۰	۲۵/۹	کائوچوی خام
۲۸/۰	۲/۳	۷/۴	-۱۱/۱	۹/۰	۰/۵	-۱۱/۵	۱۰/۸	-۱/۴	۳/۵	الیاف نساجی ذکر نشده
۳۵/۲	-۷/۸	۱۱/۳	-۱۳/۷	۶/۳	-۳۴/۰	۳۲/۹	۳۰/۴	۱/۸	-۱۴/۱	انواع کودهای خام و مواد معدنی
۶۱/۱	۱۶/۶	-۱۶/۹	۲۸/۹	۸/۶	۰/۴	-۲۲/۳	۲۷/۴	-۱۰/۵	۳۷/۱	سایر
۲۳/۶	۸۴/۵	۷۵/۱	۵۳/۶	۱۵/۶	-۲۹/۸	-۲۹/۷	۶۵/۴	-۲۹/۶	۲۹۰/۴	مواد معدنی، سوخت، مواد روغنی و مواد مربوط به آن
۳۸/۲	۲۵/۸	-۶/۸	-۱۹/۲	-۲۱/۱	۵۰/۷	-۲۷/۹	۲۲/۹	۲۵/۰	-۹/۰	روغن های گیاهی و حیوانی
۴۰/۰	۲۴/۸	-۶/۴	-۱۸/۲	-۲۱/۲	۵۰/۷	-۲۷/۶	۲۷/۵	۲۱/۰	-۹/۲	روغن های گیاهی
-۳۸/۰	۸۴/۰	-۲۷/۶	-۴۹/۶	-۱۹/۰	۵۰/۰	-۳۶/۴	-۳۷/۱	۱۱۸/۸	-۵/۹	سایر
۳۱/۴	۸/۲	۱۷/۶	۷/۰	۶/۸	-۶/۱	-۲/۱	۱۱/۴	۲۵/۹	-۳۲/۰	مواد شیمیایی
۳۰/۰	۱۴/۴	۲۲/۰	-۲/۱	۲/۶	-۷/۳	-۱۳/۵	۳۲/۸	۴۰/۵	-۲۴/۴	مواد ترکیبات شیمیایی
۱۹/۹	۱۱/۳	۲۳/۰	-۳/۰	-۴/۴	-۲۰/۱	۴۵/۷	۱۴/۹	۱۷/۴	-۳۰/۱	موادی که در رنگرزی و دباغی به کار می رود
۲۴/۲	۸/۲	۲۶/۹	۰/۶	۱۹/۵	۱۶/۳	۱۲/۳	۳/۹	۵۶/۷	-۰/۴	محصولات پزشکی و دارویی
۶۶/۲	۳/۱	۳۵/۴	۹/۴	-۵/۳	۲/۵	۴/۷	۴۸/۶	۹/۳	-۵۴/۱	مواد پلاستیکی، سلولز احیا شده و صنغ های مصنوعی
۱/۷	۹/۰	۱/۶	۱۲/۹	۱۴/۲	۱۸/۴	۱۰/۳	-۱۷/۴	-۶/۴	-۳۸/۵	مواد و محصولات شیمیایی ذکر نشده
۲۹/۰	۱/۱	-۱۸/۰	۴۰/۷	۲۲/۰	-۲۵/۰	-۳/۰	-۲۲/۸	۳۷/۷	-۱۸/۰	سایر
۶۹/۱	-۳/۰	۴/۲	۴۳/۹	-۱۲/۲	-۷/۴	-۲۶/۶	۴۶/۲	۵۳/۱	-۵۰/۵	کالاهایی که طبقه بندی آنها بر حسب ماده بکار رفته در آنها صورت گرفته است
۱۹/۱	۱۰/۱	-۱۵/۱	۴۴/۵	۹/۸	-۳۲/۱	-۳۱/۱	۸/۰	۱۰۵/۹	۲/۸	کاغذ، مقوا و محصولات وابسته به آن
۳۹/۱	-۱۱/۸	-۴/۷	۱۴/۰	-۱۴/۲	-۴/۳	۶/۶	۴۷/۶	-۸/۰	-۳۴/۷	انواع نخ های نساجی و محصولات وابسته آن
۳۵/۶	۹/۱	۴۷/۳	-۱۰/۶	-۱۶/۳	۱/۸	۱۹/۰	۰/۷	۵/۴	-۴۸/۴	کالاهای ساخته شده از مواد کانی غیر فلزی
۹۰/۸	-۸/۳	۴/۱	۵۵/۱	-۸/۹	-۰/۲	-۳۷/۰	۱۴۹/۹	۱۹/۵	-۵۸/۸	آهن و فولاد
۶۳/۴	۶/۶	۱۵/۰	۵۰/۶	-۳۰/۱	-۱۰/۹	-۱۴/۶	-۲۳/۶	۱۳۵/۱	-۵۷/۰	سایر
۱۷/۵	۳۵/۱	۴۶/۲	۸/۱	-۲۴/۶	۲۵/۸	۲۰/۰	۱۵/۰	-۳۳/۸	-۴۴/۹	ماشین آلات و لوازم حمل و نقل
۲۸/۸	۲۱/۷	۳۶/۱	-۱/۵	-۱۳/۷	۳۱/۰	۱۴/۹	۱/۸	-۴۳/۶	-۴۱/۷	ماشین آلات غیر الکتریکی
۳۱/۲	-۰/۶	۶۷/۶	۱۲/۹	-۳۶/۸	۵/۳	۲۲/۰	۳۲/۷	۷/۰	-۵۳/۱	ماشین آلات و دستگاه ها و ابزارهای الکتریکی
-۵/۷	۱۰۵/۵	۵۲/۶	۳۸/۴	-۳۹/۴	۴۲/۷	۳۳/۵	۴۵/۳	-۲۴/۸	-۵۱/۰	وسایل حمل و نقل
۲۵/۶	۲۳/۸	۱۹/۸	۴۶/۴	-۴۳/۳	۴۰/۱	۸/۸	۱۵/۴	-۲۴/۱	-۴۷/۰	کالاهای ساخته شده متفرقه
۲۵/۵	۲۳/۴	۳۰/۰	۲۱/۳	-۳۷/۶	۴۰/۲	۲۴/۹	-۲/۳	-۲۹/۷	-۴۴/۰	لوازم علمی و حرفه ای
۲۱/۰	۵۳/۸	۱/۱	۱۳۰/۲	-۵۶/۸	۴۳/۵	-۱۶/۹	۷۳/۳	-۵/۱	-۵۳/۰	اشیاء مصنوعی متفرقه و ذکر نشده
۱۰۰/۸	۱۷۰/۹	۱۷/۳	۳۸۵/۸	-۶۶/۷	-۴۰/۰	-۱۶/۷	-۳۳/۳	۱۲/۵	-۷۱/۴	سایر
-۹۵	۲۶۵۴	-۱۴	-۵۵	۲۹	-۶۱	-۴۹	۹۴	۳۴۹/۲۵	-۷۶/۳۳	کالاهایی که بر اساس نوع طبقه بندی نشده اند
۲۲	۳۴	۲۳	۱۰	-۱۳	۱	-۶	۲۰	۴/۴۳	-۴۰/۳۰	واردات گمرکی تعدیل شده

ماخذ: آمار بازرگانی خارجی کشور

جدول (۶) توزیع جغرافیایی مبداء واردات گمرکی به کشور بر حسب قاره‌ها را نشان می‌دهند و همان‌طور که ملاحظه می‌شود قاره اروپا تأمین‌کننده عمده کالاهای وارداتی به کشور در طول سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۷۳ بوده است. سهم واردات از قاره اروپا از ۵۷ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۵۸/۷ درصد در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. پس از آن کشورهای آسیایی دومین تأمین‌کننده کالاهای وارداتی کشور در طول سال‌های مورد بررسی بوده‌اند. سهم واردات از این کشور از ۳۱/۲ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۳۵ درصد در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است.

جدول ۶ - توزیع جغرافیایی مبداء واردات گمرکی به کشور بر حسب قاره‌ها

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	
۳۵۳۶	۲۱۵۲	۱۶۳۳	۱۱۵۴	۷۶۹	۷۵۹	۵۶۲	۴۷۳	۴۴۱	۶۴۷	امارات متحده عربی
۳۰۴۲	۳۷۷۷	۱۸۰۷	۱۵۰۴	۱۳۸۲	۱۶۶۰	۱۸۵۴	۲۱۰۰	۱۷۷۷	۲۲۰۹	آلمان
۲۲۶۲	۱۳۱۸	۱۱۰۹	۶۱۷	۶۸۵	۵۵۶	۶۷۵	۴۳۷	۴۹۸	۴۷۹	فرانسه
۱۶۷۷	۱۳۸۹	۹۹۶	۸۵۶	۹۰۱	۱۱۸۸	۷۹۶	۶۷۵	۵۳۵	۱۰۰۸	ایتالیا
۱۵۴۱	۱۰۴۶	۸۸۷	۵۶۵	۶۱۳	۶۵۵	۳۹۵	۲۴۲	۲۳۲	۱۴۷	چین
۱۳۱۵	۸۹۴	۹۵۸	۷۳۷	۷۰۸	۶۸۷	۵۵۲	۴۴۵	۳۴۲	۳۲۰	جمهوری کره
۱۰۹۸	۸۷۴	۹۱۴	۹۲۰	۵۳۲	۵۴۹	۷۰۴	۶۴۴	۳۷۲	۲۶۸	روسیه
۹۹۷	۷۱۴	۷۸۷	۶۸۴	۵۹۰	۱۰۰۵	۸۸۲	۸۴۴	۸۸۶	۸۹۴	ژاپن
۸۸۸	۷۶۹	۶۶۶	۵۱۰	۴۳۹	۵۷۴	۶۸۱	۶۸۵	۵۰۵	۵۴۴	انگلستان
۸۸۳	۷۱۷	۵۶۱	۲۵۴	۱۹۹	۲۰۴	۲۳۰	۲۳۱	۲۲۲	۲۱۴	هند
۸۶۶	۱۹۸۹	۴۳۵	۳۲۷	۳۳۶	۳۲۶	۵۳۱	۸۱۲	۵۰۹	۲۱۲	سوئیس
۸۳۳	۸۴۳	۸۹۶	۵۳۸	۶۸۱	۴۷۲	۲۹۴	۳۴۹	۲۲۷	۱۷۶	برزیل
۶۷۴	۳۵۰	۳۷۷	۳۱۰	۱۲۰	۱۴۸	۱۸۹	۱۲۵	۸۷	۷۰	سوئد
۵۱۸	۳۶۹	۲۹۱	۲۳۳	۲۲۸	۲۷۲	۲۸۹	۲۸۴	۲۴۰	۲۷۴	ترکیه
۵۱۷	۳۹۶	۴۴۰	۴۲۶	۵۹۷	۸۹۹	۴۵۷	۹۲۶	۶۶۳	۶۴۹	بلژیک
۴۴۳	۳۲۱	۱۵۹	۱۵۵	۱۰۰	۱۰۶	۵۸	۸۱	۰	۰	سنگاپور
۴۲۰	۳۰۸	۳۴۶	۲۷۰	۲۱۳	۳۶۲	۲۹۶	۲۶۸	۲۸۱	۲۶۳	هلند
۳۴۵	۳۳۵	۲۲۲	۷۵	۴۷	۶۸	۵۷	۰	۰	۰	عربستان سعودی
۳۴۵	۲۵۲	۲۳۹	۲۷۷	۳۰۴	۲۶۷	۲۶۵	۱۷۲	۱۸۹	۲۲۸	اتریش
۳۴۰	۳۰۰	۳۰۸	۳۴۳	۳۴۱	۴۱۰	۲۶۳	۲۵۲	۱۵۴	۱۳۶	اسپانیا

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	
۳۳۳	۱۹۵	۱۱۱	۱۱۰	۸۷	۱۳۸			۰	۰	اکراین
۲۸۵	۲۶۲	۲۷۰	۳۴۵	۱۳۲	۸۷	۱۰۰	۱۱۲	۰	۰	قزاقستان
	۱۹۵	۱۸۹	۱۲۲	۱۰۰	۹۶	۹۸	۰	۰	۰	مالزی
۲۵۲	۱۷۹	۲۹۱	۱۳۲	۱۱۱	۱۳۹	۰	۰	۰	۰	تایوان
۲۳۱	۱۲۳	۱۰۸	۲۲۸	۲۱۴	۱۶۲	۰	۰	۰	۰	تایلند
۲۶۸۶	۲۲۰۸	۲۶۲۸	۲۶۵۶	۲۲۵۴	۲۵۳۴	۳۹۶۸	۴۹۶۰	۴۱۵۳	۳۰۵۷	سایر
۲۶۵۹۸	۲۲۲۷۵	۱۷۶۲۶	۱۴۳۴۷	۱۲۶۸۳	۱۴۳۲۳	۱۴۱۹۶	۱۵۱۱۷	۱۲۳۱۳	۱۱۷۹۵	جمع کل
۲۶۵۹۸	۲۱۷۶۱	۱۶۲۲۸	۱۳۱۸۷	۱۱۹۷۲	۱۳۷۰۸	۱۳۶۳۳	۱۴۴۶۷	۱۲۰۸۲	۱۱۵۷۰	واردات گمرکی تعدیل شده

مأخذ: آمار بازرگانی خارجی کشور

صادرات غیر نفتی

مقایسه حجم صادرات غیر نفتی در سال ابتدایی دوره مورد بررسی و در سال انتهایی آن نشان می‌دهد که پس از گذشت هشت سال حجم صادرات غیر نفتی به سطح اولیه خود نرسیده که خود از نوسان زیاد این بخش از صادرات کشور حمایت می‌کند. وجود درآمدهای سرشار نفتی در سال‌های گذشته شرایطی را پدید آورده که نیازهای ارزی کشور بیشتر از این منبع تأمین شده است. ترکیب صادرات غیر نفتی بر اساس نوع مصرف آن نشان می‌دهد که صادرات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۵/۴ درصد از ۱۳۴۲ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۲۰۵۹ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. همان‌طور که در جدول (۷) نشان داده شده است سهم عمده‌ای از صادرات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای به کالاهای زیر بخش صنعت و معدن تعلق دارد. صادرات کالاهای سرمایه‌ای نیز از ۷۳ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۱۷۸ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. متوسط رشد سالانه صادرات این گروه از کالاها معادل ۱۱/۲ درصد بوده است. هم‌زمان با افزایش صادرات کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای، صادرات کالاهای مصرفی از ۳۳۹۸ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۲۳۷۱ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته است.

جدول ۷- ترکیب صادرات گمرکی براساس نوع مصرف (میلیون دلار)

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	
۲۵۶۳/۳	۲۰۵۹/۲	۱۷۹۴/۰	۱۶۲۳/۳	۱۳۹۶/۳	۱۲۱۱/۴	۱۱۹۴/۱	۱۱۱۲/۸	۱۰۳۳/۳	۱۳۴۱/۵	مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای
۲۳۱۴/۵	۱۸۷۹/۴	۱۶۲۱/۶	۱۴۱۰/۸	۱۰۶۴/۶	۹۵۸/۴	۱۰۸۰/۶	۸۹۰/۹	۹۵۷/۷	۱۲۰۸/۱	صنعت و معدن
۳۵/۲	۲۷/۶	۱۷/۴	۳۰/۶	۱۱/۷	۷/۷	۲۲/۸	۳۸/۳	۲۴/۶	۵۳/۹	نساجی
۱۱۹۳/۱	۹۰۳/۵	۸۰۶/۳	۶۳۲/۱	۴۱۴/۰	۴۷۷/۷	۴۵۱/۹	۴۰۱/۱	۳۲۰/۵	۳۰۷/۸	شیمیایی
۲۰/۸	۱۷/۶	۵۲/۴	۳۱/۹	۴۶/۶	۴۴/۸	۸۷/۵	۸۷/۰	۹۸/۱	۱۲۲/۱	پوست و چرم
۲۴۸/۰	۲۸۰/۶	۲۵۳/۹	۲۲۴/۶	۱۸۱/۷	۸۶/۲	۱۲۹/۴	۷۲/۷	۲۱۹/۰	۳۲۶/۴	ذوب فلزات
۱۱۷/۴	۹۸/۵	۹۱/۲	۷۴/۸	۷۳/۵	۵۷/۸	۷۱/۶	۷۵/۱	۳۲/۱	۴۶/۷	غذایی
۷۰۰/۰	۵۵۱/۶	۴۰۰/۵	۴۱۶/۸	۳۳۷/۱	۲۸۴/۲	۳۱۷/۴	۲۱۶/۷	۲۵۳/۴	۳۵۱/۲	سایر
۱۸۵/۹	۱۲۸/۳	۱۳۱/۵	۱۶۵/۹	۱۵۳/۹	۸۱/۸	۷۲/۶	۱۸۳/۲	۶۳/۷	۳۷/۸	مصالح ساختمان
۳۹/۵	۱۸/۰	۱۱/۵	۴/۱	۱۰/۱	۴۵/۲	۴/۰	۱۷/۷	۵/۴	۸۹/۶	کشاورزی
۲۳/۴	۳۳/۵	۲۹/۵	۴۲/۵	۱۶۷/۷	۱۲۶/۰	۳۶/۹	۲۱/۰	۶/۵	۶/۰	خدمات
۲۹۷/۸	۱۷۸/۲	۱۵۴/۵	۱۳۸/۹	۹۱/۲	۶۹/۴	۵۶/۰	۵۷/۰	۵۶/۶	۷۲/۵	کالاهای سرمایه‌ای
۳۱۱۱/۱	۲۳۷۱/۰	۲۲۷۵/۳	۲۰۰۰/۵	۱۸۷۴/۵	۱۷۳۲/۵	۱۶۲۵/۴	۱۹۳۵/۹	۲۱۲۰/۲	۳۳۹۷/۵	کالاهای مصرفی
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۱	۰/۰	۴۰/۶	۱۳/۰	کالاهایی که طبقه‌بندی نشده‌اند
۵۹۷۲/۲	۴۶۰۸/۴	۴۲۲۳/۸	۳۷۶۲/۷	۳۳۶۲/۰	۳۰۱۳/۳	۲۸۷۵/۶	۳۱۰۵/۷	۳۲۵۰/۷	۴۸۲۴/۵	جمع کل

مأخذ: آمار بازرگانی خارجی کشور

متوسط نرخ کاهش سالانه صادرات این گروه از کالاهای طی دوره مورد بررسی معادل ۴/۵ درصد بوده است. سهم صادرات هر یک از گروه‌های فوق‌الذکر در جدول (۸) ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در تمامی سال‌های مورد بررسی سهم غالب از صادرات غیرنفتی کشور به صادرات کالاهای مصرفی تعلق داشته است. با وجود این سهم صادرات این گونه کالاها از ۷۰/۴ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۵۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته اما در مقابل سهم صادرات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای از ۲۷/۸ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۴۴/۷ درصد در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته که بیانگر تغییر جهت صادرات غیرنفتی کشور از کالاهای مصرفی به سمت مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود زیر گروه مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای سهم غالب در صادرات کالاهای زیر بخش صنعت و معدن را به خود اختصاص داده است.

جدول ۸- ترکیب صادرات گمرکی براساس نوع مصرف (درصد)

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	
۴۲/۹	۴۴/۷	۴۲/۵	۴۳/۱	۴۱/۵	۴۰/۲	۴۱/۵	۳۵/۸	۳۱/۸	۲۷/۸	مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای
۳۸/۸	۴۰/۸	۳۸/۴	۳۷/۵	۳۱/۷	۳۱/۸	۳۷/۶	۲۸/۷	۲۹/۵	۲۵/۰	صنعت و معدن
۰/۶	۰/۶	۰/۴	۰/۸	۰/۳	۰/۳	۰/۸	۱/۲	۰/۸	۱/۱	نساجی
۲۰/۰	۱۹/۶	۱۹/۱	۱۶/۸	۱۲/۳	۱۵/۹	۱۵/۷	۱۲/۹	۱۰/۲	۶/۴	شیمیایی
۰/۳	۰/۴	۱/۲	۰/۸	۱/۴	۱/۵	۳/۰	۲/۸	۰/۳	۲/۵	پوست و چرم
۴/۲	۶/۱	۶/۰	۶/۰	۵/۴	۲/۹	۴/۵	۲/۳	۶/۷	۶/۸	ذوب فلزات
۲/۰	۲/۱	۲/۲	۲/۰	۲/۲	۱/۹	۲/۵	۲/۴	۱/۰	۱/۰	غذایی
۱۱/۷	۱۲/۰	۹/۵	۱۱/۱	۱۰/۰	۹/۴	۱۱/۰	۷/۰	۷/۸	۷/۳	سایر
۳/۱	۲/۸	۳/۱	۴/۴	۴/۶	۲/۷	۲/۵	۵/۹	۲/۰	۰/۸	ساختمان
۰/۷	۰/۴	۰/۳	۰/۱	۰/۳	۱/۵	۰/۱	۰/۶	۰/۲	۱/۹	کشاورزی
۰/۴	۰/۷	۰/۷	۱/۱	۵/۰	۴/۲	۱/۳	۰/۷	۰/۲	۰/۱	خدمات
۵/۰	۳/۹	۳/۷	۳/۷	۲/۷	۲/۳	۱/۹	۱/۸	۱/۷	۱/۵	کالاهای سرمایه‌ای
۵۲/۱	۵۱/۴	۵۳/۹	۵۳/۲	۵۵/۸	۵۷/۵	۵۶/۵	۶۲/۳	۶۵/۲	۷۰/۴	کالاهای مصرفی
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱/۲	۰/۳	کالاهایی که طبقه‌بندی نشده‌اند
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع کل

مأخذ: آمار بازرگانی خارجی کشور

صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی از ۳۲۵۹ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۱۷۲۴ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته است. صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی در طول این سال‌ها به طور متوسط سالانه ۸ درصد کاهش یافته است. در این میان صادرات فرش به عنوان یکی از اقلام سهم صادراتی کشور از ۲۱۳۳ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۵۱۴ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته به طوری که در طول سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۸۱ به طور متوسط سالانه ۱۷/۸ درصد کاهش یافته است. شکل‌گیری رقبای جدید در بازار جهانی فرش مانند پاکستان، چین و هند از جمله دلایل کاهش ارزش صادراتی این قلم کالا می‌باشد. صادرات کلوخه‌های کانی فلزی نیز از ۵۶ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۳۲ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته است. صادرات این گونه کالاها در طول دوره مورد بررسی به طور متوسط ۶/۹ درصد در سال کاهش داشته است. هم‌زمان با کاهش صادرات

کالاهای سنتی و کشاورزی و نیز کلوخه‌های کانی فلزی، صادرات کالاهای صنعتی با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۸ درصد از ۱۵۱۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۲۸۵۲ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. در بین اقلام تشکیل دهنده این گروه کالایی صادرات مواد شیمیایی و پتروشیمی از ۶۸ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۱۱۱۸ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته به طوری که در طول سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۸۱ از رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۳۵/۱ درصد برخوردار بوده است.

جدول (۹) توزیع جغرافیایی صادرات غیرنفتی کشور بر حسب قاره‌ها را نشان می‌دهد. ارزش صادرات غیر نفتی کشور به قاره اروپا در سال ۱۳۷۳ معادل ۲۴۴۹ میلیون دلار بوده که این مقدار در سال ۱۳۸۱ به ۹۶۸ میلیون دلار کاهش یافته است. در مقابل حجم صادرات غیر نفتی کشور به کشورهای آسیایی از ۲۱۵۸ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۳۳۱۷ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است.

جدول ۹- صادرات گمرکی بر حسب قاره‌ها

میلیون دلار

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	
۲۰۱	۱۸۷	۱۵۷	۱۵۷	۱۳۵	۷۳	۷۷	۵۳/۷	۶۸/۷	۱۷۰/۷	آمریکا
۱۱۱۷	۹۶۸	۱۰۶۹	۱۲۴۵	۱۲۴۳	۱۱۸۷	۱۲۲۰	۱۲۹۳/۱	۱۵۰۷/۹	۲۴۴۸/۸	اروپا
۴۵۰۹	۳۳۱۷	۲۸۹۶	۲۲۷۴	۱۹۱۱	۱۷۰۶	۱۵۳۱	۱۷۱۹/۹	۱۶۱۲/۹	۲۱۵۸/۱	آسیا
۱۲۷	۱۲۲	۹۰	۷۴	۶۲	۳۹	۳۸	۲۸/۱	۴۴/۸	۲۸/۲	آفریقا
۱۹	۱۴	۱۲	۱۳	۱۳	۹	۱۰	۱۰/۹	۱۶/۴	۱۸/۷	استرالیا و زلاند نو
۵۹۷۳	۴۶۰۸	۴۲۲۴	۳۷۶۳	۳۳۶۲	۳۰۱۳	۲۸۷۶	۳۱۰۵/۷	۳۲۵۰/۷	۴۸۲۴/۵	کل صادرات

مأخذ: آمار بازرگانی خارجی کشور

جدول (۱۰) سهم هر یک از قاره‌های پنج‌گانه را از سبد صادرات غیرنفتی کشور در طول این سال‌ها نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در طول سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۱ صادرات غیرنفتی کشور از سمت، کشورهای اروپایی به سمت کشورهای آسیایی متمایل گشته است.

جدول ۱۰- توزیع صادرات گمرکی بر حسب قاره‌ها

(درصد)

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	
۳/۴	۴/۱	۳/۷	۴/۲	۴/۰	۲/۴	۲/۷	۱/۷	۲/۱	۳/۵	آمریکا
۱۸/۷	۲۱/۰	۲۵/۳	۳۳/۱	۳۷/۰	۳۹/۴	۴۲/۴	۴۱/۶	۴۶/۴	۵۰/۸	اروپا
۷۵/۵	۷۲/۰	۶۸/۶	۶۰/۴	۵۶/۸	۵۶/۶	۵۳/۲	۵۵/۴	۴۹/۶	۴۴/۷	آسیا
۲/۱	۲/۶	۲/۱	۲/۰	۱/۸	۱/۳	۱/۳	۰/۹	۱/۴	۰/۶	آفریقا
۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۴	۰/۳	۰/۳	۰/۴	۰/۵	۰/۴	استرالیا و زلاند نو
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل صادرات

مأخذ: آمار بازرگانی خارجی کشور

توزیع جغرافیایی صادرات غیرنفتی کشور بر حسب کشورهای مقصد نشان می‌دهد که از سال ۱۳۷۷ به بعد امارات متحده عربی به عنوان یکی از مقاصد عمده کالاهای صادراتی کشور مطرح بوده که همین مسئله به همراه بازگشایی بازارهای جدید صادراتی افغانستان و عراق در سال‌های اخیر موجبات افزایش سهم صادرات غیرنفتی به قاره آسیا را فراهم آورده است.

فصل چهارم
ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی
استان فارس

CPPC.ir

مقدمه

در این فصل به بررسی اوضاع اقتصادی و اجتماعی استان فارس می‌پردازیم. در عین حال در بررسی اوضاع اجتماعی استان به بررسی ساختار جمعیتی و نیز ساختار اشتغال در این استان بسنده می‌کنیم. بررسی ما از اوضاع اقتصادی استان نیز از دو دیدگاه متفاوت صورت خواهد پذیرفت. در این قسمت ابتدا ساختار تولید استان (بخش کشاورزی و بخش صنعت) با توجه به اطلاعات موجود در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطالعه ساختار تولید استان برای حصول به ظرفیت‌های اقتصادی استان و شناخت حوزه‌های مستعد و دارای مزیت نسبی آن امری لازم و ضروری است که مسلماً بدون لحاظ آن مطالعه وضعیت تجارت خارجی استان ناقص خواهد بود. پس از آن وضعیت تجارت خارجی در استان بررسی می‌شود. در این بررسی از طریق شناسایی ترکیب کالاهای صادراتی استان و با امعان به ظرفیت‌های تولیدی استان به ارائه سیاست‌های لازم به منظور بسط صادرات غیرنفتی استان نائل خواهیم شد.

موقعیت جغرافیایی

استان فارس با مساحتی بالغ بر ۱۳۳۲۹۹ کیلومتر مربع بین ۲۷ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۰ درجه و ۳۷ دقیقه تا ۵۵ درجه و ۳۸ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد بر اساس آخرین اطلاع از تقسیمات کشوری این استان دارای ۱۴ شهرستان، ۳۴ شهر و ۱۱۲ دهستان می‌باشد. استان فارس از طرف شمال به

استان‌های اصفهان و یزد، از غرب به استان‌های بوشهر و کهگیلویه، از جنوب به استان هرمزگان و از سوی مشرق به استان کرمان محدود است. این استان به علت وسعت زیاد و کوهستانی بودنش دارای آب هوای متنوع می‌باشد که می‌توان آن را به سه قسمت دسته‌بندی نمود. منطقه سردسیر شمال استان، که به دلیل ارتفاع زیاد از سطح دریا و نزدیکی به ارتفاعات بلند زاگرس دارای آب و هوای سرد می‌باشد (مانند شهرستان اقلید). منطقه گرمسیری جنوبی این منطقه به علت مجاورت با استان هرمزگان و وزش بادهای گرم عربستان دارای آب و هوای گرم و خشک می‌باشد (مانند شهرستان لار). منطقه معتدل استان در جنوب منطقه سردسیر قرار گرفته و دارای آب و هوایی معتدل می‌باشد (مانند شهر شیراز). بیشترین نقاط استان فارس کوهستانی بوده و مهم‌ترین ارتفاعات این استان ارتفاعات "بمو" است که دنباله رشته کوه‌های زاگرس می‌باشد. رشته کوه‌های زاگرس که در حقیقت دنباله رشته کوه‌های ارمنستان است از خاک ترکیه شروع شده و تا سلسله جبال مکران در بلوچستان امتداد پیدا می‌کند. جهت این ارتفاعات در استان فارس از شمال غربی به جنوب شرقی می‌باشد، این ارتفاعات موجب پدید آمدن دشت‌های متعددی گردیده و اکثر مراکز زیستی در استان منطبق بر همین دشت‌ها می‌باشد، که از جمله دشت شیراز و مرودشت را می‌توان نام برد. مهم‌ترین ارتفاعات دیگر استان عبارتند از: ارتفاعات برم فیروز، مهارلو، کوه مره سرخی، خرمن کوه، تودج.

در استان فارس سه دریاچه مهم به نام‌های دریاچه مهارلو در نزدیکی شیراز، دریاچه پریشان در نزدیکی کازرون و دریاچه بختگان در منطقه نیریز وجود دارد. آب این دریاچه‌ها از رودخانه‌های متعددی که در این استان جریان دارد تأمین می‌گردد. رودخانه‌های مهم استان به ترتیب عبارتند از کر، سیوند، شادکام، شور، عکس رستم، قره آغاج، شاپور، شش پیر و دالکی که از این تعداد رودخانه، کر و قره آغاج از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد.

الف) ویژگی‌های جمعیتی و نیروی انسانی

جمعیت به عنوان اصلی‌ترین عامل تولید همواره در طول تاریخ از اهمیت برخوردار

توجهی برخوردار بوده است. به ویژه در طول دورانی بس طولانی که افزایش تولید تنها و تنها ناشی از کمیت جمعیت و یا نیروی انسانی در اختیار بوده است. واقعیتی که از اواسط سده نوزدهم میلادی به بعد با تغییر کمیت به کیفیت نه تنها اهمیت خود را از دست داد، بلکه رفته‌رفته به عنوان عامل مانعی فراروی توسعه اقتصادی شناخته شد. پدیده‌ای که در کشورهای عقب مانده و رو به پیشرفت در قیاس با کشورهای توسعه یافته به گونه‌ای متفاوت عمل کرده است.

به هر تقدیر در حالی که جمعیت جهان در طول آخرین سده هزاره گذشته، طی صد سال به دو برابر افزایش یافت، افزایشی که تقریباً کل آن مربوط به کشورهای عقب‌مانده و رو به پیشرفت می‌باشد، جمعیت کشور ما به حدود بیش از چهار برابر افزایش یافت. این در حالی است که افزایش طبیعی جمعیت در کشورهای پیشرفته (بدون محاسبه مهاجران)، تنها چند درصد برآورد می‌شود.

امروزه جمعیت در کشورهای عقب مانده و رو به پیشرفت جهان با چنان رشد سرسام‌آوری روبه‌رو و همراه شده است که تاریخ نه تنها نظیر آن را به یاد ندارد، بلکه پیش از این تصور آن هم دور از ذهن می‌نمود. با آن که در بیشتر این کشورها بازدهی زمین تا حدود زیادی کاهش یافته است، اما جمعیت آنها باز هم با رشد بیشتر و سریع‌تری روبه‌رو می‌باشد. کوچ از منطقه‌های روستایی به منطقه‌های شهری و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ ادامه دارد. شهرهایی که در این کشورها روز به روز گسترش بیشتری می‌یابند و با هجوم روستائیان و کسانی که در پی یافتن کار و زندگی بهتر می‌باشند جمعیت در آنها روز به روز بیش از پیش افزایش می‌یابد.

بیشتر صاحب‌نظران علوم اجتماعی به درستی این فراگرد را عارضه و پیامد تحول اجتماعی بزرگ می‌دانند که در بیشتر کشورهای عقب‌مانده و یا رو به پیشرفت پدید آمده است. پدیده‌ای که در کشورهای پیشرفته چندان قابل لمس نیست، زیرا این پدیده بیشتر ناشی از ادغام بیش از تناسب نظام صنعتی - تجاری می‌باشد که نظام اقتصادی - اجتماعی سنتی آنان را دچار چنین مشکل غیرقابل حلی نموده است که بیشتر این کشورها با آن دست به گریبانند. ادغامی که بیش از آن که ناشی از فرآیندی طبیعی باشد، ناشی از اجرای

برنامه‌های توسعه اقتصادی است که در هر حال از جهانی کاملاً مغایر با ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی این جامعه‌ها تهیه و به اجرا درآمده است.

به هر حال باید یادآور شد که برای جلوگیری از کوچ چشمگیر روستائیان به منطقه‌های شهری و یا از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ سیاست‌های زیادی به کار گرفته شده است. از جمله اصلاحات ارضی، طرح اسکان روستائیان، سیاست‌های تعیین و افزایش دستمزد، سیاست‌های قیمت‌گذاری تولیدات و یا معافیت‌های مالیاتی و طرح‌های توسعه مناطق روستایی. حتی تلاش شده است مسیر کوچ‌ها از شهرهای بزرگ به شهرها و شهرک‌های اقماری تغییر داده شود. اما متأسفانه تاکنون هیچ کدام از این اقدامات مثمر ثمر نبوده است. از سوی دیگر خیل عظیم دانش‌آموختگان جویای کار، به ویژه در سال‌های اخیر، موجب شده است که این مشکل در صدر دغدغه‌های اقتصادی دولت قرار گرفته و لذا در فرایند برنامه‌ریزی‌ها برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و سرمایه‌گذاری مورد توجه و اقدام قرار گیرد.

نتیجه آنکه، همان‌گونه که در برنامه‌های اقتصادی کشور نیز به آن اشاره شده است، اعتبارات و منابع دولتی محدود و وظایف خدماتی و اعمال حاکمیت دولت نیز به هر حال هر روز بیش از پیش رو به فزونی دارد و لذا اعتبارات احتمالاً فقط در محدوده انجام وظایف مربوط به اعمال حاکمیت دولت بتواند تکافو کند و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های اقتصادی در اندازه‌ای که بتواند تأمین‌کننده رشد یا پاسخگوی تولید بیشتر و ایجاد فرصت‌های شغلی و بهره‌برداری مطلوب‌تر از واحدهای تولیدی موجود و شکوفاسازی بخش‌های مختلف اقتصادی باشد بی‌تردید نیاز به منابع مالی جدید و از جمله بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی دارد، که تحقق آن نیز در گرو به‌کارگیری سیاست‌ها و خط‌مشی‌های متنوعی است که بایستی محدودیت‌های موجود را برطرف نماید.

بر اساس آخرین تقسیمات کشور فارس در سال ۱۳۷۸ شامل ۱۹ شهرستان، ۶۲ بخش، ۱۸۴ دهستان، ۵۷ شهر و ۸۱۷۰ آبادی (حسب سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵) می‌باشد. تعداد ۴۳۹۰ پارچه (۵۳/۷ درصد) آبادی‌های استان را آبادی‌های مسکونی دائمی تشکیل می‌دهند. بر حسب مدل طبقه‌بندی اقلیم آمبرژه، در استان فارس ۹ اقلیم مختلف از بیابانی گرم شدید تا نیمه مرطوب سرد و اقلیم ارتفاعات وجود دارد. این تفاوت اقلیمی و گستردگی پهنه

استان و وجود ۶ رودخانه اصلی، دریا فصلی و ۸ حوزه آبریز سبب شده است تا فارس از نظر تنوع گیاهی، جانوری، ژنوم گیاهی و مناطق بکر طبیعی به ایران کوچک شهرت داشته باشد. از نظر زمین‌شناسی استان فارس به ۸ منطقه شامل: منطقه آباده و اقلید، منطقه اردکان و شیراز، منطقه استهبان و فسا، منطقه جهرم، منطقه داراب و نی‌ریز، منطقه فیروزآباد، منطقه کازرون و نورآباد، و منطقه لارستان تقسیم می‌شود. استان فارس یکی از استان‌های لرزه خیز کشور است. در این استان علاوه بر گسل‌های فراوان فرعی، ۲ گسل اصلی و فعال به نام‌های گسل قطر-کازرون و گسل سوریان-اقلید(گسل حنا) وجود دارد. این گسل‌ها همواره زیان‌های جانی و مالی فراوانی را به مردم و دولت تحمیل می‌کنند. شدت و بزرگی لرزه‌ها در پهنه استان به صورت یک کلیت بین متوسط تا شدید دسته‌بندی شده است.

در سال ۱۳۶۵، ۶/۵ درصد از جمعیت ۴۹۴۴۵۰۱۰ نفری کشور در استان فارس می‌زیستند(جدول ۱). در این سال جمعیت شهری و روستایی فارس به ترتیب برابر ۱۶۲۴۵۸۶ نفر و ۱۵۶۹۱۸۳ نفر بود. سهم این مناطق از کل جمعیت کشور در سال یاد شده به ترتیب برابر ۶/۱ درصد و ۶/۹ درصد بود.

در طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ جمعیت کشور با ۱۰۶۱۰۴۷۸ نفر و جمعیت استان با ۶۲۳۲۶۷ نفر افزایش به ترتیب به ۶۰۰۵۵۴۸۸ نفر و ۳۸۱۷۰۳۶ نفر رسید که گویای ۲۱/۵ درصد و ۱۹/۵ درصد افزایش نسبت به جمعیت سال ۱۳۶۵ در کشور و استان فارس می‌باشد. همچنان که آشکار است تغییرات جمعیت فارس در این دهه ۲ درصد کمتر از تغییرات جمعیت کل کشور بوده است. سهم مناطق شهری کشور از تغییرات یاد شده در کشور و استان فارس به ترتیب برابر ۹۹۷۳۲۲۸ نفر(۹۴ درصد) و ۵۳۸۵۲۳ نفر(۸۶/۴ درصد) بود. این ارقام بیانگر آن هستند که فقط ۶ درصد افزایش جمعیت کشور و ۱۳/۶ درصد افزایش جمعیت فارس در مناطق روستایی رویداده است.

نرخ رشد جمعیت کشور و استان فارس در طی ۲ دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ و ۱۳۶۵-۱۳۷۵ با کاهش چشمگیری روبرو شده است. نرخ رشد جمعیت کشور از ۴/۱ درصد در دهه منتهی به سال ۱۳۶۵ به ۱/۹ درصد در دهه منتهی به سال ۱۳۷۵ تقلیل یافته است(جدول ۲). در استان فارس نیز نرخ رشد جمعیت از ۴/۵ درصد به ۱/۸ درصد کاهش یافته و گویای

سرعت بیشتر کاهش نرخ رشد در آن می‌باشد. مطالعه اجمالی آمار و ارقام حاکی از آن است که در سال ۱۳۶۵ نرخ رشد جمعیت در کل کشور و در مناطق شهری و روستایی آن کمتر از معیارهای مربوطه در استان فارس بوده است. اما با گذشت ۱ دهه این فرایند وارونه شده و در سال ۱۳۷۵ نرخ رشد جمعیت کل استان فارس و مناطق شهری و روستایی آن کمتر از نرخ‌های کشور شده است (جدول ۲).

حاصل تغییرات یاده شده سبب شد تا در سال ۱۳۷۵، جمعیت کشور برابر ۶۰۰۵۵۴۸۸ نفر و جمعیت فارس برابر ۳۸۱۷۰۳۶ نفر باشد (جدول ۱). در این سال سهم جمعیت فارس از کل کشور با کمی کاهش به ۶/۴ درصد رسید. در این سال همچنین سهم جمعیت مناطق شهری فارس با ۰/۲ درصد کاهش از ۶/۱ درصد به ۵/۹ درصد؛ و سهم جمعیت مناطق روستایی^۱ با افزایش به همین میزان به ۷/۱ درصد رسید. دلایل متفاوتی را می‌توان برای این تغییرات چشمگیر بر شمرد. عمده این تغییرات نیز به وضعیت ویژه استان در دوران جنگ تحمیلی (به عنوان مرکز پشتیبانی و تدارک نیرو، تجهیزات و درمان جبهه جنوب) و همچنین مهاجرت تعداد زیادی از ساکنان مناطق جنگ‌زده جنوب کشور و بویژه استان خوزستان مربوط است.

با خاتمه جنگ تحمیلی و آغاز روند بازسازی کشور و مناطق جنوب، در مقطع زمانی کوتاهی (که شامل سال ۱۳۷۵- زمان سرشماری عمومی نفوس و مسکن می‌باشد) فرایند مهاجرفرستی فارس با ترک مهاجران جنگی و بازگشت به موطن اصلی‌شان آغاز شد. این فرایند هم اکنون دگرگون شده و بسیاری از مهاجران مجدداً به فارس بازگشته‌اند.

همچنین بر پایه ساختار سرشماری عمومی ۱۳۷۵ که بر حسب درج کد ملی یا شماره شناسنامه افراد و یا گذرنامه اتباع بیگانه در کشور بود، تعداد زیادی از جمعیت افاغنه ساکن در استان و بویژه شهر شیراز سرشماری نشدند که سبب تورش و تغییرات (کاهش) شدید جمعیت استان فارس گردیده است.

۱. در ارقام تعداد و محاسبه نرخ رشد و تغییرات مربوط به جمعیت مناطق روستایی، جمعیت غیرساکن نیز در نظر گرفته شده است.

جدول ۱- مقایسه جمعیت کشور و استان فارس در طی ۱۳۶۵-۱۳۷۵

تغییرات دوره		استان فارس		کشور		شرح
استان	کشور	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	
۶۲۳۲۶۷	۱۰۶۱۰۴۷۸	۳۸۱۷۰۳۶	۳۱۹۳۷۶۹	۶۰۰۵۵۴۸۸	۴۹۴۴۵۰۱۰	کل
۵۳۸۵۳۳	۹۹۷۳۲۲۸	۲۱۶۳۱۱۹	۱۶۲۴۵۸۶	۳۶۸۱۷۷۸۹	۲۶۸۴۴۵۶۱	مناطق شهری
۸۴۷۳۴	۶۳۷۲۵۰	۱۶۵۳۹۱۷	۱۵۶۹۱۸۳	۲۳۲۳۷۶۹۹	۲۲۶۰۰۴۴۹	مناطق روستایی
-۰/۱	XX	۶/۴	۶/۵	XX	XX	سهم از کشور

۲-۲-۱- نرخ شهرنشینی و تغییرات آن نسبت به سال ۶۵، مقایسه با سطح ملی

در سال ۱۳۶۵ تعداد جمعیت شهرنشینان کشور و استان فارس به ترتیب برابر ۲۶۸۴۴۵۶۱ نفر و ۱۶۲۴۵۸۶ نفر بود. در این سال نرخ شهرنشینی در کشور و استان فارس نیز به ترتیب ۵۴/۳ درصد و ۵۰/۹ درصد بود (جدول ۲). در طی دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ نرخ شهرنشینی (که بیان‌کننده جمعیت ساکن در مناطق شهری می‌باشد) افزایش یافت. این افزایش در کشور برابر ۷ درصد و در فارس ۵/۸ درصد بود. افزایش نرخ شهرنشینی هم به علت فزونی تعداد شهرها در این دهه و هم به دلیل رشد طبیعی توأم با مهاجرپذیری آنها می‌باشد. در سال ۱۳۷۵، ۴۸ شهر در استان فارس وجود داشت که در مقایسه با تعداد شهرها در سال ۱۳۶۵ نمایانگر بوجود آمدن تعداد ۱۲ شهر جدید است. حاصل تغییرات بالا سبب شد تا در سال ۱۳۷۵ نرخ شهرنشینی در کشور ۶۱/۳ درصد و در فارس ۵۶/۷ درصد باشد.

جدول ۲- مقایسه نرخ رشد جمعیت و نرخ شهرنشینی در کشور و استان فارس در طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ (واحد: درصد)

تغییرات دوره		استان فارس		کشور		شرح
استان	کشور	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	
-۲/۷	-۲/۲	۱/۸	۴/۵	۱/۹	۴/۱	کل
-۳/۳	-۲/۲	۲/۹	۶/۲	۳/۲	۵/۴	مناطق شهری
-۲/۵	۰/۴	۰/۵	۳/۰	۲/۸	۲/۴	مناطق روستایی
۵/۸	۷/۰	۵۶/۷	۵۰/۹	۶۱/۳	۵۴/۳	نرخ شهرنشینی

۳-۲-۱- نرخ اشتغال در سال ۷۵، تغییر نسبت به سال ۶۵ و مقایسه با سطح ملی (به تفکیک شهری و روستایی)

۱-۲-۳-۱- نرخ خام فعالیت

نرخ خام فعالیت شاخصی است که بیان کننده نسبت جمعیت فعال اقتصادی (شاغل و بیکارجویای کار) به جمعیت کل یک جامعه است. در سال ۱۳۶۵ نرخ خام فعالیت در کشور و مناطق شهری و روستایی آن به ترتیب برابر ۲۵/۹، ۲۶/۲ و ۲۵/۳ درصد بود (جدول ۳). در این سال نرخ خام فعالیت در استان فارس و مناطق شهری آن به ترتیب ۲۴/۴، ۲۶/۴ و ۲۲/۴ درصد بود. مقایسه این ارقام با معیارهای ملی حکایت از کمتر بودن این نرخ در کل جامعه استان فارس و مناطق روستایی (به ترتیب ۲/۳ درصد، و ۴/۷ درصد) و در مقابل فزونی کم نرخ خام فعالیت در مناطق شهری استان می باشد.

در طی دهه ۷۵-۱۳۶۵ نرخ خام فعالیت در کشور و استان فارس افزایش یافت. مقدار این فزونی (که در مناطق روستایی بوقوع پیوست) در استان فارس بیشتر از کشور بود. نرخ خام فعالیت مناطق شهری کشور در این دهه ثابت ماند. اما در مناطق شهری فارس ۰/۶ درصد کاهش پیدا کرد. همچنین در این دهه از اختلاف چشمگیر میان نرخ خام فعالیت در کشور و استان فارس کاسته شد. از دلایل کم بودن نرخ خام فعالیت می توان افزایش تعداد دانش آموزان (افزایش تعداد سال های تحصیل - به ویژه دختران) و تعداد دختران و زنان خانه دار را ذکر کرد. این عوامل باعث می شوند تا از تعداد شاغلان و بیکاران جویای کار کاسته شود. در این راستا باید توجه داشت که عامل اول از نظر ارزش اقتصادی - اجتماعی مثبت بوده اما در مقابل عامل دوم که ریشه در نبود فرصت های شغلی کافی و مناسب (بویژه برای زنان و دختران) دارد عاملی منفی ارزیابی می گردد.

حسب تغییرات گفته شده در بالا، در سال ۱۳۷۵، نرخ خام فعالیت در استان فارس (به تفکیک مناطق شهری و روستایی) کمتر از مقادیر مربوط در کشور شد. در این سال نرخ خام فعالیت استان ۲۵/۶ درصد، در مناطق شهری ۲۵/۸ درصد و در مناطق روستایی ۲۵/۲ درصد بود (جدول ۳).

۲-۲-۳-۲- نرخ اشتغال و نرخ بیکاری

بر طبق اطلاعات مندرج در جدول (۳) نرخ اشتغال استان فارس در دوره بررسی همواره کمتر از نرخ اشتغال در کل کشور و مناطق شهری و روستایی آن بوده است. به دیگر

سخن، نرخ بیکاری استان فارس همواره بیشتر از معیارهای مربوط در کشور بوده است. این در حالی است که در طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ نرخ اشتغال در کشور و استان فارس افزایش داشته است. این افزایش در استان فارس بیشتر از کشور و مناطق شهری و روستایی آن؛ و در مناطق شهری کشور و استان بیشتر از مناطق روستایی بوده است.

آنچه که در این راستا جلب توجه می‌کند تفاوت در ایجاد فرصت‌های شغلی، در طی دهه مورد بحث، در کشور و استان فارس میان مناطق شهری و مناطق روستایی می‌باشد. به عبارت دیگر در این دهه در مناطق شهری کشور و استان فارس به ترتیب ۱/۴ و ۳ برابر مناطق روستایی مربوط فرصت‌های شغلی ایجاد شده است که جای تأمل و بررسی و اتخاذ سیاست‌های فوری در راستای اصلاح این فرایند دارد. زیرا روستاها سکونت‌گاه‌های مولد کشور و استان هستند که تخلیه جمعیتی آنها (به صورت مهاجر فرستی) به دلیل نبود شغل باعث رکود فعالیت‌های اقتصادی، پیر شدن جمعیت و در نهایت افت شدید فعالیت‌های اساسی و استراتژیک تولیدی در روستاها شده ضرر بزرگی از این بابت (در بلند مدت) متوجه کشور خواهد گردید. باید توجه داشت که این امر در استان فارس با شدت بیشتری اتفاق خواهد افتاد که جای تأمل و بررسی و اتخاذ سیاست‌های فوری در راستای اصلاح این فرایند دارد.

۴-۲-۱- ساختار بخشی اشتغال در سال ۷۵، تغییر نسبت به سال ۶۵ و مقایسه با سطح ملی (به تفکیک شهری و روستایی)

ساختار بخشی اشتغال بیان‌کننده سهم فرصت‌های شغلی موجود (و تغییرات آن) در بخش‌های عمده فعالیت اقتصادی (شامل کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات) می‌باشد. بر طبق مندرجات جدول (۵) در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ سهم فعالیت‌های کشاورزی در مناطق روستایی استان فارس کمتر از (به ترتیب ۷/۲ درصد و ۵/۱ درصد) مقدار آن در کشور بوده است.

همچنین در سال‌های مورد بحث، سهم شاغلین بخش کشاورزی در مناطق روستایی استان و کشور کاهش یافته و در مقابل سهم این گروه از شاغلان در شهرهای استان فارس با ۰/۴ درصد افزایش به ۶/۴ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. کاهش در سهم شاغلان بخش کشاورزی همراه با افزایش در سهم شاغلان بخش صنعت و معدن و خدمات در کشور و استان فارس (در دهه مورد بحث) بوده است.

به دیگر سخن، در طی دهه ۷۵-۱۳۶۵، از یکسو فعالیت‌های عمرانی و محرومیت‌زدایی (به ویژه در مناطق روستایی) سبب ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر در زمینه فعالیت در سایر بخش‌های اقتصادی شده و از سوی دیگر با توجه به محدودیت منابع آب و خاک و عدم استفاده از فن‌آوری مناسب در بخش کشاورزی اگر چه تعداد شاغلان بخش زیاد شده است؛ اما سهم آنها کاهش نشان می‌دهد.

تغییرات سهم شاغلان بخش خدمات در کشور و استان فارس (به ترتیب) حکایت از افزایش ۲ درصد و ۰/۷ درصد افزایش در طی دهه ۷۵-۱۳۶۵ دارد. قابل توجه آنکه بر خلاف غلبه فعالیت‌های خدماتی در ساختار اشتغال شهرهای استان و کشور در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، سهم این بخش در اشتغال در (طی دوره مورد بحث) حدود ۱/۵ درصد کاهش یافته است. در همین حال سهم فعالیت‌های خدماتی در مناطق روستایی کشور ۱/۳ درصد افزایش و در مناطق روستایی فارس ۰/۵ درصد کاهش پیدا کرد (جدول ۵). به عبارت دیگر یا خدمات مولد کمتری در مناطق روستایی فارس ارایه شده، یا به دلیل مهاجر فرستی شدید این مناطق سهم فعالیت‌های بخش صنعت و معدن فزونی قابل توجهی نشان می‌دهد. چنین به نظر می‌رسد که دلیل دوم توجه بیشتری دارد.

۵-۲-۱- نرخ بیکاری و ضریب تکفل شغلی در سال ۷۵، تغییر نسبت به سال ۶۵، مقایسه با سطح ملی

ضریب تکفل شغلی یا بار تکفل خالص بیان‌کننده نسبت جمعیت غیرفعال به جمعیت شاغل یک جامعه بوده و مشخص‌کننده آن است که هر فرد شاغل به طور متوسط باید چند نفر را از نظر مخارج زندگی تأمین کند. این شاخص ارتباط نزدیکی با نرخ اشتغال و بیکاری در هر جامعه دارد. در طی دوره بررسی ضریب تکفل شغلی در کشور و استان فارس سیر نزولی داشته است. به دیگر سخن، با افزایش فرصت‌های شغلی جدید و کاسته شدن از نرخ بیکاری در دهه ۷۵-۱۳۶۵، مقدار این ضریب به ترتیب در کشور و استان با ۰/۴ درصد و ۰/۵ درصد کاهش مواجه شد (جدول ۲). این کاهش در مناطق روستایی به مراتب بیشتر از مناطق شهری و برابر ۴/۲ درصد و در کشور ۰/۸ درصد فارس بوده است. این وضع حکایت از تأثیر بیشتر و عکس‌العمل سریع‌تر فعالیت‌های ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری دارد. دلیل این امر را می‌توان کوچک

بودن جامعه روستایی و نبود تنوع و پیچیدگی‌های اجتماعی و اقتصادی در راستای ایجاد فرصت‌های شغلی در آنها ذکر کرد. به عبارت دیگر، اگر بتوان با اقدامات منسجم و مستمر به وضعیت اقتصادی و شغل و معیشت روستاییان سرو سامان داد، نه تنها فرایند مهاجرفرستی آنها به شهرها کند شده بلکه می‌توان با فراغ بال بیشتری نسبت به حل و رفع معضلات اجتماعی و اقتصادی شهرها، که عمدتاً ریشه در ناموزونی توزیع امکانات اقتصادی و اجتماعی و خدمات رفاهی و زیربنایی دارد، اقدام کرد.

از سوی دیگر در طی دوره مورد بررسی مقدار این شاخص در استان فارس (مناطق شهری و روستایی) کمتر از شاخص‌های مربوط کشور بوده است. فاصله این شاخص بین استان فارس و کشور (در سال ۱۳۷۵) کمتر از مقدار تفاوت آن در سال ۱۳۶۵ بوده است.

جدول ۳- مقایسه شاخص‌های عمده فعالیت کشور و استان فارس در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ (درصد)

شرح	کشور		استان فارس		تغییرات دوره	
	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
نرخ خام فعالیت:						
کل	۲۵/۹	۲۶/۷	۲۴/۴	۲۵/۶	۰/۸	۱/۲
مناطق شهری	۲۶/۲	۲۶/۲	۲۶/۴	۲۵/۸	۰/۰	-۰/۶
مناطق روستایی	۲۵/۳	۲۷/۱	۲۲/۴	۲۵/۲	۱/۸	۲/۸
نرخ اشتغال:						
کل	۸۵/۹	۹۰/۹	۸۳/۸	۸۹/۷	۵/۰	-۵/۹
مناطق شهری	۸۴/۷	۹۰/۵	۸۱/۵	۹۰/۲	۵/۸	-۸/۷
مناطق روستایی	۸۷/۳	۹۱/۵	۸۶/۲	۸۹/۱	۴/۲	-۲/۹
نرخ بیکاری:						
کل	۱۴/۱	۹/۱	۱۶/۲	۱۰/۳	-۵/۰	-۵/۹
مناطق شهری	۱۵/۳	۹/۵	۱۸/۵	۹/۸	-۵/۸	-۸/۷
مناطق روستایی	۱۲/۷	۸/۵	۱۳/۸	۱۰/۹	-۴/۲	-۲/۹
ضریب تکفل شغلی:						
کل	۳/۵	۳/۱	۳/۸	۳/۳	-۰/۴	-۰/۵
مناطق شهری	۳/۵	۳/۲	۳/۷	۳/۳	-۰/۳	-۰/۴
مناطق روستایی	۳/۵	۳/۱	۴/۲	۳/۴	-۰/۴	-۰/۸

۶-۲-۱- نرخ مشارکت زنان در اشتغال در سال ۷۵، تغییر نسبت به سال ۶۵، مقایسه با سطح ملی (به تفکیک شهری و روستایی)

نرخ مشارکت با میزان شرکت در نیروی کار بیان‌کننده نسبت جمعیت شاغل به جمعیت در سن کار است. این شاخص در حقیقت مشخص می‌کند که چه نسبتی از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در کشور و استان فارس شاغل می‌باشند. از آنجا که تعداد شاغلان (صورت کسر نسبت) ارتباط تنگاتنگی از یکسو با فقر، میزان رفاه اجتماعی و افزایش سال‌های تحصیل جمعیت در سن کار دارد. این شاخص تا حد زیادی نشان‌دهنده وضع جمعیت از نظر رفاه و توسعه عمومی است. بر پایه مندرجات (جدول ۴) تفاوت آشکاری بین نرخ مشارکت مردان و زنان کشور و فارس (به تفکیک مناطق شهری و روستایی) وجود دارد. این تفاوت آشکار علاوه بر کمی فرصت‌های اشتغال برای زنان (که در ادامه بحث خواهد شد) ریشه در ارزش‌ها و انتظارات فرهنگی جامعه دارد که در آن مردان موظف به کار و تأمین معیشت خانواده خود هستند.

بر این اساس و در سال ۱۳۶۵، نرخ مشارکت مردان در کشور و استان فارس به ترتیب برابر ۵۰/۶ درصد و ۸۵/۰ درصد بود. در همین سال نرخ مشارکت زنان نیز به ترتیب برابر ۵/۲ درصد و ۴/۵ درصد بود. روشن است که در سال مورد بحث نرخ مشارکت مردان فارس ۷/۴ درصد بیشتر و نرخ مشارکت زنان آن ۱/۳ درصد کمتر از مقادیر مربوط در کشور بوده است.

در طی دهه ۷۵-۱۳۶۵، نرخ مشارکت مردان و زنان در کشور افزایش یافت. اما در استان فارس این افزایش فقط در مورد زنان (با ۳/۵ درصد) بوجود آمده و نرخ مشارکت مردان فارس با ۴/۶ درصد کاهش مواجه شد. افزایش نرخ مشارکت در مورد زنان فارس بیشتر از میزان افزایش این شاخص در کشور بود. آنچه در اینجا جلب توجه می‌کند ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر زنان روستایی در استان فارس است. این موضوع بار دیگر مؤید تغییرات اجتماعی مثبت در راستای رفع زشتی کار و فعالیت اجتماعی، یا فقر جوامع روستایی (در مقایسه با شهرها) و نیاز به کار زنان و دختران در این جامعه (که به سنن و ارزش‌های اجتماعی پایبندی بیشتری دارند) می‌باشد (جدول ۴).

در سال ۱۳۶۵، سهم زنان کشور و استان فارس در اشتغال به ترتیب برابر ۸/۹ درصد و ۶/۸ درصد بود. سهم زنان شهری و روستایی استان نیز در این سال کمتر از اқشار مشابه در سطح کشور بود (جدول ۴). این میزان بویژه در مورد زنان روستایی (۴/۱ درصد) بیشتر نمایان می‌شود.

در طی دهه ۷۵-۱۳۶۵ تغییر و افزایش چشمگیری در سهم زنان در اشتغال کشور و فارس بوجود آمد. مقدار این افزایش در استان فارس به مراتب بیش از کشور بود. به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۵، سهم زنان فارس (به تفکیک مناطق شهری و روستایی) و بر خلاف سال ۱۳۶۵، بیشتر از سهم زنان کشور در اشتغال بود. به دیگر سخن، در طی دهه ۷۵-۱۳۶۵، از یکسو فعالیت‌های عمرانی و محرومیت‌زدایی (به ویژه در مناطق روستایی) سبب ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر در زمینه فعالیت در سایر بخش‌های اقتصادی شده و از سوی دیگر با توجه به محدودیت منابع آب و خاک و عدم استفاده از فن‌آوری مناسب در بخش کشاورزی اگر چه تعداد شاغلان بخش زیاد شده است؛ اما سهم آنها کاهش نشان می‌دهد.

جدول ۴- مقایسه نرخ مشارکت و سهم زنان در اشتغال در کشور و استان فارس در طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ (درصد)

شرح	کشور		استان فارس		تغییرات دوره	
	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	کشور	استان
مردان:						
کل	۵۰/۶	۵۵/۶	۵۸/۰	۵۳/۴	۵/۰	-۴/۶
مناطق شهری	۴۹/۸	۵۳/۶	۵۶/۲	۵۲/۰	۲/۰	-۴/۲
مناطق روستایی	۵۱/۵	۵۸/۹	۵۹/۶	۵۵/۰	۷/۴	-۴/۶
زنان:						
کل	۵/۲	۵/۰۳	۷/۰۱	۶/۶	۲/۷	۳/۵
مناطق شهری	۵/۱	۷/۱	۵/۶	۷/۲	۲/۰	۱/۶
مناطق روستایی	۵/۲	۳/۲	۸/۷	۶/۲	۳/۹	۵/۵
سهم زنان در اشتغال:						
کل	۸/۹	۱۲/۱	۶/۸	۱۲/۷	۳/۲	۵/۸
مناطق شهری	۸/۸	۱۱/۳	۸/۶	۱۱/۸	۲/۵	۳/۲
مناطق روستایی	۹/۱	۱۳/۴	۵/۰	۱۳/۷	۴/۳	۸/۷

تغییرات سهم شاغلان بخش خدمات در کشور و استان فارس (به ترتیب) حکایت از افزایش ۲ درصد و ۰/۷ درصد افزایش در طی دهه ۷۵-۱۳۶۵ دارد. قابل توجه آنکه برخلاف غلبه فعالیت‌های خدماتی در ساختار اشتغال شهرهای استان و کشور در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، سهم این بخش در اشتغال (طی دوره مورد بحث) در حدود ۱/۵ درصد کاهش یافته است. در همین حال سهم فعالیت‌های خدماتی در مناطق روستایی کشور ۱/۳ درصد افزایش و در مناطق روستایی فارس ۰/۵ درصد کاهش پیدا کرد (جدول ۵).

به عبارت دیگر یا خدمات مولد کمتری در مناطق روستایی فارس ارایه شده، یا به دلیل مهاجر فرستی شدید این مناطق سهم فعالیت‌های بخش صنعت و معدن فزونی قابل توجهی نشان می‌دهد. چنین به نظر می‌رسد که دلیل دوم توجه بیشتری دارد.

جدول ۵- مقایسه ساختار بخشی اشتغال در مناطق شهری و روستایی کشور و استان فارس در طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ (درصد)

تغییرات دوره		استان فارس		کشور		شرح
		۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	
بخش کشاورزی:						
						کل
-۳/۶	-۵/۹	۲۳/۷	۲۷/۳	۲۳/۰	۲۸/۹	
						مناطق شهری
۰/۴	-۰/۱	۶/۴	۶/۰	۵/۲	۵/۳	
						مناطق روستایی
-۴/۷	-۶/۸	۴۴/۷	۴۹/۴	۴۹/۸	۵۶/۶	
بخش صنعت:						
						کل
۴/۲	۵/۶	۲۸/۷	۲۴/۵	۳۰/۷	۲۵/۱	
						مناطق شهری
۲/۹	۳/۸	۲۹/۴	۲۶/۵	۳۳/۴	۲۹/۶	
						مناطق روستایی
۵/۶	۶/۶	۲۸/۴	۲۲/۸	۲۶/۶	۲/۲	
بخش خدمات:						
						کل
۰/۷	۲/۰	۴۶/۰	۴۵/۳	۴۴/۵	۴۲/۵	
						مناطق شهری
-۱/۴	-۱/۶	۶۲/۵	۶۳/۸	۵۹/۴	۶۱/۰	
						مناطق روستایی
-۰/۶	۱/۳	۲۵/۳	۲۵/۹	۲۲/۰	۲۰/۷	
نامشخص:						
						کل
-۱/۳	-۱/۵	۱/۶	۲/۹	۱/۸	۳/۳	
						مناطق شهری
-۱/۹	-۲/۱	۱/۸	۳/۷	۲/۰	۴/۱	
						مناطق روستایی
-۰/۵	-۰/۹	۱/۴	۱/۹	۱/۴	۲/۳	

۷-۲-۱- نرخ باسوادی در سال ۷۵، تغییر نسبت به سال ۶۵ و مقایسه با سطح ملی (به تفکیک شهری و روستایی)

بررسی اجمالی نرخ باسوادی در کشور و استان فارس نشان می‌دهد که در دوره مورد بحث همواره میزان باسوادی در استان فارس (چه بر حسب جنس و چه بر حسب مناطق شهری و روستایی) بیشتر از نرخ باسوادی در کشور بوده است (جدول ۶). ساکنان مناطق روستایی استان به ویژه از نظر این شاخص فاصله بیشتری با ساکنان این مناطق در کشور دارند.

اختلاف مشخص و معنی‌داری بین میزان باسوادی مردان و زنان در کشور و استان فارس وجود دارد. در سال ۱۳۶۵، این اختلاف برابر ۱۸/۹ درصد در کشور و ۱۸/۳ درصد در فارس بود. اختلاف یادشده در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است. در سال ۱۳۷۵، از فاصله نرخ باسوادی مردان و زنان کشور و استان در مقایسه با سال ۱۳۶۵ کاسته شد. در این سال نرخ باسوادی زنان کشور و فارس به ترتیب ۱۰/۵ درصد و ۸/۴ درصد کمتر از نرخ باسوادی مردان بود.

با توجه به آنچه که تاکنون گفته شد، به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که بی‌سوادی در استان فارس کمتر از معیارهای مربوط در کشور است. به عبارت دیگر در سال ۱۳۷۵، نرخ بی‌سوادی کل جمعیت، مردان و زنان کشور به ترتیب برابر ۲۰/۵ درصد، ۱۵/۳ درصد و ۲۵/۸ درصد بود. حال آنکه نرخ‌های یاد شده در استان به همان ترتیب برابر ۱۹/۲ درصد، ۱۴/۰ درصد و ۲۲/۶ درصد بوده است. همچنین باید توجه داشت که در این سال نرخ بی‌سوادی در مناطق شهری و روستایی کشور به ترتیب برابر ۱۴/۳ درصد و ۳۰/۷ درصد و در استان فارس (به همان ترتیب) برابر ۱۳ درصد و ۲۵/۳ درصد بوده است. محاسبه ساده‌ای آشکار می‌سازد که نرخ بی‌سوادی مناطق روستایی کشور و فارس حدود ۲ برابر نرخ بی‌سوادی در مناطق شهری مربوط می‌باشد.

جدول ۶- مقایسه نرخ باسودادی برحسب جنس در کشور و استان فارس

در طی سالهای ۷۵-۱۳۶۵

تغییرات دوره		استان فارس		کشور		شرح
استان	کشور	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	
مرد و زن:						
کل						
۱۶/۰	۱۷/۷	۸۱/۸	۶۵/۸	۷۹/۵	۶۱/۸	مناطق شهری
۱۱/۰	۱۲/۶	۸۷/۰	۷۶/۰	۸۵/۷	۷۳/۱	مناطق روستایی
۱۹/۹	۲۱/۳	۷۴/۷	۵۴/۸	۶۹/۳	۴۸/۰	
مرد:						
کل						
۱۱/۳	۱۳/۷	۸۶/۰	۷۴/۷	۸۴/۷	۷۱/۰	مناطق شهری
۷/۸	۹/۲	۹۰/۰	۸۲/۲	۸۹/۶	۸۰/۴	مناطق روستایی
۱۴/۰	۱۶/۹	۸۰/۶	۶۶/۶	۷۶/۵	۵۹/۶	
زن:						
کل						
۲۱/۰	۲۲/۱	۷۷/۴	۵۶/۴	۷۴/۲	۵۲/۱	مناطق شهری
۱۴/۴	۱۶/۳	۸۳/۸	۶۹/۴	۸۱/۷	۶۵/۴	مناطق روستایی
۲۶/۳	۲۶/۱	۶۸/۸	۴۲/۵	۶۲/۱	۳۶/۰	

اوضاع اقتصادی استان فارس:

در شناسایی اوضاع اقتصادی استان فارس در وحله اول به بررسی ظرفیت‌های تولیدی استان و پس از آن به بررسی وضعیت تجارت خارجی استان خواهیم پرداخت. هر چند که هدف اصلی ما از تهیه این گزارش شناسایی وضعیت تجارت خارجی استان می باشد اما در عین حال حصول به این مقصود بدون شناخت ساختار تولید استان کامل نخواهد بود. در بررسی ساختار تولید استان وضعیت تولید استان در دو بخش کشاورزی و صنعت بررسی خواهد شد. لازم به توضیح است که حذف بخش خدمات از حوزه بررسی ما در این گزارش خللی در کلیت بحث ایجاد نمی نماید. زیرا عمده کالاهای قابل تجارت (Tradeable) به این دو بخش تعلق دارند.

کشاورزی:

وسعت سرزمین به همراه شرایط اقلیمی و آب و هوایی مناسب وضعیت مناسبی را برای گسترش فعالیت‌های کشاورزی در استان فارس پدید آورده است این در حالیست که تنوع اقلیمی نیز موجبات گوناگونی در تنوع محصولات کشاورزی در این استان را فراهم آورده به طوری که مجموعه تولیدات کشاورزی این استان دامنه وسیعی از محصولات گرمسیری نظیر مرکبات و خرما تا محصولات سردسیری نظیر گردو و فندق را در بر می‌گیرد. در عین حال استان فارس به عنوان یکی از قطب‌های تولید و کشت گندم محسوب می‌گردد که در زمره محصولات استراتژیک قرار دارد. در ادامه وضعیت تولید کشاورزی در استان فارس مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گندم:

تولید گندم در استان فارس از ۱۴۳۲ هزار تن در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ به ۱۶۹۹ هزار تن در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته، بطوریکه در طول این مدت به طور متوسط از رشدی معادل ۲/۱ درصد در سال برخوردار بوده است. جدول (۹). در همین مدت تولید گندم در کل کشور با نرخ رشد متوسطی معادل ۱/۷ درصد در سال، از ۱۰۸۷۰ هزارتن به ۱۲۴۱۵۰ هزار تن افزایش یافته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود نرخ رشد سالانه تولید گندم در سطح استان فارس از مقدار مشابه در سطح کشور بیشتر بوده است. سطح زیر کشت این محصول استراتژیک در سطح استان فارس از ۴۹۰ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ به ۴۴۱ هزار هکتار در سال ۱۳۸۱-۱۳۸۰ کاهش یافته است.

جدول ۷- سطح زیر کشت محصولات کشاورزی استان فارس

در مقایسه با کل کشور

محصول	سال زراعی	۱۳۷۳-۷۴	۱۳۷۴-۷۵	۱۳۷۵-۷۶	۱۳۷۶-۷۷	۱۳۷۷-۷۸	۱۳۷۸-۷۹	۱۳۷۹-۸۰	۱۳۸۰-۸۱
گندم	استان فارس	۴۸۹۹۷۹	۵۱۶۹۹۶	۴۸۰۳۷۸	۴۶۹۳۲۷	۴۶۶۷۱۹	۴۰۰۸۴۲	۳۹۵۶۶۶	۴۴۱۱۰۸
	کل کشور	۶۷۸۱۷۶۶	۶۵۶۷۴۴۰	۶۳۲۷۹۲۸	۶۲۹۸۹۹۵	۶۱۷۹۷۴۶	۶۷۳۹۰۵۸	۵۱۰۰۷۱۷	۵۵۵۳۱۳۲
برنج (شلتوک)	استان فارس	۳۵۰۲۵	۴۸۲۹۷	۵۰۰۲۳	۳۲۲۷۴	۶۵۲۰۹	۶۱۱۵۵	۲۷۴۰۹	۵۷۲۳۷
	کل کشور	۵۶۳۳۸۱	۵۶۵۵۷۵	۶۰۱۳۴۴	۵۶۳۲۱۰	۶۱۴۹۶۳	۵۸۷۱۵۰	۵۳۴۳۳۱	۶۱۱۲۳۸
حبوبات	استان فارس	۱۷۴۴۷	۳۸۰۰۰	۴۹۶۸۱	۳۳۰۱۰	۲۶۱۹۵	۲۹۵۷۸	۳۵۶۸۸	۴۶۹۳۹
	کل کشور	۹۳۹۰۱۹	۱۱۰۹۷۶۰	۱۳۶۳۱۰۴	۱۰۳۴۰۸۳	۹۵۸۱۷۵۷	۹۳۴۸۳۹	۱۰۱۵۵۴۱	۱۱۴۴۷۰۰
دانه‌های روغنی	استان فارس	۸۰۹۶	۱۶۰۸۹	۱۹۶۷۴	۱۶۰۳۵	۱۹۵۱۰	۱۵۴۸۳	۱۲۷۸۷	۱۰۹۰۱
	کل کشور	۲۲۷۰۷۴	۱۹۷۶۹۱	۱۹۸۲۱۳	۲۳۳۱۵۸	۲۵۸۷۰۵	۲۳۷۲۷۲	۲۰۸۱۲۲	۲۳۲۴۲۶
پنبه	استان فارس	۹۹۶۹	۱۵۷۴۳	۲۲۹۲۴	۲۱۶۶۰	۱۵۳۷۳	۱۶۱۷۶	۱۲۳۴۶	۱۴۳۸۶
	کل کشور	۱۸۵۱۵۳	۲۷۲۱۷۷	۳۲۰۴۱۸	۲۳۸۳۵۸	۲۲۹۳۶۲	۲۱۶۰۲۱	۲۴۶۲۲۹	۱۵۱۲۲۱
توتون و تنباکو	استان فارس	۱۶۳	۲۷۹	۲۶۵	۱۸۷	۲۲۰	۴۶۴	۴۳	۱۵۰
	کل کشور	۱۱۵۰۹	۱۳۷۰۴	۱۷۵۶۹	۲۰۷۲۷	۲۱۰۹۱	۲۳۱۱۳	۱۹۶۸۵	۲۰۵۰۸
سیب‌زمینی	استان فارس	۸۳۶۸	۶۴۵۶	۶۲۹۰	۶۸۱۸	۱۰۰۵۸	۸۴۴۶	۱۰۰۱۵	۱۰۸۶۳
	کل کشور	۱۴۹۵۱۲	۱۴۴۶۷۰	۱۴۳۲۶۶	۱۵۷۸۱۱	۱۶۲۷۰۰	۱۶۰۸۳۲	۱۶۸۸۶۲	۱۷۴۵۶۲
پیاز	استان فارس	۵۳۸۶	۸۴۶۷	۲۵۷۸	۲۱۳۷	۳۱۵۰	۴۰۳۳	۳۲۹۱	۴۲۰۳
	کل کشور	۴۰۰۸۳	۴۷۹۹۷	۴۱۰۸۵	۲۴۴۹۹	۲۷۹۲۱	۵۵۷۷۵	۴۳۹۹۴	۴۵۲۹۹
محصولات جالبیزی	استان فارس	۱۹۷۲۴	۱۶۹۲۰	۱۲۶۲۹	۱۲۳۶۶	۱۸۱۳۱	۱۷۵۹۱	۱۰۶۴۵	۱۶۲۱۱
	کل کشور	۲۴۴۴۹۲	۲۸۰۳۱۳	۲۹۴۷۷۰	۳۳۵۴۰۷	۳۱۲۳۷۷	۲۶۶۴۶۹	۲۷۷۳۳۸	۲۹۰۲۱۸
میوه‌های دانه‌دار	استان فارس	۹۵۵۵۸	۹۵۲۰۷	۷۱۴	۶۹۰۴	۶۹۸۵	۸۲۲۹	۸۴۶۱	۸۱۴۱
	کل کشور	۴۸۹۹۱۹	۵۰۶۶۲۰	۱۶۴۱۴۹	۱۶۴۸۱۲	۱۶۴۰۵۲	۱۶۵۸۲۰	۱۶۸۰۶۶	۱۶۹۱۰۵
میوه‌های هسته‌دار	استان فارس	۴۱۲۸	۴۱۴۴	۴۲۳۰	۴۰۸۴	۴۲۵۶	۸۲۲۹	۴۲۹۹	۵۵۵۷
	کل کشور	۱۲۰۵۸۵	۹۹۶۲۵	۱۰۱۶۲۹	۱۰۸۸۳۱	۱۱۰۴۵۹	۱۶۵۸۲۰	۱۱۶۶۱۹	۱۲۱۶۹۶
میوه‌های گرمسیری	استان فارس	۵۷۸۵۵	۶۲۴۴۸	۱۰۶۷۶۳	۱۱۰۲۷۶	۱۰۹۸۵۵	۱۱۱۴۹۵	۱۱۲۵۶۷	۱۲۱۸۸۵
	کل کشور	۳۴۷۱۷۱	۳۵۱۱۷۱	۴۹۶۶۵۱	۵۳۴۹۱۷	۵۲۱۷۲۳	۵۲۶۸۹۴	۵۳۶۹۹۰	۵۵۶۶۲۱
میوه‌های خشک	استان فارس	۱۲۰۷۰	۱۳۹۴۰	۱۵۷۹۲	۱۶۳۸۸	۲۳۸۸۴	۲۴۵۸۳	۲۷۷۱۰	۳۱۹۷۹
	کل کشور	۸۵۵۱۷	۹۶۷۹۴	۳۴۸۸۳۷	۳۷۷۸۴۳	۴۰۳۶۴۷	۴۰۸۱۷۹	۴۳۸۵۹۲	۴۸۸۵۲۳

میوه‌های نواحی گرمسیری شامل مرکبات، خرما، زیتون، کیوی، خرمالو، انجیر

میوه‌های خشک شامل گردو، بادام، فندق و پسته

میوه‌های دانه‌دار شامل سیب‌گلابی و به

میوه‌های هسته‌دار شامل زردآلو، شفتالو، گیلاس، آلبالو، شلیل، قیسی

جدول ۸- میزان تولید محصولات کشاورزی استان فارس
در مقایسه با کل کشور (تن)

محصول	سال زراعی	۱۳۷۳-۷۴	۱۳۷۴-۷۵	۱۳۷۵-۷۶	۱۳۷۶-۷۷	۱۳۷۷-۷۸	۱۳۷۸-۷۹	۱۳۷۹-۸۰	۱۳۸۰-۸۱
گندم	استان فارس	۱۴۳۱۹۶۲	۱۴۵۶۱۳۸	۱۴۲۲۲۴۵	۱۵۶۳۸۳۰	۱۴۵۲۸۵۷	۱۴۴۴۰۵۳	۱۱۸۸۱۰۶	۱۳۱۶۶۶۸
	کل کشور	۱۰۸۶۹۵۶۱	۱۱۲۲۷۵۴۴	۱۰۰۱۵۱۸۶	۱۰۰۴۴۷۱۹	۱۱۹۵۵۰۸۴	۸۶۷۳۱۹۷	۸۰۸۷۷۵۶	۹۴۵۸۶۱۸
برنج (شلتوک)	استان فارس	۱۲۴۹۳۹	۱۹۷۴۴۵	۲۳۳۵۳۷	۱۳۹۶۱۷	۲۸۶۵۱۴	۲۵۳۹۷۰	۱۰۳۵۳۰	۹۵۳۴۳
	کل کشور	۲۲۵۸۹۶۷	۲۳۰۰۹۰۱	۲۶۸۶۷۲۷	۲۳۵۰۱۲۴	۲۷۷۰۵۷۴	۲۳۴۸۲۴۱	۱۹۷۱۴۶۲	۱۹۹۰۲۲۳
حبوبات	استان فارس	۱۴۱۳۶	۳۲۲۴۷	۵۳۵۳۱	۳۵۰۶۶	۲۷۳۵۸	۲۵۷۶۲	۳۹۹۰۶	۲۵۳۴۹
	کل کشور	۶۲۶۵۴۹	۶۷۶۲۱۹	۷۰۴۰۹۸	۵۴۵۷۰۷	۵۷۶۹۴۴	۴۷۱۱۶۹	۵۶۱۵۱۹	۵۵۸۱۰۱
دانه‌های روغنی	استان فارس	۶۶۳۵	۱۳۲۱۰	۱۶۵۵۹	۱۳۴۸۹	۱۵۴۶۹	۱۳۹۳۹	۱۰۴۳۹	۹۴۳۳
	کل کشور	۲۸۸۱۹۵	۲۳۳۵۹۷	۲۱۰۱۵۰	۲۶۷۰۹۵	۳۲۹۱۲۱	۲۷۱۰۶۸	۲۴۶۹۰۷	۲۴۷۶۳۴
پنبه	استان فارس	۲۵۲۸۲	۴۲۸۹۴	۵۸۰۷۲	۵۴۵۳۵	۳۹۵۷۷	۴۴۱۵۶	۳۱۶۰۰	۳۹۱۴۵
	کل کشور	۳۸۶۷۹۶	۵۲۳۲۶۱	۵۹۷۹۷۷	۴۵۰۸۲۰	۴۵۹۶۵۲	۴۴۰۷۶۷	۴۹۷۱۲۴	۴۱۱۵۸۰
توتون و تنباکو	استان فارس	۲۰۳	۳۶۹	۳۲۵	۳۳۲	۱۹۵	۹۴۰	۹۸	۲۱۱
	کل کشور	۹۸۸۶	۱۳۸۴۷	۱۷۴۴۸	۲۴۰۳۲	۲۳۲۸۳	۲۲۳۱۳	۲۰۹۸۰	۱۹۸۴۹
سیب‌زمینی	استان فارس	۲۰۸۱۷۸	۱۵۳۲۲۵	۱۷۶۳۹۵	۱۸۶۴۱۲	۲۱۲۳۴۴	۱۸۸۶۷۹	۱۹۰۶۰۵	۱۸۱۲۵۳
	کل کشور	۳۱۸۴۸۳۹	۳۰۷۴۰۹۶	۳۱۳۹۹۲۱	۳۲۸۴۱۰۵	۳۴۳۰۴۰۷	۳۴۳۱۰۹	۳۶۵۸۰۳۵	۳۴۸۵۸۱۴
پیاز	استان فارس	۲۱۸۳۳۵	۱۷۳۹۳۰	۱۱۴۴۵۶	۶۵۷۶۵	۷۴۴۹۲	۱۶۸۶۶۶	۹۲۱۴۰	۷۸۵۱۶
	کل کشور	۱۱۱۲۴۲۲	۱۱۳۰۴۷۳	۱۲۰۱۹۹۹	۱۱۵۷۲۱۷	۱۲۰۹۸۵۰	۱۶۷۶۸۹۴	۱۳۴۳۵۸۸	۱۴۱۹۲۹۷
محصولات جالبیزی	استان فارس	۳۷۳۸۸۸	۳۵۴۳۸۹	۲۷۹۲۰۵	۲۲۸۶۶۲	۳۴۳۷۸۰	۳۸۱۵۴۸	۱۹۴۹۱۲	۱۷۰۸۵۵
	کل کشور	Non	۳۶۳۴۲۹۲	۴۲۳۶۶۷۱	۴۶۷۴۱۱۲	۵۵۹۳۱۶۰	۵۳۱۸۱۶۷	۴۵۱۱۱۹۴	۴۵۸۵۴۷۶
میوه‌های دانه‌دار	استان فارس	۴۶۹۳۹۳	۴۵۹۰۱۴	۹۰۲۴۸	۹۲۰۴۸	۹۶۴۶۳	۱۱۵۰۲۲	۱۱۰۸۸۶	۱۲۰۲۷۳
	کل کشور	۴۶۰۱۶۹۵	۴۸۲۳۶۷۶	۲۱۵۹۴۳۶	۲۲۳۷۱۶	۲۱۶۶۲۴۸	۲۳۳۵۱۶۴	۲۳۶۰۷۲۳	۲۵۷۵۴۸۷
میوه‌های هسته‌دار	استان فارس	۲۵۵۱۹	۲۶۲۵۳	۲۶۱۹۵	۳۶۶۸۶	۳۳۴۱۱	۴۱۸۲۶	۳۳۱۷۵	۴۰۴۹۳
	کل کشور	۱۰۶۹۶۶۰	۸۱۲۶۵۳	۸۹۱۳۲۷	۹۷۲۴۰۸	۱۰۳۴۴۵۵	۱۰۶۶۷۵۳	۱۱۰۳۹۱۳	۱۱۵۵۵۵۳
میوه‌های گرمسیری	استان فارس	۷۱۰۰۴۶	۸۳۲۲۸۵	۱۰۶۸۵۳۱	۱۲۰۴۱۵۹	۱۱۷۵۲۳۷	۱۲۴۶۱۷۲	۱۲۹۴۲۷۶	۱۴۴۱۴۸۹
	کل کشور	۳۸۲۴۹۰۲	۳۸۳۱۰۱۸	۴۹۹۲۹۸۸	۵۳۸۴۷۶۵	۵۴۴۱۵۰۴	۵۶۴۶۰۷۱	۵۶۰۵۸۱۰	۵۵۶۵۵۴۹
میوه‌های خشک	استان فارس	۳۴۳۶۴	۲۹۸۸۹	۲۷۱۵۸	۳۰۶۷۵	۴۰۷۸۳	۳۷۵۵۳	۳۶۳۵۲	۴۹۲۹۸
	کل کشور	۲۱۷۰۸۳	۱۹۸۷۵۱	۴۸۱۰۹۳	۳۲۸۹۴۳	۵۹۰۴۰۹	۳۸۷۰۰	۵۵۲۱۸۹	۳۹۵۹۴۴

میوه‌های نواحی گرمسیری شامل مرکبات، خرما، زیتون، کیوی، خرمالو، انجیر

میوه‌های خشک شامل گردو، بادام، فندق و پسته

میوه‌های دانه‌دار شامل سیب، گلابی و به

میوه‌های هسته دار شامل زردآلو، شفتالو، گیلاس، شلیل، قیسی

سطح زیر کشت گندم در استان فارس در طول سال‌های مورد بررسی به طور متوسط سالانه معادل ۱/۳ درصد کاهش یافته است (جدول ۸). متوسط نرخ کاهش سطح زیر کشت گندم در سطح کشور در طول این سال‌ها معادل یک درصد بوده است. با توجه به اینکه میزان تولید و سطح زیر کشت محصولات کشاورزی سیار متغیر است و از روند مشخص تبعیت نمی‌کند بهتر دیدیم که سهم تولید سطح زیر کشت گندم در سطح استان را نیز مقایسه نماییم. سهم سطح زیر کشت گندم استان فارس در کل کشور در تمامی سال‌های مورد بررسی (جدول ۹) از سهم تولید این محصول در استان فارس نسبت به کل کشور (جدول ۸) کمتر بوده است. مقایسه این دو شاخص تا حد زیادی گویای این است که استان فارس از نظر عملکرد تولید گندم در واحد سطح، در وضعیت مناسب تری نسبت به کل کشور قرار دارد. با عنایت به اینکه گندم در زمره محصولات استراتژیک محسوب می‌گردد و سالانه مقادیر زیادی گندم به کشور وارد می‌گردد. توجه به ظرفیت‌های موجود در این استان به منظور قطع وابستگی به واردات این کالای استراتژیک حائز اهمیت فراوان است.

برنج:

میزان تولید برنج (شلتوک) استان فارس از ۱۲۵ هزار تن در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۲/۸ درصد به ۲۴۳/۸ هزار تن در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته است. جدول (۹) در طول این مدت تولید برنج (شلتوک) در کل کشور با نرخ متوسط سالانه‌ای معادل ۳/۱ درصد از ۲۲۵۹ هزار تن به ۲۸۸۸ هزار تن افزایش یافته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود متوسط نرخ رشد سالانه تولید برنج (شلتوک) در استان فارس از رقم مشابه برای کل کشور بیشتر بوده است. هم‌زمان با افزایش سطح تولید برنج (شلتوک) در استان فارس، سطح زیر کشت این محصول نیز از ۳۵ هزار هکتار به ۵۷/۲ هزار هکتار افزایش یافته، به طوری که در این مدت از نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۶/۱ درصد برخوردار بوده است. متوسط نرخ رشد سطح زیر کشت برنج (شلتوک) در کل کشور معادل یک درصد بوده است. سهم سطح زیر کشت برنج در استان فارس به کل سطوح زیر کشت این محصول در کل کشور در جدول (۱۱) ارائه شده است. مقایسه سهم

سطح زیر کشت استان با سهم تولید برنج استان فارس از تولید برنج کل کشور، جدول (۸) در سال‌های مختلف نشان می‌دهد که (به استثنای سال اول و پایان دوره مورد بررسی) وضعیت استان فارس از حیث مزیت در تولید برنج تفاوت چندانی با متوسط کل کشور ندارد، به طوری که در اکثر سال‌های مورد بررسی دو نسبت فوق‌الذکر اختلاف چندانی با یکدیگر ندارند.

حبوبات:

میزان تولید حبوبات در استان فارس از ۱۴/۱ هزار تن در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۱۵/۸ درصد به ۴۹/۹ هزار تن در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته، در حالی که نرخ رشد متوسط سالانه تولید حبوبات در سطح کل کشور معادل ۸ درصد بوده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود متوسط نرخ رشد سالانه تولید حبوبات در سطح استان فارس از رقم مشابه برای کل کشور بیشتر بوده است. سطح زیر کشت حبوبات در استان فارس از ۱۷/۴ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ به ۴۶/۹ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته است، جدول (۸) متوسط نرخ رشد سالانه سطح زیر کشت حبوبات در استان فارس در طول دوره مورد بررسی معادل ۱۲/۴ درصد بوده که از رقم مشابه برای کل کشور (۱/۹ درصد) به مراتب بیشتر می‌باشد. مقایسه ارقام سهم سطح زیر کشت حبوبات در استان فارس از کل اراضی زیر کشت حبوبات کشور جدول (۸) با سهم تولید حبوبات استان فارس از کل تولید حبوبات کشور، جدول (۱۲) نشان می‌دهد که استان فارس از حیث مزیت در تولید حبوبات وضعیت بهتری نسبت به متوسط کل کشور دارد. زیرا در تمامی سال‌های مورد بررسی سهم تولید حبوبات استان فارس از تولید حبوبات در کل کشور از سهم سطح زیر کشت حبوبات در استان فارس از کل اراضی زیر کشت حبوبات در کل کشور بیشتر می‌باشد.

دانه‌های روغنی:

میزان تولید دانه‌های روغنی در استان فارس از ۶/۶ هزار تن در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۸/۸ درصد به ۱۳/۴ هزار تن در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰

افزایش یافته است. متوسط نرخ رشد سالانه تولید دانه‌های روغنی در کل کشور در طول همین دوره معادل ۲ درصد بوده که از نرخ رشد مشابه در استان فارس کمتر می باشد. البته پیشی گرفتن رشد تولید دانه‌های روغنی در سطح استان فارس از کل کشور با رشد بیشتر سطح زیر کشت این گونه محصولات در استان فارس (نسبت به کل کشور) بوده است. سطح زیر کشت دانه‌های روغنی در استان فارس با نرخ رشدی معادل ۳/۷ درصد از ۸/۱ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ به ۱۰/۹ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته است و این در حالیست که نرخ رشد سطح زیر کشت دانه‌های روغنی در سطح کل کشور طی همین دوره معادل ۰/۳ درصد بوده است. مقایسه سهم سطح زیر کشت دانه‌های روغنی در استان فارس با سهم تولید دانه‌های روغنی در استان فارس از کل کشور نشان می دهد که این استان از حیث تولید دانه‌های روغنی در سطح پایین تری از متوسط کل کشور قرار دارد. زیرا سهم سطح زیر کشت دانه‌های روغنی در استان فارس در تمامی سال‌ها از سهم تولید این گونه محصولات در این استان بیشتر بوده است.

پنبه:

میزان تولید پنبه در استان فارس از ۲۵/۳ هزار تن در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ به حدود ۳۷/۲ هزار تن در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته است. نرخ رشد متوسط سالانه تولید پنبه در استان فارس در طول این سال‌ها معادل ۴/۸ درصد بوده است. در طول همین دوره سطح تولید پنبه در سطح کشور از ۳۸۶/۸ هزار تن به ۳۴۵/۴ هزار تن افزایش یافته است. میزان تولید پنبه در طول دوره مورد بررسی به طور متوسط ۳/۸ درصد در سال کاهش داشته است. سطح زیر کشت پنبه در استان فارس از ۱۰ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ به ۱۴/۴ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته، به طوری که در طول این دوره به طور متوسط سالانه معادله ۴/۶ درصد رشد داشته است. در مقابل طی این مدت سطح زیر کشت پنبه در کل کشور از ۱۸۵/۴ هزار هکتار به ۱۵۱/۲ هزار هکتار کاهش یافته است. هر چند که سطح زیر کشت پنبه در طول دوره مورد بررسی رشد داشته اما سطح زیر کشت پنبه در کل کشور در طول این مدت کاهش یافته است. مقایسه سهم تولید پنبه استان فارس با سهم سطح زیر کشت پنبه در این استان از کل کشور نشان می دهد

که این استان از حیث کشت پنبه در وضعیت مساعدتری نسبت به متوسط کل کشور قرار دارد. زیرا در تمامی سال‌های مورد بررسی سهم سطح زیر کشت پنبه استان فارس از سهم تولید پنبه این استان از کل کشور کمتر بوده است.

توتون و تنباکو:

میزان تولید توتون و تنباکو در استان فارس از ۲۰۳ تن در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ به ۲۱۰ تن در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته و در طول این دوره از نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۰/۳ درصد برخوردار بوده است. جدول (۱۰) قابل توجه است که سطح تولید توتون و تنباکو کل کشور در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ معادل ۹۸۸۶ تن بوده که در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ به ۲۶۷۴۳ تن افزایش یافته که در طول این مدت از متوسط نرخ رشد سالانه‌ای معادل ۱۲/۴ درصد برخوردار بوده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود طی دوره مورد بررسی نرخ رشد سالانه تولید تنباکو در سطح استان فارس از رقم مشابه در سطح کل کشور کوچکتر بوده است. سطح زیر کشت توتون و تنباکو در سطح استان فارس در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲، ۱۶۳ هکتار بوده که این مقدار در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ به ۱۵۰ هکتار کاهش یافته است. سطح زیر کشت توتون و تنباکو در استان فارس طی دوره مورد بررسی به طور متوسط سالانه یک درصد در سال کاهش یافته است. البته در همین مدت سطح زیر کشت توتون و تنباکو در کل کشور از ۱۱/۵ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ به ۲۰/۵ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته، به طوری که در طول دوره مورد بررسی به طور متوسط سالانه ۷/۲ درصد رشد داشته است. جدول (۸) همان‌طور که ملاحظه می‌شود استان فارس از نظر میزان تولید توتون و تنباکو و نیز سطح زیر کشت این محصول در سطح پایین تری نسبت به کل کشور قرار داشته است.

سیب زمینی:

سطح تولید سیب زمینی در استان فارس از ۲۰۸/۲ هزار تن در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۷٪ درصد به ۲۲۰/۹ هزار تن در سال زراعی

۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته است. لازم به ذکر است که طی همین مدت سطح تولید سیب زمینی کل کشور از ۳۱۸۴/۸ هزار تن به ۳۷۵۵/۸ هزار تن افزایش یافته به طوری که در این مدت از نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۲/۱ درصد برخوردار بوده است. جدول (۸) سطح زیر کشت این محصول در استان فارس در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ معادل ۸/۴ هزار هکتار بوده که در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ به ۱۰/۹ هزار هکتار افزایش یافته است. متوسط رشد سالانه سطح زیر کشت سیب زمینی استان فارس طی دوره مورد بررسی معادل ۳/۳ درصد بوده است. در مقابل سطح زیر کشت سیب زمینی در کل کشور طی این مدت با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۱/۳ درصد از ۱۴۹/۵ هزار هکتار به ۱۶۵/۸ هزار هکتار افزایش یافته است. در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ در حدود ۵/۶ درصد از اراضی زیر کشت کشور را تشکیل می‌داده است. تا سال زراعی ۱۳۷۶-۱۳۷۵ سهم اراضی زیر کشت سیب زمینی استان فارس در کل کشور از سهم تولیدات سیب زمینی در این استان در کل کشور کمتر بوده اما این دو سهم در سال زراعی ۱۳۷۷-۱۳۷۶ با یکدیگر برابر شده‌اند در حالی که از این سال به بعد تا سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ سهم اراضی سیب زمینی استان فارس در کل کشور از سهم تولید این استان در کل کشور بیشتر بوده است. این بررسی ابتدایی تا حدی گویای این است که تا سال زراعی ۱۳۷۶-۱۳۷۵ وضعیت استان فارس از حیث تولید سیب زمینی نسبت به کل کشور بهتر بوده اما از سال ۱۳۷۷-۱۳۷۶ این وضعیت برعکس شده است جدول (۸).

پیاز:

سطح تولید پیاز در سطح استان فارس از ۲۱۸/۳ هزار تن در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ با نرخ رشد کاهنده‌ای معادل ۴/۱ درصد در سال به ۱۵۶/۸ هزار تن در سال ۱۳۸۱-۱۳۸۰ کاهش یافته است. متوسط نرخ رشد تولید پیاز در سطح کل کشور در طول دوره مورد بررسی معادل ۱/۵ درصد بوده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این دوره متوسط نرخ رشد سالانه تولید پیاز در استان فارس علاوه بر اینکه منفی بوده از رقم مشابه در کل کشور کمتر بوده است. تولید پیاز استان فارس در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ در حدود ۱۹/۶ درصد تولید کل کشور را تشکیل می‌داده در حالی که سطح زیر کشت پیاز استان در همین

سال ۱۳۷۴-۱۳۷۳ در بیشتر سال‌ها سهم زیر کشت پیاز استان فارس از سهم تولید پیاز این استان در کل کشور کمتر بوده اما این وضعیت در سال‌های بعد متغیر بوده است. در عین حال در سال پایانی دوره مورد بررسی (۱۳۸۱-۱۳۸۰) تولید پیاز در استان فارس ۱۰/۳ درصد از تولید پیاز کل کشور را تشکیل می‌داده، در حالی که اراضی زیر کشت پیاز استان در این سال معادل ۹/۳ درصد کل اراضی زیر کشت پیاز بوده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سال پایانی دوره مورد بررسی تولید پیاز استان فارس سهم کمتری از تولید پیاز در کل کشور را در مقایسه با سال‌های ابتدایی این دوره مورد بررسی تشکیل می‌داده است جدول (۸).

محصولات جالیزی:

میزان تولید محصولات جالیزی استان فارس از ۳۷۳/۹ هزار تن در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ به ۳۱۲/۳ هزار تن در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ کاهش یافته است. در این مدت تولید محصولات جالیزی استان فارس به‌طور متوسط معادل ۲/۳ درصد در سال کاهش یافته است. در مقابل سطح تولید محصولات جالیزی کل کشور از ۳۶۳۴/۳ هزار تن در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ به ۵۳۲۴/۸ هزار تن در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته، به‌طوری که نرخ رشد متوسط سالانه تولید این‌گونه محصولات در طول این مدت ۵/۲ درصد بوده است جدول (۸). در طول دوره مورد بررسی سطح زیر کشت محصولات جالیزی استان فارس از ۱۹/۷ هزار هکتار به ۱۶/۲ هزار هکتار کاهش یافته است. سطح تولید محصولات جالیزی استان فارس در این مدت به‌طور متوسط سالانه ۲/۵ درصد کاهش یافته است. در عین حال سطح زیر کشت این‌گونه محصولات در سطح کشور از نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۲/۵ درصد برخوردار بوده، به طوری که از ۲۴۴/۵ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ به ۲۹۰/۲ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته است. جدول (۱۱) سهم تولید محصولات جالیزی استان از کل کشور در تمامی سال‌های مورد به استثنای سال زراعی ۱۳۷۹-۱۳۸۰ از سهم اراضی زیر کشت محصولات جالیزی استان از کل کشور بیشتر بوده است.

میوه‌های دانه دار:

سطح تولید میوه‌های دانه دار استان فارسی از ۴۶۹/۴ هزار تن در سال زراعی ۱۳۷۲-۱۳۷۳ به ۱۰۴/۶ هزار تن در سال زراعی ۱۳۸۰-۱۳۸۱ کاهش یافته است. در عین حال کاهش عمده تولید این گونه محصولات در سال زراعی ۱۳۷۵-۱۳۷۴ اتفاق افتاده است. البته میزان تولید میوه‌های دانه دار در کل کشور نیز در همین مدت از ۴۶۰۱/۷ هزار تن به ۲۵۵۷/۵ هزار تن کاهش یافته است. کاهش عمده تولید این گونه محصولات در کل کشور نیز در سال زراعی ۱۳۷۵-۱۳۷۴ روی داده است. سطح زیر کشت میوه‌های دانه دار استان فارس از ۹۵/۶ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ به ۸/۸ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۸۰-۱۳۸۱ کاهش یافته، به طوری که در این مدت از رشد کاهنده ۲۹/۸ درصد در سال برخوردار بوده است.

میوه‌های هسته‌دار^۱:

میزان تولید میوه‌های هسته دار استان فارس از ۲۵/۵ هزار تن در سال زراعی ۱۳۷۲-۱۳۷۳ با متوسط نرخ رشد سالانه‌ای معادل ۹/۷ درصد به ۵۵/۴ هزار تن در سال زراعی ۱۳۸۰-۱۳۸۱ افزایش یافته است. سطح تولید این گونه محصولات در کل کشور نیز در همین مدت از ۱۰۶۹/۷ هزار تن به ۱۶۰۹/۴ هزار تن افزایش یافته است. متوسط نرخ رشد سالانه این گونه محصولات در طول دوره بررسی در کل کشور معادل ۵/۱ درصد بوده که از رقم مشابه برای استان فارس کمتر بوده است (جدول ۸). سطح زیر کشت میوه‌های هسته دار استان فارس از ۴/۱ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ به ۵/۶ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۸۰-۱۳۸۱ افزایش یافته است. متوسط نرخ رشد سالانه اراضی زیر کشت میوه‌های دانه دار استان فارس در طول دوره مورد بررسی معادل ۳/۹ درصد بوده است. سطح زیر کشت میوه‌های هسته دار در کل کشور نیز در همین مدت از ۱۲۰/۶ هزار هکتار به ۱۲۳/۲ هزار هکتار افزایش یافته، به طوری که در این مدت از نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۰/۳ درصد در سال برخوردار بوده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود متوسط نرخ

۱. شامل زردآلو، هلو، شفتالو، شلیل.

رشد اراضی زیر کشت میوه‌های هسته دار در سطح استان از رقم مشابه برای کل کشور بیشتر بوده است جدول (۸).

سهم تولید میوه‌های دانه دار استان فارس از کل کشور در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ معادل ۲/۴ درصد بوده که در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ به ۳/۴ درصد افزایش یافته است. در عین حال سهم اراضی زیر کشت میوه‌های هسته دار استان فارس از کل کشور در همین مدت از ۳/۴ درصد به ۴/۵ درصد افزایش یافته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود سهم تولید میوه‌های دانه دار استان از کل کشور از سهم اراضی زیر کشت این گونه محصولات در تمامی سال‌های دوره مورد بررسی کمتر بوده که گویای وضعیت نامساعدتر استان فارس از حیث تولید این گونه محصولات نسبت به کل کشور می‌باشد.

میوه‌های گرمسیری^۱

تولید میوه‌های گرمسیری استان فارس از ۷۱۰/۱ هزار تن در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۹/۱ درصد به ۱۴۷۴/۲ هزار تن در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته است. میزان تولید این گونه محصولات در سطح کشور در طول دوره مورد بررسی نیز از ۳۸۲۴/۹ هزار تن به ۵۸۰۷ هزار تن افزایش یافته، به طوری که در این مدت از رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۵/۲ درصد برخوردار بوده است جدول (۸).

اراضی زیر کشت میوه‌های نواحی گرمسیری در استان فارس از ۵۷/۹ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۹/۳ درصد به ۱۲۱/۹ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته است. در عین حال اراضی زیر کشت میوه‌های گرمسیری کل کشور در همین مدت از ۳۴۷/۲ هزار هکتار به ۵۵۶/۶ هزار هکتار افزایش یافته به طوری که در این مدت از نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۵/۹ درصد برخوردار بوده است جدول (۸). اراضی زیر کشت میوه‌های گرمسیری در استان فارس در حدود ۱۶/۷ درصد از اراضی زیر کشت محصولات در کل کشور در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ را تشکیل می‌داده که این قسمت در سال پایانی دوره مورد بررسی به ۲۱/۹

۱. شامل مرکبات، خرما، زیتون، کیوی، خرمالو، انجیر

درصد افزایش یافته که سهم بالایی می باشد. سهم تولید میوه‌های گرمسیری استان فارس از تولید این گونه محصولات در کل کشور در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ معادل ۱۸/۶ درصد بوده که این سهم در سال ۱۳۸۱-۱۳۸۰ به ۲۵/۴ درصد افزایش یافته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در تمامی سال‌های دوره مورد بررسی سهم استان فارس از تولید میوه‌های نواحی گرمسیری کل کشور از سهم استان در اراضی زیر کشت این گونه محصولات در کل کشور بیشتر می باشد که این امر تا حدی گویای این مطلب است که استان فارس از حیث تولید میوه‌های نواحی گرمسیری در وضعیت بهتری نسبت به کل کشور قرار دارد.

میوه‌های خشک^۱

میزان تولید میوه‌های خشک استان فارس از ۳۴/۴ هزار تن در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۵ درصد به ۵۱/۱ هزار تن در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته است. در همین مدت میزان تولید میوه‌های خشک در کل کشور، با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۱۱/۷ درصد از ۲۱۷/۱ هزار تن به ۵۵۱/۶ هزار تن افزایش یافته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود نرخ رشد تولید میوه‌های خشک استان فارس در طول دوره مورد بررسی از رقم مشابه برای کل کشور کمتر بوده است (جدول ۸). اراضی زیر کشت میوه‌های خشک استان فارس از ۱۲/۱ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۷۳-۱۳۷۲ با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۱۲/۵ درصد به ۳۲/۷ هزار هکتار در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ افزایش یافته است. سطح زیر کشت این گونه محصولات در کل کشور طی دوره مورد بررسی از ۸۵/۵ هزار هکتار به ۴۸۸/۵ هزار هکتار افزایش یافته است. نرخ رشد متوسط سالانه اراضی زیر کشت این گونه محصولات در کل کشور معادل ۲۱/۸ درصد بوده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود نرخ رشد متوسط سالانه اراضی زیر کشت میوه‌های خشک از استان فارس از رقم مشابه برای کل کشور کمتر بوده است (جدول ۸). سهم استان فارس از اراضی زیر کشت میوه‌های خشک کل کشور در سال ۱۳۷۳-۱۳۷۲

۱. شامل: بادام، گردو، فندق و پسته.

معادل ۱۴/۱ درصد بوده که این سهم در سال زراعی ۱۳۸۱-۱۳۸۰ به ۶/۷ درصد کاهش یافته است. در همین مدت سهم استان فارس از تولید میوه‌های خشک کل کشور از ۱۵/۸ درصد به ۹/۳ درصد کاهش یافته است. جدول (۱۲) به همان طور که ملاحظه می‌شود در طول دوره مورد بررسی سهم استان فارس از تولید و اراضی زیر کشت میوه‌های خشک کل کشور کاهش یافته اما در تمامی سال‌های مورد بررسی سهم استان فارس در تولید میوه‌های خشکبار سهم این استان از اراضی زیر کشت این گونه محصولات بیشتر بوده است. این امر تا حدی بیانگر این موضوع است که استان فارس از حیث تولید میوه‌های خشک در وضعیت بهتری نسبت به متوسط کل کشور قرار دارد.

صنعت:

موفقیت استان فارس از نظر راه‌های ارتباطی و دسترسی آسان به بنادر و بازارهای مصرف شرایط مناسبی را برای رشد و توسعه صنایع در این استان فراهم آورده است. علاوه بر این وجود مراکز پتروشیمی و پالایشگاهی در این استان و نیز هم‌جواری با استان اصفهان به عنوان یکی از قطب‌های صنعت کشور شرایط دسترسی آسان به نهاده‌های تولید صنعتی را در استان فارس ایجاد کرده است. در سال ۱۳۷۳ در حدود ۵۵۰ کارگاه صنعتی با سرمایه‌ای بالغ بر ۸۴۷/۳ میلیارد ریال و با ظرفیت اشتغال ۱۱ هزار نفر در استان فارس جواز تأسیس دریافت کرده‌اند. این تعداد جواز تأسیس ۵/۸ درصد تعداد، ۶/۷ درصد سرمایه و ۴/۷ درصد ظرفیت اشتغالی کل جوازهای کارگاهی صادره در کشور را تشکیل می‌دهد. مقایسه این نسبت‌ها گویای این است که جوازهای صادره در استان فارس در این سال در مقایسه با کل کشور بیشتر معطوف به صنایع سرمایه‌بر بوده‌اند. جدول (۱۳) تعداد جوازهای کارگاه‌های صنعتی صادره استان فارس در سال ۱۳۷۵ با ۱۵/۱ درصد کاهش به ۴۶۷ فقره کاهش یافته است. در عین حال سرمایه این جوازها نیز با ۲۹/۷ درصد کاهش به ۵۹۵/۵ میلیارد ریال و ظرفیت اشتغال زایی آنها نیز با ۲/۹ درصد کاهش به ۱۰/۷ هزار نفر کاهش یافته است. جوازهای کارگاه‌های صنعتی صادره در استان فارس در سال ۱۳۷۴ کاهش یافته است. روند کاهنده تعداد جواز تأسیس کارگاه‌های صنعتی استان فارس تا سال ۱۳۷۷ ادامه یافته است. در این سال تعداد جواز تأسیس کارگاه‌های صنعتی استان به ۲۸۹ فقره کاهش

یافته که پایین‌ترین حد را در طول دوره مورد بررسی تشکیل می‌دهد. میزان سرمایه‌ای و ظرفیت اشتغال‌زایی جوازهای صادره استان در این سال به ترتیب معادل ۴۲۹/۱ میلیارد ریال و ۵/۹ هزار نفر بوده است. جوازهای تأسیس کارگاه‌های صنعتی استان در سال ۱۳۷۷ در حدود ۴/۲ درصد تعداد، ۱/۴ درصد سرمایه و ۳/۲ درصد ظرفیت اشتغال‌زایی کل جوازهای تأسیس کارگاه‌های صنعتی کشور را تشکیل می‌داده‌اند که گویای تمایل پایین به سرمایه‌گذاری صنعتی در این سال می‌باشد. روند رو به افزایش تعداد جواز کارگاه‌های صنعتی صادره از سال ۱۳۷۸ شروع شده است. تعداد جواز کارگاه‌های صنعتی صادر شده در سال ۱۳۷۸ معادل ۴۷۰ فقره بوده که در بردارنده سرمایه‌گذاری ۱۳۴۲ میلیارد ریالی و ظرفیت اشتغال‌زایی ۱۱/۹ هزار نفر بوده است. این مجوزها در حدود ۵/۸ درصد تعداد، ۴/۴ درصد سرمایه و ۵/۷ درصد ظرفیت اشتغال‌زایی مجوزهای صادره در کل کشور را تشکیل می‌داده‌اند. تعداد مجوزهای کارگاه‌های صنعتی صادر شده در سال ۱۳۸۱ به ۱۴۱۴ فقره افزایش یافته که متضمن سرمایه‌گذاری معادل ۵۱۳۸ میلیارد ریال و ظرفیت اشتغال‌زایی معادل ۳۰ هزار فرصت بوده‌اند. مجوزهای یاد شده ۵/۲ درصد تعداد، ۱/۹ درصد سرمایه و ۴/۲ درصد ظرفیت اشتغال‌زایی کل مجوزهای صادره کشور در این سال را تشکیل می‌داده‌اند. پایین‌تر بودن سهم سرمایه‌بری و اشتغال‌زایی این مجوزها در مقایسه با سهم تعداد آنها در کل کشور گویای این نکته است که در سال ۱۳۸۱ در مقایسه با متوسط کل کشور تمایل غالب به سرمایه‌گذاری در واحدهای کوچکتر بوده است.

اطلاعات مربوط به کارگاه‌های صنعتی که مجوز بهره‌برداری دریافت کرده‌اند در جدول (۹) ارائه شده است. تعداد کارگاه‌های صنعتی که در سال ۱۳۷۳ مجوز بهره‌برداری دریافت کرده‌اند ۱۸۲ فقره بوده است. حجم سرمایه‌گذاری انجام شده بر روی این واحدها معادل ۱۷۵/۵ میلیارد ریال بوده که در کل ۳/۸ هزار فرصت شغلی را ایجاد کرده‌اند. جوازهای بهره‌برداری از کارگاه‌های صنعتی که در سال ۱۳۷۳ صادر شده‌اند معادل ۴/۱ درصد تعداد، ۴/۴ درصد سرمایه و ۳/۳ درصد ظرفیت اشتغال‌زایی کل مجوزهای بهره‌برداری صادره کشور را در این سال تشکیل می‌داده‌اند (جدول ۹).

تعداد مجوزهای بهره‌برداری از کارگاه‌های صنعتی در سال‌های دوره مورد بررسی از

روند مشخصی تبعیت نکرده‌اند. در عین حال تعداد این مجوزها در سال ۱۳۸۱ معادل ۱۹۱ فقره باحجم سرمایه‌گذاری بالغ بر ۱۳۹۳ میلیارد ریال و ظرفیت اشتغال‌زایی معادل ۳/۲ هزار نفر بوده است. مجوزهای بهره‌برداری از کارگاه‌های صنعتی که در سال ۱۳۸۱ صادر شده‌اند ۴/۶ درصد تعداد، ۷/۷ درصد سرمایه و ۴/۱ درصد ظرفیت اشتغال‌زایی کل مجوزهای بهره‌برداری صادره کشور در این سال را تشکیل می‌داده‌اند.

بررسی وضعیت کارگاه‌های بزرگ صنعتی نشان می‌دهد که شاخص ارزش محصول و اشتغال کارکنان این گونه واحدها در سال ۱۳۷۷ به ترتیب معادل ۹۶/۱ واحد و ۱۰۰/۴ واحد بوده است که نسبت به سال قبل (۱۰۰=۱۳۷۶) به ترتیب ۳/۹ درصد کاهش و ۰/۴ درصد افزایش یافته‌اند. نرخ رشد شاخص ارزش محصول و اشتغال کارکنان در کل کشور در این سال به ترتیب معادل ۹/۰ درصد و ۱/۷ درصد بوده است جدول (۳). همان‌طور که ملاحظه می‌شود نرخ رشد این دو شاخص در سطح استان کمتر از کل کشور بوده است. شاخص ارزش محصول و اشتغال کارکنان کارگاه‌های بزرگ صنعتی استان فارس در سال ۱۳۷۸ به ترتیب معادل ۱۰۴/۸ واحد و ۱۰۰/۳ واحد بوده که نسبت به ارقام مشابه سال قبل به ترتیب ۹/۱ درصد رشد و ۱۵ درصد کاهش داشته‌اند و از ارقام مشابه در کل کشور (به ترتیب ۱۲/۲ درصد و ۴/۰ درصد) کوچکتر بوده‌اند. روند رو به رشد شاخص ارزش محصول در سال‌های بعد نیز ادامه یافته است. به طوری که در سال ۱۳۸۱ به ۱۴۴/۵ واحد بالغ گردیده است. ولی با این وجود در تمامی سال‌های مورد بررسی نرخ رشد شاخص ارزش محصول کارگاه‌های بزرگ صنعتی در سطح استان از ارقام مشابه برای کل کشور کوچکتر بوده است. شاخص اشتغال کارگاه‌های بزرگ صنعتی استان فارس با نرخ رشدی معادل ۱/۸ درصد نسبت به سال قبل به ۱۰۱/۴ واحد افزایش یافته است. ارقام رشد شاخص مزبور در تمامی سال‌های مورد بررسی به استثنای سال ۱۳۸۱ از ارقام مشابه در کل کشور کوچکتر بوده است.

تجارت خارجی

در حال حاضر امکان تحلیل منطق‌های تجارت خارجی به دلیل ضعف اطلاعات

امکان پذیر نمی‌باشد. به همین دلیل با پذیرش یک فرض تسهیل کننده عملکرد گمرک استان فارس را به عنوان نمودی از تجارت خارجی این استان مورد بحث قرار می‌دهیم. در سال ۱۳۷۰ معادل ۴۳۹۷ تن کالا به ارزش اسمی ۸۷۷۹ میلیون ریال از گمرکات استان فارس به خارج از کشور صادر گردیده است جدول (۱۰). مقدار صادرات کالا از استان فارس در سال ۱۳۷۵ به ۶۴۳۵ تن و با ارزشی معادل ۲۸۹۰۲ میلیون ریال افزایش یافته است. روند رو به افزایش وزن کالای صادر شده از استان فارس تا سال ۱۳۷۸ ادامه یافته ولی پس از یک کاهش موقتی در سال ۱۳۷۹ مجدداً تا سقف ۲۳۴۸۱ تن در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. البته روند رو به رشد ارزش کالاهای صادره شده تا سال ۱۳۷۷ افزایش یافته ولی پس از آن به مدت دو سال کاهش یافته ولی در دو سال پایانی دوره مورد بررسی مجدداً افزایش یافته است. ارزش کالاهای صادره شده از گمرکات استان فارس در سال ۱۳۸۱ معادل ۲۸۳۴۵۱ میلیون ریال بوده که نسبت به سال قبل از رشد معادل ۱۸۲ درصد برخوردار بوده است. در عین حال احتساب چنین نرخ رشدی برای ارزش کالاهای صادره شده دور از ذهن می‌باشد که می‌توان ریشه‌های آن را در چگونگی انعکاس اطلاعات تجارت خارجی در سالنامه آماری استان فارس و یا اجرای سیاست تک نرخ ارز و افزایش نرخ تسعیر صادرات دلاری به ریالی جستجو کرد.

ارزش کالاهای صادره شده از طریق گمرکات استان فارس بر اساس شاخص قیمت صادره کننده (۱۳۷۶=۱۰۰) تعدیل شده است ارزش واقعی صادرات کالاهای غیرنفتی بر اساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ از ۵۴۸۰۹ میلیون ریال در سال ۱۳۷۰ به ۱۱۰۱۲۱ میلیون ریال در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. متوسط نرخ رشد سالانه صادرات واقعی استان در طول این مدت معادل ۷ درصد بوده است. علی‌رغم افزایش ارزش واقعی صادرات غیرنفتی از استان فارس در طول دوره مورد بررسی، تغییر این متغیر در طول این سال‌ها از روند منظمی تبعیت نکرده است. ارزش واقعی کالاهای صادره شده از ۱۲۴۷ هزار ریال برای هر تن در سال ۱۳۷۰ تا ۵۸۰۴ هزار ریال برای هر تن در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته اما پس از آن تا ۱۰۱۵۴ هزار ریال برای هر تن در سال ۱۳۸۰ کاهش یافته، اما متعاقب آن در سال ۱۳۸۱ (سال پایانه دوره مورد بررسی) مجدداً افزایش یافته است.

جدول ۱۰- عملکرد گمرکات استان فارس

سال	صادرات				واردات			
	وزن	ارزش	ارزش واقعی	ارزش واحد	وزن	ارزش	ارزش واقعی	ارزش واحد
۱۳۷۰	۴۳۹۷	۸۸۷۹	۵۴۸۰۹	۱۲۴۷	۱۲۲۴	۱۴۷۴۹	۹۱۰۴۳	۷۴۳۸۲
۱۳۷۵	۶۴۳۵	۲۸۹۰۲	۳۱۱۴۴	۴۸۴۰	۱۲۹۸	۱۰۵۰۶۱	۱۱۲۲۴۵	۸۶۴۷۵
۱۳۷۶	۷۳۱۵	۴۲۴۵۵	۴۲۴۵۵	۵۸۰۴	۱۸۸۳	۱۳۴۵۰۲	۱۳۴۵۰۲	۷۱۴۳۰
۱۳۷۷	۹۸۲۹	۴۵۰۵۹	۳۶۸۷۳	۳۷۵۱	۳۶۵۱	۷۳۰۹۴	۶۶۴۴۹	۱۸۲۰۰
۱۳۷۸	۱۲۳۴۵	۳۶۲۳۵	۱۸۵۵۴	۱۵۰۳	۳۵۰۸	۵۳۹۶۳	۴۰۲۱۱	۱۱۴۶۳
۱۳۷۹	۱۱۵۰۸	۳۱۲۱۱	۱۳۵۸۲	۱۱۸۰	۴۰۵۳	۴۰۴۲۴	۲۶۵۷۷	۶۵۵۷
۱۳۸۰	۱۹۳۱۹	۴۵۷۷۵	۱۹۶۱۲	۱۰۱۵	۳۹۳۲	۲۷۱۲۱۱	۱۷۶۹۱۵	۴۴۹۹۴
۱۳۸۱	۲۳۴۸۱	۲۸۳۴۵۱	۱۱۰۱۲۱	۴۶۹۰	۳۵۸۵	۴۲۷۷۱۷	۲۶۷۹۹۳	۷۴۷۵۴

ماخذ: سالنامه آماری استان فارس

وزن: تن

ارزش اسمی: میلیون ریال

ارزش واقعی: ملیون ریال

ارزش واحد: تن / هزار ریال

ترکیب صادرات غیر نفتی استان فارس در جدول (۱۰) ارائه شده است در سال ۱۳۸۰ معادل ۱۹۳۱۹ تن کالا به ارزش ۴۵۷۷۴ میلیون ریال از طریق گمرکات استان صادر گردیده که کالاهای سنتی و کشاورزی ۳۷/۲ درصد وزن (۷۱۸۲ تن) و ۵۳/۸ درصد ارزش (۲۴۶۳۴ میلیون ریال) آنها را تشکیل می‌داده‌اند. در گروه کالاهای سنتی و کشاورزی اقلامی مانند فرش دستباف و شیرین بیان با اختصاص به ترتیب ۱۳۱۰۵ میلیون ریال و ۷۸۴۰ میلیون ریال در حدود ۴۵/۷ درصد از کل ارزش صادرات و ۸۵ درصد ارزش کالاهای سنتی کشاورزی را تشکیل داده‌اند. صادرات کالاهای صنعتی استان فارس ۳۹/۸ درصد وزن (۷۶۹۸ تن) و ۱۹/۶ درصد ارزش (۸۹۷۳ میلیون ریال) کل صادرات غیر نفتی استان در سال ۱۳۸۰ را تشکیل داده‌اند. صادرات مصنوعات فلزی و یخچال و فریزر و سایر لوازم برقی به ترتیب با اختصاص ۴/۸ درصد و ۴/۵ درصد از ارزش صادرات استان فارس اقلام عمده صادرات کالاهای صنعتی استان در این سال را تشکیل می‌داده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود سهم غالب صادرات استان فارس در سال ۱۳۸۰ به کالاهای سنتی و کشاورزی اختصاص داشته است.

جدول ۱۱- وزن و ارزش صادرات غیرنفتی استان فارس

شرح نوع کالاها	۱۳۸۰		۱۳۸۱		رشد	
	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش
کالاهای سنتی و کشاورزی	۷۱۸۲	۲۴۶۳۴	۷۱۲۹	۱۳۸۴۳۱	-۰/۷	۴۶۲/۰
فرش دستباف	۲۵۲	۱۳۱۰۵	۳۰۲	۵۸۲۰۹	۱۹/۸	۳۴۴/۲
میوه‌های تازه و خشک	۴۶۴	۴۳۷	۴۸۰	۵۵۳۹	۳/۴	۱۱۶۷/۵
پوست و سلامبور	-	۱۴۹۷	۳۹۵	۱۰۲۸۰	-	۵۸۶/۷
شیرین بیان	۵۹۹۹	۷۸۴۰	۴۵۳۴	۴۸۱۱۹	-۲۴/۴	۵۲۲/۷
صمغ‌ها	۱۶۶	۱۳۸	۲۳۴	۱۵۶۹	۴۱/۰	۱۰۳۷/۰
کتیرا	۴۹	۷۲۳	۲۶	۲۷۷۴	-۴۶/۹	۲۸۳/۷
سایر	۲۵۲	۸۹۴	۱۱۵۸	۱۱۲۴۱	۳۵۹/۵	۱۱۵۷/۴
کالاهای صنعتی	۷۶۹۸	۸۹۷۳	۱۱۷۱۹	۱۴۴۵۸۶	۵۲/۲	۱۵۱۱/۳
سیمان سنگ و مصالح ساختمانی	۳۱۳۹	۱۵۳۸	۲۷۴۱	۱۲۱۵۸	-۱۲/۷	۶۹۰/۵
پخچال، فریزر و سایر لوازم برقی	۲۶۹	۲۰۶۲	۲۲۸	۱۴۴۲۳	-۱۵/۲	۵۹۹/۵
مصنوعات فلزی	۲۳۱	۲۱۸۶	۱۳۰۶	۶۵۶۵۶	۴۶۵/۴	۲۹۰۳/۵
پوشاک و پارچه	۱۶	۳۰۳	۱۰۳۹	۱۳۵۴۲	۶۳۹۳/۸	۴۳۶۹/۳
مواد شیمیایی و پتروشیمی	۹۵۵	۲۹۰	۶۴۷	۱۷۳۸	-۳۲/۳	۴۹۹/۳
آبمیوه و کنسانتره	۸	۱۶	۹۱۵	۵۲۶۶	۱۱۳۳۷/۵	۳۲۸۱۲/۵
سایر	۳۰۸۰	۲۵۷۸	۴۸۴۳	۳۱۸۰۳	۵۷/۲	۱۱۳۳/۶
کالاهای متفرقه	۴۴۳۹	۱۲۱۶۷	۴۶۳۳	۴۳۴	۴/۴	-۹۶/۴
جمع	۱۹۳۱۹	۴۵۷۷۴	۲۳۴۸۱	۲۸۳۴۵۱	۲۱/۵	۵۱۹/۲

مأخذ: سالنامه آماری استان فارس

وزن: تن

ارزش: میلیون ریال

وزن و ارزش کالاهای صادره شده از استان فارس به ترتیب با ۲۱/۵ درصد افزایش در وزن و ۵۱۹/۲ درصد افزایش در ارزش به ۲۳۴۸۱ تن و ۲۸۳۴۵۱ میلیون ریال در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. در این سال کالاهای سنتی و کشاورزی ۳۰/۴ درصد وزن و ۴۸/۸ درصد ارزش کالاهای صادراتی استان را تشکیل می‌داده است. در میان اقلام تشکیل دهنده این گروه صادرات فرش دستباف و شیرین بیان در مجموع معادل ۱۰۷۰۲۸ میلیون ریال

بوده که ۳۷/۷ درصد کل صادرات و ۷۷ درصد از صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی استان در سال ۱۳۸۱ را تشکیل می‌داده‌اند.

جدول ۱۲- سهم وزن و ارزش صادرات غیر نفتی (درصد)

۱۳۸۱		۱۳۸۰		شرح
ارزش	وزن	ارزش	وزن	نوع کالا
۴۸/۸	۳۰/۴	۵۳/۸	۳۷/۲	کالاهای سنتی و کشاورزی
۲۰/۵	۱/۳	۲۸/۶	۱/۳	فرش دستباف
۲/۰	۲/۰	۱/۰	۲/۴	میوه‌های تازه و خشک
۳/۶	۱/۷	۳/۳	-	پوست و سلامبور
۱۷/۲	۱۹/۳	۱۷/۱	۳۱/۱	شیرین بیان
۰/۶	۱/۰	۰/۳	۰/۹	صمغ‌ها
۱/۰	۰/۱	۱/۶	۰/۳	کتیرا
۴/۰	۴/۹	۲/۰	۱/۳	سایر
۵۱/۰	۴۹/۹	۱۹/۶	۳۹/۸	کالاهای صنعتی
۴/۳	۱۱/۷	۳/۴	۱۶/۲	سیمان سنگ و مصالح ساختمانی
۵/۱	۱/۰	۴/۵	۱/۴	یخچال، فریزر و سایر لوازم برقی
۲۳/۲	۵/۶	۴/۸	۱/۲	مصنوعات فلزی
۴/۸	۴/۴	۰/۷	۰/۱	پوشاک و پارچه
۰/۶	۲/۸	۰/۶	۴/۹	مواد شیمیایی و پتروشیمی
۱/۹	۳/۹	۰/۰	۰/۰	آبمیوه و کنسانتره
۱۱/۲	۲۰/۶	۵/۶	۱۵/۹	سایر
۰/۲	۱۹/۷	۲۶/۶	۲۳/۰	کالاهای متفرقه
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

مأخذ: سالنامه آماری استان فارس

وزن: تن

ارزش: میلیون ریال

صادرات کالاهای صنعتی در سال ۱۳۸۱ در حدود ۴۹/۹ درصد وزن (۱۱۷۱۹ تن) و ۵۱ درصد ارزش (۱۴۴۵۸۶ میلیون ریال) کل صادرات استان را تشکیل می‌داده‌اند. در این سال نیز صادرات مصنوعات فلزی با اختصاص ۲۳/۲ درصد کل صادرات و ۴۵/۴ درصد

صادرات کالاهای صنعتی سهم غالب را در گروه کالاهای صنعتی دارا بوده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود ترکیب صادرات استان فارس به لحاظ ارزشی به نسبت افزایش سهم کالاهای صنعتی و کاهش سهم کالاهای سنتی و کشاورزی تغییر یافته است.

صادرات استان فارس در سال ۱۳۸۲

با توجه به اینکه ترکیب صادرات استان فارس در سال ۱۳۸۲ از منابع آماری متفاوتی (نسبت به دو سال قبل) استخراج گردیده، صادرات استان فارس در این سال به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. طی سال ۱۳۸۲ به میزان ۵۰۲۱۹۱ تن کالا با ارزشی معادل ۲۰۶۴۳۲۳۹۸ دلار از محصولات تولیدی استان فارس به خارج از کشور از جمله کشورهای آلمان، امارات متحده عربی، عراق، ایتالیا، قطر، ایالات متحده آمریکا، فدراسیون روسیه، بحرین، عربستان سعودی صادر گردیده است.

کشورهای هدف

جدول (۱۳) عمده کشورهای را که از طریق گمرکات استان فارس به آنها کالا صادر گردیده، نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۸۲ در حدود ۵ میلیون دلار کالا از طریق گمرکات استان فارس به کشور امارات متحده عربی صادر گردیده و این کشور رتبه اول را از نظر واردات کالا از استان فارس به خود اختصاص داده که پس از آن کشور عراق با اختصاص ۴.۴ میلیون دلار از صادرات استان فارس در جایگاه دوم قرار دارد.

اقلام عمده صادراتی استان فارس

جدول (۱۴) اقلام عمده صادراتی استان فارس را نشان می‌دهد. آمار موصوف بیانگر معرفی مزیت استان در تولید کالاهای مورد اشاره می‌باشد که با توسعه و سرمایه‌گذاری در این بخش می‌توانیم سهم بالایی از بازارهای جهانی را از آن خود کنیم البته خلق مزیت‌های جدید و به دست آوردن بازارهای جدید و نفوذ در بازار از دیگر اهداف بخش

اقتصادی است که می‌تواند سر لوحه برنامه ریزان استان قرار گیرد.

جدول ۱۳- صادرات استان فارس بر حسب عمده کشورهای هدف در سال ۱۳۸۲

ردیف	شرح	ارزش صادرات سال (دلار)
۱	امارات متحده عربی	۴۹۹۶۳۴۴
۲	عراق	۴۴۴۸۶۱۱
۳	ایتالیا	۳۳۴۷۰۹۸
۴	قطر	۲۶۸۱۶۷۵
۵	ایالات متحده امریکا	۲۴۵۸۹۲۷
۶	فدراسیون روسیه	۲۰۰۰۷۵۸
۷	بحرین	۱۹۱۵۶۹۰
۸	عربستان سعودی	۱۴۹۰۶۵۱
۹	آلمان	۹۳۰۹۳۲

مأخذ: گمرک شیراز

جدول ۱۴- وزن و ارزش صادرات غیر نفتی استان فارس سال ۱۳۸۲

نوع کالا	وزن	سهم (درصد)	ارزش	سهم (درصد)
کالاهای سنتی و کشاورزی	۱۴۵۲۹۶	۲۸/۹	۱۹۴۵۸۳	۹۴/۳
	۷۱۱۱	۱/۴	۷۸۶۵۳	۳۸/۱
	۱۳۳۶۱۱	۲۶/۶	۴۰۳۶۵	۱۹/۶
	۳۳۵	۰/۱	۱۱۰۵	۰/۵
	۴۲۳۹	۰/۸	۷۴۴۶۰	۳۶/۱
کالاهای صنعتی	۷۴۲۶۹	۱۴/۸	۱۱۴۷۱	۵/۶
	۲۶۱۱۸	۵/۲	۱۷۹۰	۰/۹
	۴۶۹۰۷	۹/۳	۵۱۵۰	۲/۵
	۱۲۴۴	۰/۲	۴۵۳۱	۲/۲
کالاهای متفرقه جمع	۲۰۸۳۵۷	۴۱/۵	۴۶۳۳	۲/۲
	۵۰۲۱۹۱	۱۰۰	۲۰۶۴۳۲	۱۰۰/۰

بررسی امکانات بالقوه صادراتی استان

نخستین گام در برنامه ریزی توسعه صادرات استان، دستیابی به شناختی دقیق و جامع از امکانات صادراتی استان می‌باشد. شاید در نظر اول این امکانات شناخته شده به نظر برسد، لکن با دقت بیشتر ملاحظه می‌گردد که هنوز بخش مهمی از امکانات و استعداد های آن ناشناخته باقی مانده است. این قضاوت در مورد مناطقی که از مواهب طبیعی و زیرساخت‌های اقتصادی قوی تری برخوردار هستند صحیح تر نیز به نظر می‌رسد. حال نظر به اینکه شناخت از امکانات در حد ممکن آن، اساس هر برنامه و استراتژی توسعه را تشکیل می‌دهد در این بخش از گزارش به بررسی امکانات استان فارس جهت گسترش ظرفیت‌های صادراتی می‌پردازیم. این امکانات را می‌توان در دو بخش امکانات داخلی و خارجی استان مورد مطالعه قرار داد.

۱- امکانات داخلی

وسعت جغرافیایی، شرایط اقلیمی و به ویژه آب و هوا، منابع غنی زیرزمینی، صنایع دستی و کارخانه‌ای و نیز موقعیت خاص جغرافیایی که حصول آسان به آب‌های آزاد را میسر می‌سازد از امکانات بالقوه استان فارس برای افزایش درآمدهای صادراتی می‌باشد. علاوه بر این، هم‌جواری با استان اصفهان به عنوان یک قطب صنعتی عمده کشور شرایط دسترس ارزان و آسان به نهاده‌های تولید را فراهم نموده است. وجود سرمایه‌های عظیم فرهنگی و معنوی، اعم از میراث‌های تاریخی و فرهنگی از یکسو و سرمایه‌های انسانی وسیع و گسترده از طرف دیگر می‌تواند از جمله عوامل مؤثر برای توسعه صادرات غیر نفتی به حساب آید.

۲- امکانات خارجی

بررسی امکانات خارجی کشور برای صادرات و رشد آن از ضرورت برنامه‌ریزی بازرگانی خارجی است. این بررسی ضمن اینکه لازم است ولی بسیار دشوار بوده و به آمار و اطلاعات دقیقی نیاز دارد. از جمله این امکانات می‌توان به درجه و امکان توسعه بازار در

کشورهای طرف بازرگانی کشور مورد نظر، ایجاد زمینه‌های امکان رقابت با کشورهای رقیب و همین امکان شناسایی و جذب بازارهای جدید اشاره نمود. با این وجود در استان فارس یک امکان بالقوه مهمی وجود دارد که توجه دست اندرکاران امر تجار خارجی استان به آن موضوع می‌تواند منشأ تأثیرات زیادی بر تجارت خارجی استان باشد. در حال حاضر تعداد زیادی از اهالی استان فارس در کشورهای حاشیه خلیج فارس اقامت دارند که به دلیل علقه‌های فرهنگی و خویشی کماکان ارتباط تنگاتنگی با ایران و به ویژه استان فارس دارند. به طوری که در هفته چندین پرواز بین شهرستان لار از توابع استان فارس با کشورهای حوزه خلیج فارس صورت می‌پذیرد و مسافران زیادی از این طریق جابه‌جا می‌شوند.

CPPC.ir

فصل پنجم
نتیجه گیری و پیشنهادات

CPPC.ir

CPPC.ir

صادرات و تجارت خارجی در استان فارس دارای سابقه طولانی بوده، به طوری که موقعیت مناسب استان در کشور به لحاظ نزدیکی به خلیج فارس فارس و همسایگی با استان های مرزی هرمزگان، بوشهر و همچنین نزدیکی به استان های خوزستان، سیستان و بلوچستان و اصفهان و برخورداری از منابع طبیعی سرشار وجود منابع معدنی غنی شرایط مناسبی را برای گسترش تجارت خارجی استان فراهم آورده است.

در این مطالعه نیز سعی شده تا از طریق شناسایی ظرفیت های بالقوه مزیت های نسبی استان راه کارهایی به منظور ارتقای صادرات غیرنفتی استان ارائه گردد.

در این تحقیق ابتدا مبانی نظری موجود در زمینه تجارت خارجی و نقش آن در رشد اقتصادی و نیز توزیع درآمد به اختصار مورد بررسی قرار گرفت. اغلب مکاتب اقتصادی چنین تأیید و نقش مؤثر و مثبت تجارت خارجی در رشد اقتصادی، کاهش موانع موجود بر گسترش تجارت و تجارت آزاد را توصیه می کردند.

در عین حال این اجماع قوی در زمینه نقش مؤثر تجارت خارجی در بهبود توزیع درآمد جوامع وجود ندارد و به همین منظور نیز اجرای سیاست های مکملی برای کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد پیشنهاد گردیده است.

در مرحله بعد تحولات تجارت خارجی در سال های اخیر مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی از بعد تحولات صورت پذیرفته در ساختارهای قانونی و حقوقی تجارت خارجی و نیز روند تغییرات تجارت خارجی (صادرات و واردات) اطلاعات مفیدی را برای اجرای مراحل بعدی تحقیق فراهم آورد.

روند تحولات حقوقی در زمینه تجارت خارجی گویای مقررات زدایی گسترده از

حوزه تجارت خارجی می‌باشد.

بررسی روند تغییرات صادرات غیرنفتی در سال‌های گذشته نشان دهنده کاهش سهم کالاهای سنتی و کشاورزی در سبد کالاهای صادراتی کشور و در مقابل افزایش سهم کالاهای صنعتی می‌باشد. بررسی ترکیب صادراتی کالاهای سنتی و کشاورزی گویای سهم غالب فرش و میوه‌های تازه و خشک را نشان می‌دهد. هر چند که افزایش صادرات کالاهای پتروشیمی در سال‌های اخیر نیز باعث شده که این گروه در سال‌های آخر دوره مورد بررسی سهم بالایی از صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص دهند.

در مرحله بعد ساختار اقتصادی و اجتماعی استان فارس مورد بررسی قرار گرفت. در بررسی ساختار اجتماعی استان فارس - به بررسی تحولات و ساختار جمعیتی استان فارس اکتفا گردید. روند تحولات جمعیتی استان گویای کاهش سهم جمعیت ساکن در مناطق روستایی در سال‌های گذشته می‌باشد که با روند تحولات جمعیتی کل کشور هماهنگ است.

بررسی ساختار اقتصادی استان فارس از دو منظر متفاوت صورت پذیرفت. در مرحله اول ساختار تولید استان فارس از حیث تولیدات کشاورزی و صنعتی بررسی شد. تجزیه و تحلیل محصولات کشاورزی استان فارس و مقایسه آن با کل کشور حاکی از وجود مزیت نسبی بعضی از محصولات کشاورزی استان (گندم، حبوبات، پنبه، پیاز، میوه‌های گرمسیری و میوه‌های خشک) می‌باشد. در مقابل در زمینه بعضی از محصولات کشاورزی (دانه‌های روغنی، میوه‌های دانه‌دار، میوه‌های هسته‌دار و سیب زمینی) هیچ مزیت نسبی در استان در مقایسه با کل کشور وجود ندارد. البته ظرفیت‌های استان در زمینه بعضی محصولات کشاورزی نظیر (برنج، توتون و تنباکو، و محصولات جالیزی) تفاوت خاصی با کل کشور ندارد. بررسی روند مجوزهای صادره و بهره‌برداری از این مجوزها و نیز سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در استان فارس و مقایسه آن با کل کشور گویای وجود انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در استان فارس در مقایسه با کل کشور می‌باشد.

مرحله دوم بررسی ساختار اقتصادی استان فارس به بررسی تجارت خارجی (صادرات غیرنفتی) استان می‌پردازد. اطلاعات موجود برای بررسی دقیق ساختار تجارت خارجی

استان کفایت نمی‌کند که این امر انجام تحقیق را با مشکل مواجه می‌کند. با این حال سعی شده که از این طریق دسته‌بندی اطلاعاتی و مباحث نتایج بهتری حاصل آید. با توجه به اینکه اطلاعات موجود قابلیت تفکیک کالاهای صادره از طریق گمرکات استان فارس بر حسب تولیدات خود استان را ندارد. این فرض تسهیل‌کننده اتخاذ گردید که کالاهای صادره از گمرکات استان فارس با کالاهای صادراتی این استان برابر می‌باشد. بررسی روند صادرات غیرنفتی استان در سال‌های گذشته بیان‌کننده روند روبه‌رشد وزن و ارزش صادرات غیرنفتی در سال‌های اخیر می‌باشد. هر چند که روند تغییرات ارزش واحد کالاهای صادراتی از نظم خاصی تبعیت نمی‌کند.

بررسی ترکیب صادرات غیرنفتی استان در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ نشان‌دهنده سهم بالای کالاهای سنتی و کشاورزی در سبد صادراتی استان می‌باشد. هر چند که این سهم در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته اما از رقم مشابه در کل کشور بیشتر می‌باشد. در میان کالاهای سنتی و کشاورزی فرش و شیرین بیان سهم بالایی را به لحاظ ارزی به خود اختصاص داده‌اند.

سهم کالاهای صنعتی از صادرات غیرنفتی استان نیز در حال افزایش بوده است. با توجه به تفاوت منبع آماری صادرات غیرنفتی استان فارس در سال ۱۳۸۲، صادرات غیرنفتی استان در این سال به صورت جداگانه بررسی گردیده که این اطلاعات نیز یافته‌های قبلی را تأیید می‌کردند.

نتایج مطالعه یاد شده راه‌کارهای زیر را به منظور افزایش صادرات غیرنفتی استان توضیح می‌نماید:

- انجام مطالعات لازم به منظور ایجاد صنایع تبدیلی و فراوری ریشه شیرین بیان به عنوان یکی از مهم‌ترین اقلام صادراتی استان فارس به منظور کسب ارزش افزوده بیشتر.
- ایجاد یک تشکل منسجم در استان فارس (ترجیحاً در اداره کل بازرگانی این استان) به منظور بهره‌برداری از حضور خیل عظیمی از اهالی استان فارس در کشورهای حوزه خلیج فارس در جهت افزایش صادرات غیرنفتی استان.

با توجه به راه‌اندازی قریب الوقوع منطقه ویژه اقتصادی استان فارس با محوریت صنایع

الکترونیک و طرح این استان به عنوان قطب صنعت الکترونیک کشور، انجام مطالعات لازم به منظور شناسایی تقاضای بازارهای بین‌المللی (در راستای افزایش صادرات) و تقاضای داخلی (به منظور کاهش واردات این گونه محصولات) توصیه می‌گردد.

CPPC.ir

منابع و مأخذ:

الف - فارسی:

- اخوی، احمد، تجارت بین‌الملل، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول. ۱۳۷۳.
- اسدی، مرتضی و قره باغیان، تجارت و توسعه، موسسه تحقیقات اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.
- پور مقیم، سید جواد، تجارت بین‌الملل (نظریه و سیاست‌های بازرگانی)، نشر نی، چاپ پنجم. ۱۳۷۸.
- جلالی نائینی، احمد رضا و محمدی، صادرات و رشد اقتصادی، پژوهشنامه بازرگانی، شماره (۱)، (۱۳۷۵)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- سلیمانی، بهزاد و یآوری، سیاست تجاری و رشد اقتصادی: مورد کشورهای صادرکننده نفت، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۰، ۱۳۸۲، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- عظیمی، سید رضا: بررسی اثرهای صادرات غیر نفتی بر اقتصاد ایران: مجله برنامه و بودجه، شماره ۵۷ و ۵۸، ۱۳۷۸.
- فرهادی، علیرضا، بررسی تجارت خارجی بر رشد اقتصادی ایران، مجله برنامه و بودجه، شماره (۱)، سال نهم. (۱۳۸۳)
- گرچی، ابراهیم، سیاست‌های تجاری و توسعه اقتصادی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی - چاپ اول ۱۳۸۰.
- گریفین. کیت، راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین راغفروهاشمی - چاپ اول - تهران نشر نی، ۱۳۷۹.
- هانت دایانا، نظریه اقتصاد توسعه، ترجمه دکتر غلامرضا آزاد، نشر نی، چاپ اول ۱۳۷۶.

ب: منابع لاتین:

- Barro, R. (1991), Economic growth in cross section of countries, Quarterly Journal of Economic, 106.
- Edward, S. (1998), Openness, productivity and growth: what do we really know? Economic Journal, 108.
- Nor, P.R. (1991), Output devaluation and the real exchange in developing countries, wirtschaftliches Archive, Paper No. 127.
- Lee, J.W. (1999), Capital goods imports and long run growth, Journal of Development Economics, vol. 60 (2).
- Sren, W.A. (1999), Technical change and welfare, Working Papers in Economics, Claremont colleges.
- Sturm, J.E. & H. Jakob (2001), How robust is the relationship between economic freedom and economic growth? Applied Economics, vol. 33 (7).